

شهرداریها

ماهنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع رسانی
برنامه ریزی و مدیریت شهری
دوره جدید، سال اول - شماره ۲ - تیر ۱۳۷۸
۶۸ صفحه - ۲۰۰۰ ریال



- وظایف شهر داریها در ایران
- از تصور تا واقعیت
- برنامه ریزی تکنیکال
- چالشهای حقوقی نظام مدیریت شهری
- شهرهای شهری شهر داری استکچم
- نقش نیروهای داوطلب
- نقش نورداریها در توسعه شهری و آسایش اجتماعی

به سوی مدیریت شهری
کارآمد و عقلانی

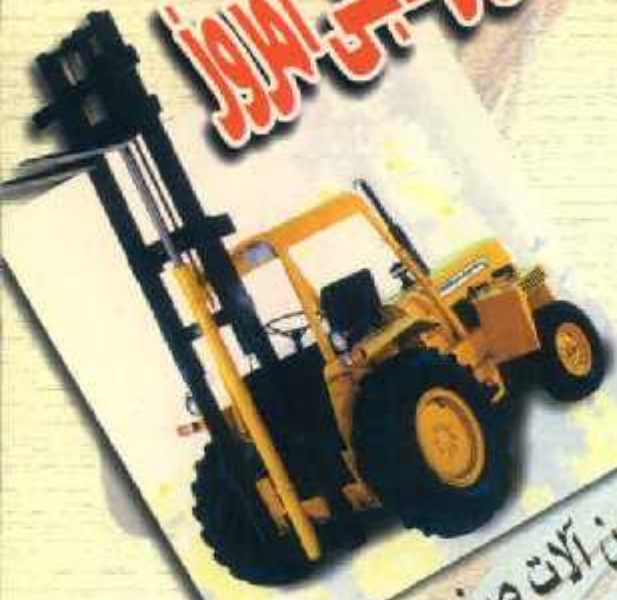
شفافیت و افزایش
وظایف و اختیارات شهرداریها



در زمینه راهت ابزار

کیفیت

معرف محصولات ما است



شرکت ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی ایران
تنها تولید کننده بکهولدر با سیستم هیدرولیکی کشونی در ایران
Sole Manufacturer of Back-hoe Loader in Iran

- میخواهیم مطمئن بود که
- با استفاده به گواهی ایزو 9001 از شرکت RWTUW
 - با بازار بودن شبکه وسیع نمایندگی خدمات
 - بعد از فروش در سراسر ایران
 - با ارائه خدمات آموزشی رایگان



تولیدات شرکت ماشین آلات صنعتی تراکتور سازی ایران
بکهولدر کشونی کابین دار با سیستم هیدرولیک کشونی مدل DL86
لیفتراک چرخ بزرگ

بیل کشونی قابل نصب بر روی انواع تراکتور
بیل گردان قابل نصب بر روی انواع تراکتور
انواع تریلرهای صنعتی و کشاورزی با ظرفیتهای ۲/۵ الی ۱۰ تن
فرانت لودر قابل نصب بر روی انواع تراکتور
انواع بالابر قابل نصب بر روی تراکتور
ترانسپورتر حمل مستقیم نیشکر
دستگاه حمل و تخلیه نیشکر



تلفن ۰۴۱-۴۲۵۸۷۰-۴ ۰۲۱-۸۸۴۲۲۸۳-۵
فکس ۰۴۱-۴۲۵۸۷۱ ۰۲۱-۸۸۱۹۷۸
E.mail I.T.I.M.CO@neda.net

www.neda.net



طراح بسم الله - مستندسازی شهربرد
طرح روی جلد: شهیندیس نقاشی
عکس پشت جلد: منوچهر مسعود نقاش

- ۴ **یادداشت سردبیر**
- ۴ **گزارش اصلی**
- ۵ وظایف شهرداریها در ایران؛ از تصور تا واقعیت / زهرا تشکر
- ۵ **اندیشه**
- ۱۲ برنامه ریزی تکنوکرا، برنامه ریزی وکالتی / منوچهر مزینسی
- ۲۰ بله های تاریخی اصفهان / وحید قبادیان
- ۲۰ **گفتگو**
- نقش نیروهای داوطلب در امور ایمنی و آتش نشانی /
- ۲۶ گفتگو با مسئولین دبیرخانه ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش نشانی
- ۲۶ **سازمانهای بین المللی**
- ۳۰ معرفی اتحادیه بین المللی حکومتهای محلی (IULA) / حسن شفیعی
- ۳۰ **قانون شهر**
- ۳۲ چالشهای حقوقی نظام مدیریت شهری / سید محمود نجاتی حسینی
- ۳۲ **نگاه دیگران**
- ۳۶ یزد، مخملی گندمگون در کویر مرکزی ایران / غلامرضا طالبی
- ۳۲ **عمارت نو**
- ۳۲ چهارمین برج مختبرات دنیا در تپه های گیشا / آتوسا راوش
- ۳۲ **شهر دیگران**
- ۴۶ تشکیلات سازمانی شورای شهر و شهرداری استکهلم / محسن ابراهیمی مجرد
- ۴۸ نقش نور در زیباسازی فضاهای شهری / ترجمه فاطمه شاعری کوچکی
- ۴۸ **گزارش خبری**
- ۵۱ گزیده سخنان موسوی لاری، وزیر کشور
- ۵۴ روند فعالیت کمیته های تخصصی در نشست معاونان امور عمرانی استاندارها
- ۵۵ بررسی وضعیت موجود، مشکلات و راهکارهای بهبود سامانه آتش نشانی
- ۵۷ **شهر در سوز مینهای اسلامی**
- ۵۷ شهر فاس / غلامرضا طالبی
- ۶۱ **تازه های نشر**
- ۶۵ **با مخاطب**
- ۶۶ **چکیده مقالات (انگلیسی)**

۱- مطالب مشروح لزوماً نیازمند نطقه نقرات
شهرداریها نیست
۲- شهرداریها در ویرایش و تکمیل مطالب
آزاد است
۳- مطالب ارسالی به هیچوجه بازگردانده
نخواهد شد

- ♦♦ صاحب امتیاز: وزارت کشور - سازمان شهرداریها
- ♦♦ مدیر مسئول: احمد حزم
- ♦♦ سردبیر: علی نوریور
- ♦♦ مشاور پژوهشی سردبیر: سید محمود نجاتی حسینی
- ♦♦ معاون سردبیر: نوید سعیدی رضوانی
- ♦♦ مدیر پروژه: زهرا تشکر
- ♦♦ هیئت تحریریه: سرویس فرهنگی اجتماعی: زهرا تشکر / سرویس پژوهشی: نوید سعیدی رضوانی / سرویس بین المللی: حسن شفیعی
- ♦♦ همکاران این شماره: حسین شنگلاهی / علی قاسمیژاد
- ♦♦ ویرایش و نمونه گذاری: غلامرضا طالبی
- ♦♦ امور هنری و فنی: معاونت فنی مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
- ♦♦ توزیع: نشر آسوی، مدیریت توزیع

برای تحقق «جامعه مدنی» در کشور لازم است هماهنگی متناسبی میان حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی وجود داشته باشد. تبلور این هماهنگی را می‌توان در فرایند برنامه‌ریزی «توسعه» به‌وضوح پیش‌بینی نمود. به‌عبارت دقیق‌تر، از طریق برنامه‌ریزی‌های توسعه می‌توان هماهنگی‌های لازم را میان مؤلفه‌های شکل‌دهنده جامعه مدنی پیش‌بینی کرد. یکی از حوزه‌ها «نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کشور» است. اکنون که در آستانه تدوین و تصویب نهایی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۲-۱۳۷۸) هستیم، جا دارد راهکارهایی را مرور نماییم که نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کشور در راستای تقویت شهرداریها (به‌عنوان یک سازمان محلی دست‌اندرکار توسعه شهری) اندیشیده و در نظر دارد آن را در بخش عمران شهری بگنجاند.

قصد ما توجه‌دادن دست‌اندرکاران تدوین و تصویب برنامه سوم توسعه کشور، در جهت تقویت شهرداریها، هماهنگی با مؤلفه‌های جامعه مدنی است.

در تدوین برنامه پنج‌ساله سوم در بخش عمران شهری یکی از مسائل اساسی مورد بحث در مجامع برنامه‌ریزی، «مدیریت شهری» است. در کمیته‌ها و شوراهای برنامه‌ریزی، با توجه به سیاستها و خط‌مشیهای دولت مبنی بر واگذاری امور به مناطق، غیرمتمرکز شدن فعالیتها، کوچک‌شدن دولت و توجه به مدیریتهای منطقه‌ای - محلی و... بحثهای جدی مطرح شده است. به‌عنوان نمونه در شورای برنامه‌ریزی بخش مسکن - عمران شهری و روستایی، تبصره‌ای جهت درج در قانون برنامه پنج‌ساله سوم با هدف تدوین نظام نوین مدیریت شهری، پیشنهاد شده است. نکات اساسی این تبصره - که ناظر بر پیش‌بینی و تعریف وظایف جدید برای شهرداریهاست - به شرح ذیل

است:

- ۱- مدیریت واحد شهری؛ یعنی تقویت نقش شهرداران به‌عنوان مدیر و هماهنگ‌کننده امور عمرانی و خدمات شهری و مرجع اصلی هماهنگ‌کننده اداره امور شهری.
 - ۲- واگذاری امر تصدی همراه با حاکمیت؛ یعنی واگذاری مسئولیت نوام با اختیارات به شهرداری.
 - ۳- عهده‌داری وظایف همراه با اعتبارات و منابع جدید؛ به‌عبارت دیگر واگذاری تدریجی وظایف سایر وزارتخانه‌ها به شهرداری به‌همراه پیش‌بینی اعتبارات و منابع درآمدی جدید مانند واگذاری مالیاتهای محلی به شهرداریها.
 - ۴- واگذاری وظایف همراه با امکانات و نیروی انسانی و سازمان؛ یعنی واگذاری وظایف نباید منجر به انحلال سازمانهای اجرایی موجود شود، بلکه با حفظ ارتباط تخصصی و فنی، مجموعه سازمانهای مربوطه به‌همراه نیروی انسانی و امکانات به شهرداری ملحق شوند.
 - ۵- واگذاری وظایف به تناسب اندازه و توان شهرداریها؛ یعنی در واگذاری وظایف جدید به تفاوت بین شهرداریهای بزرگ، متوسط و کوچک توجه شود و متناسب با قابلیتها و امکانات، رده‌های عملکردی - جمعیتی تصدی وظایف جدید پیشنهاد گردد.
 - ۶- واگذاری وظایف پس از آزمون؛ یعنی تقبل وظایف جدید از طرف شهرداریها باید به‌طور تدریجی و مرحله‌ای انجام شود.
 - ۷- واگذاری همراه با ارکان متناسب، یعنی ساختارها و تشکیلات جدید متناسب با وظایف نوین مدیریت شهری در شهرداریها ایجاد گردد.
- امید است در راستای حرکت جامعه به سمت تحقق جامعه مدنی، مدیریت شهری که یک رکن اساسی در جامعه مدنی با بهره‌گیری از مشارکت مردمی است، جایگاه شایسته خویش را بیابد ♦

وظایف شهرداریها در ایران؛ از تصور تا واقعیت

بحثی درباره اعطای وظایف و اختیارات بیشتر به شهرداریها (قسمت اول)

♦ زهرا تشکر

اشاره

اعضای شورای شهر خاش و دهلران، عجب شیر و انشتور، رامشیر و بهار و... که مدت کوتاهی است شروع به کار کرده‌اند، مردمی که آنها را انتخاب کرده‌اند، بچه‌های محله خاشی آباد و تهران نو، ته خیابان و نخریسی مشهد و... شاید هنوز هم ندانند که آنچه تقریباً هر شب در کسوت لباسهای پرتنگهای تند نارنجی و زرد می‌بینند که کیسه‌های زباله‌شان را تحویل می‌گیرد و جویهای کثیف محله‌شان را می‌روید و «شهرداری» می‌نامندش، می‌تواند برایشان کنسرت موسیقی برپا کند، کتابخانه بسازد و نظرشان را در مورد خیابانی که قرار است کشیده شود بپرسد و به گدای پیر محله‌شان هر شب جمعه یک وعده غذای گرم دهد و خیلی کارهای دیگر...

تنها آنها که به برکت تمکن مالی یا داشتن آشنایی در غربت، گذارشان به کشورهای اروپایی یا امریکا افتاده با تعجب دیده‌اند که از وقتی پا به خاکی بیگانه گذاشته‌اند، تا وقتی از آن خارج شده‌اند، همه کارشان را باید با شهرداری رتق و فتق می‌کرده‌اند؛ از آموزش زبان و اجازه اقامت گرفته تا اداره مدرسه، پلیس شهر و... همه و همه زیر نظر شهرداری است. شهرداری پرتنگترین سازمان در شهر است و تقریباً همه انتظارات زندگی در شهر را باید از شهرداری داشت. بدراستی چرا تصور ما از شهرداری اینهمه از واقعیت شهرداری در همه جای دنیا فاصله دارد؟

مدیریت شهر و تحولات قانونی

اینکه ایران طی قرن‌ها گاهواره شهرهای صاحب نامی در جهان بوده و اداره این شهرها خود گواه تمدنی بزرگ است، بحث شیرین و درازی است؛ اما اینکه ما از کی به صرافت تدوین قانونی برای «اداره امور شهر» برآمدیم را باید از زمان مشروطه سراغ گرفت.

هواداران و سردساران نهضت مشروطه، تحت تأثیر الگوهای اروپا و به قصد وظیفه‌مند کردن دولت در رساندن خدمات عمومی به مردم، بلافاصله پس از تصویب قانون اساسی، سه قانون مهم دیگر را به تصویب مجلس شورای ملی رساندند. این قوانین از قوانین فرانسه و بلژیک اقتباس شده بود و در واقع پایه‌های تقسیم‌بندی کشوری و نهادهای مسئول خدمت‌رسانی به مردم را بنیان می‌گذاشت: قانون انجمنهای ایالتی، قانون بلدیّه، قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام - هر سه مصوب ۱۲۸۶ هجری شمسی.

براساس این قوانین، ادارات بلدیّه و انجمنهای

بلدیّه با اختیارات محدودی دارای شخصیت حقوقی بوده و نیروی محلی محسوب می‌شدند. انجمنهای بلدی پس از گذشت چهار سال، قبل از آنکه بتوانند به‌طور کامل مدیریت محلی را تجربه کنند به پیشنهاد دولت منحل شدند و سرپرستی ادارات بلدی به وزارت داخله (کشور) منتقل گردید. گرچه در پایه‌گذاری قانون بلدیّه اصل پاسخگویی شهردار در مقابل انجمن بلدیّه مطرح بود و نه در برابر مقامات حکومت مرکزی؛ اما بتدریج برای ادارات بلدیّه وابستگیهای اداری - سازمانی به‌همراه وابستگیهای مالی نیز در نظر گرفته شد. بخشی مهمی از درآمد بلدیّه‌ها از کمک دولت مرکزی تأمین می‌گردید و بخشی نیز از مالیاتهای مصوب مانند مالیات نواقل (مالیات ماهانه از کلیه بارکشها)، مالیات ورود و خروج از شهر، مالیات مستغلات و...

از لحاظ وظایف و اختیارات نیز براساس ماده یک قانون ۱۲۸۶ وظیفه و هدف اصلی بلدیّه «حفظ منافع

شهرها و رفع حوائج اهالی شهرنشین» اعلام شده بود، اما دامنه اهداف و وظایف بلدیة محدود به خدمات شهری بسیار ساده بود و هیچگونه وظیفه عمرانی و برنامه‌ریزی توسعه شهری برعهده نداشت. در سالهای پایانی قرن سیزده و اوایل قرن چهارده هجری شمسی در پی ایجاد تحولات عمومی، سیستم اداری و تشکیلات عمومی مدیریت شهری دچار تحول گردید. در سال ۱۳۱۶ سیستم اداری و تقسیمات کشوری مبتنی بر قانون تشکیل ایالات و ولایات تغییر یافت و به جای آن قانون تقسیمات کشوری تصویب شد که براساس آن سلسله مراتب استان، شهرستان، بخش و دهستان توسط استاندار، فرماندار، بخشدار و دهیار اداره می‌شد و همه تابع دولت مرکزی بودند. در این زمان شهرداریها نیز به منزله ادارات دولتی بودند که می‌بایست زیر نظر فرماندار انجام وظیفه می‌کردند. طبق قانون مذکور کلیه ادارات و سازمانهای رسمی کشور، مستقر در هر یک از این حوزه‌ها تابع وزارتخانه یا سازمان مرکزی خود بودند.

تا سال ۱۳۱۲ به علت ضعف مالی شهرداریها و عدم آشنایی مسئولان شهرداری به ملاحظات فنی عمران شهری و نیز نبودن قانون و مقررات لازم برای اجرای طرحهای عمرانی، توجه زیادی به بهبود کیفیت کالبدی شهرها معطوف نمی‌شد؛ اما بتدریج فعالیت شهرداریها به امور شهرسازی نیز کشیده شد. اولین ابزار قانونی در این زمینه «قانون راجع به احداث و توسعه معابر و خیابانها» بود.

دوران کوتاه نهضت ملی در ایران (۲۲ - ۱۳۲۸) با نضج‌گیری مشارکت‌طلبی اقتصاد مختلف در عرصه سیاسی، قوانین مربوط به انجمنهای شهر و شهرداریها مورد بازنگری قرار گرفت و بدین ترتیب تجربه‌ای کوتاه از قانونگذاری و مدیریت ضدتمرکز به تحقق پیوست. پس از کودتای سال ۱۳۳۲ و روی کار آمدن پهلوی دوم، در نتیجه اتکا به درآمدهای نفتی و تمرکز مازاد اقتصادی در شهرها، شهرنشینی در ایران رشد شتابانی به خود گرفت و لذا «مسائل شهری» به طور جدی پدیدار گردید. دولت به لحاظ اهمیت سیاسی و اعتباری مسائل به راه‌حلهای تمرکزگرایانه متوسط شد و با اتکا به درآمدهای نفتی، میزان اعتبارات عمران شهری در بودجه‌های دولتی را افزایش داد. از این پس تأمین زیرساختهای شهری به یکی از اقلام مهم برنامه‌های عمرانی تبدیل شد.

از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ علاوه بر اصلاح تدریجی قوانین مربوط به شهرداریها و انجمنهای شهر، عناصر و نهادهای رسمی جدیدی نیز به موجب تصمیمات دولت به سیستم مدیریت شهرهای کشور وارد می‌شوند. مهمترین این نهادها، سازمان برنامه و بودجه، وزارت مسکن و شهرسازی، اتحادیه شهرداریهای ایران و دفاتر فنی استاندارها هستند. هدف هر یک از نهادهای دست‌اندرکار امور شهری در این دوران کنترل و نظارت بر تغییر و تحولات فیزیکی شهر است؛ لذا برنامه‌ها و طرحهای کنترلی تحت عناوین طرحهای جامع، تفصیلی و طرحهای هادی تهیه شده و در پی آن وظایف جدیدی نیز از جمله تأمین تأسیسات شهری، احیا و تجدید بنای محله‌های قدیمی و غیربهداشتی و تأمین سیستم حمل‌ونقل عمومی برای شهرداریها تعریف می‌شود. در مجموع می‌توان گفت شهرداریها در دوره مذکور در برنامه‌ها و تقسیمات کشوری و هم به لحاظ فرهنگی، سازمانی دولتی تلقی می‌شوند، نه سازمان محلی. براساس قوانین مربوطه، وظایف متنوع و متعددی به عهده شهرداریها محول می‌شود اما تنگناها و محدودیتهای ساختاری انجام وظیفه شهرداریها و فقدان دیدگاه جامع و منسجم در ساختار مدیریت شهری باعث می‌شود سازمانهای موازی متعددی در سطوح ملی و محلی تشکیل شود که این خود باعث درهم‌ریختگی و تداخل در انجام امور مربوط به اداره شهرها می‌گردد.

اکنون می‌توان گفت که در یک روند چهل ساله مرتباً از میزان اختیارات و حیطة عمل شهرداریها کاسته شده و با ایجاد هر سازمان و نهاد مستقل و متفک از شهرداریها، بخشی از وظایف به عهده این سازمانها گذارده شده و شهرداریهای ایران در روند اضمحلال و کنار گذاشته‌شدن تدریجی خود به‌طور مداوم کوچکتر و ضعیف‌تر و در هدایت توسعه شهری کم‌تأثیرتر شده‌اند. براساس نظر کارشناسان، امروزه شهرداریها در ایران عمدتاً وظایفی انجام می‌دهند که اصطلاحاً بر زمین مانده و سایر سازمانها حاضر به انجام آنها نیستند. ضمن اینکه برخی وظایف هنوز معتبر نیز به علت فقدان امکانات و تواناییهای لازم عملاً متروک و فراموش شده‌اند.

مدیریت شهری؛ مدیریت واحد محلی

مدیریت شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، آمایش

سرزمینی و... مفاهیمی از این دست تا چه حد برای ما آشنا هستند؟ تا چه حد از آنها تعریف درستی داریم؟ این مفاهیم در مسیر خود از فضای مفهومی ذهن تا عرصه گسترده عمل تا چه حد تغییر یافته است؟ آیا تصور ما درباره مدیریت شهری و عملکرد ما نسبت به آن نیاز به تصحیح ندارد؟ تجربیات کشورهای دیگر درباره مدیریت شهری و شهرداریها چه دستاوردی برای ما دارد؟ آیا آشنایی، بی‌شکلی و بی‌نظمی در شهرهای ما محصول عدم درک صحیح از مفهوم «مدیریت شهری» نیست؟ آیا می‌توان مدیریتی واحد، هماهنگ و یکپارچه برای اداره امور شهر در نظر گرفت و آنرا درباره کلیه جوانب زندگی شهری وظیفه‌مند کرد؟ دستاوردها و نظرات نوین در این باره به ما چه می‌گویند؟ ...

اینها سؤالاتی است که با آینده واگذاری وظایف جدید و بیشتر به شهرداریها مطرح می‌شود و ما آنها را با تعدادی از صاحب‌نظران، اساتید و دست‌اندرکاران مسائل شهری در میان گذاشتیم. نظرات آنان درباره جنبه‌های مختلف این امر، شرایط تحقق آن و مسائل مرتبط دیگر را در ادامه گزارش می‌خوانید.



علی نودریور

بسیار بیش از آنچه که هست برای آن قائل شویم. امروزه در جهان وظایف شهرداریها روز به روز گسترده‌تر می‌شود و شهرداریها به‌عنوان نهادهایی مدنی، محلی، عمومی و غیرانتفاعی وظایف بیشتری برعهده می‌گیرند و بدین ترتیب وظایفی که بر دوش دولت‌ها قرار داشت به‌این نهادهای محلی واگذار می‌شود. اسنادی نیز که از سوی سازمان ملل منتشر می‌شود نشان‌دهنده تحولات جهانی درباره نگرش به جایگاه و وظایف شهرداریهاست.

تجارب چه می‌گویند؟

گسترده‌گی وظایف شهرداریها بویژه در کشورهای توسعه‌یافته، ناشی از نگرش نوین به شهرداریها به‌عنوان سازمانهای مسئول مدیریت شهری است. امروزه به شهرداری به‌عنوان پیمانکاری بزرگ که باید صرفاً پاره‌ای از فعالیتهای عمرانی و خدماتی شهر را به انجام رساند، نگریسته نمی‌شود. بلکه شهرداری به‌عنوان مؤسسه‌ای مدنی و برخاسته از مردم، موظف است در جهت توسعه پایدار و انسانی گام بردارد، در حفظ محیط زیست بکوشد، با محرومیت، فقر و

برنامه‌ریزی شهری به معنای واقعی

علم اداره و کنترل سیستمهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی شهر است؛ یعنی کلیه سیستم شهر و کلیه سازمانهای درگیر با مسائل شهری را دربرمی‌گیرد

علی نودریور، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور، معتقد است قبل از آنکه به بحث واگذاری اختیارات بیشتر به شهرداریها بپردازیم لازم است تعریف خودمان را از برنامه‌ریزی شهری روشن کنیم. برنامه‌ریزی شهری به معنای واقعی علم اداره و کنترل سیستمهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی شهر است؛ یعنی کلیه سیستم شهر و کلیه سازمانهای درگیر با مسائل شهری را دربرمی‌گیرد. یعنی، به کالبد شهر توجه ندارد بلکه به مسائل اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و... نیز توجه می‌نماید.

بنابراین با این تعریف اگر «شهرداری» را مهمترین سازمان متولی امور شهر و مفهوم مدیریت شهری را در این نهاد متبلور بدانیم، باید اختیاراتی

انحرافات ناشی از آن مبارزه کند و برای اعتلای فرهنگ شهرنشینی بکوشد. به‌همین دلیل است که در تمام دنیا شهرداریها در کنار فعالیتهای سنتی و مرسوم خود به اموری مانند فعالیتهای فرهنگی، بهزیستی و زیست‌محیطی نیز می‌پردازند.

در تمام این عرصه‌ها، شهرداریها نه‌فقط در ایجاد زیربناهای مربوط بلکه در برنامه‌ریزی، مدیریت و توسعه آنها نقش دارند. به‌عنوان مثال اگر شهرداری خانه فرهنگی بنا می‌کند، بعد از احداث آنرا رها نمی‌کند بلکه با همکاری مردم، سازمانهای تشکیل‌یافته مردمی و غیردولتی (NGO) و بخش خصوصی - براساس قوانین و ضوابط موجود - به اداره آن می‌پردازد.

بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت



مهدی مزین

دیدگاه‌های نظری جدید و نیز تحولات عملی در کشورهای مختلف همگی به گسترش حیطه عمل و تنوع وظایف شهرداریها در جهت تحقق اصول نظری مدیریت شهری نوین تأکید دارند. وظایف شهرداریهای مختلف در کشورهای جهان علاوه بر تنوع موضوعی و دربرگرفتن بسیاری از ابعاد حیات شهری بر مبنای مرکزیت نهاد شهرداری، تمام حیطه فضایی شهر و کلان شهر را به طور کامل دربرمی گیرد. متوجه مزینی که متخصص شهرسازی و استاد دانشگاه است با ذکر نمونه‌هایی از حیطه عمل شهرداریها در کشورهای غربی می‌گوید: در کشورهایی که سابقه شوراهای شهر و یا انجمنهای شهرشان از ما طولانیتر است، شهرداری تمام خدمات شهری را برای رفاه مردم به عهده دارد؛ اموری مانند آب، برق، آسفالته خیابانها، تلفن، از پلیس گرفته تا آتش نشانی و هر امری که لازمه خدمات شهری است مربوط به شهرداری است. گرچه گاه متولیان آموزش و پرورش از جانب مردم انتخاب می‌شوند ولی این شهرداری است که نظارت کامل بر مسائل آموزش و پرورش دارد، بعاین اعتبار که باسوادکردن مردم یکی از

تأسیس، حفظ و اداره کتابخانه‌ها، موزه‌ها و تاتراها نیز می‌شود. وجود کتابخانه در هر شهر به قدری اهمیت دارد که بیشتر شهرداریهای ایالات متحده کمیسیونی خاص این کار دارند.

در مورد پلیس نیز گاه تمام تشکیلات پلیس زیر نظر شهرداریها اداره می‌شود و گاه بخشی از وظایف آن مانند راهنمایی و رانندگی و حفظ نظم شهرها به عهده شهرداریهاست. در شهر بوکوهامای زاین واحدهایی به نام دفتر بنادر و کشتیرانی، امور دانشگاهها، حفاظت محیط، اداره محیط سبز، جاده‌ها و اتوبانها و... از طریق معاون شهردار زیر نظر مستقیم شهرداری فعالیت می‌کنند.

بهنام خاقان، کارشناس ارشد دفتر مسکن و عمران شهری و روستایی سازمان برنامه و بودجه، در این باره می‌گوید: در بسیاری از کشورهای جهان شهرداریها حتی امور مربوط به جمع‌آوری مالیات، ثبت احوال، ازدواج، طلاق، تولد، صدور شناسنامه، ثبت اسناد، خانه‌سازی، مدرسه‌سازی و... را نیز انجام می‌دهند.

حمید عاجدی، رئیس هیئت مدیره جامعه

در کشورهایی که سابقه شوراهای شهر و یا انجمنهای شهرشان از ما طولانیتر است، شهرداری تمام خدمات شهری را برای رفاه مردم به عهده دارد. اموری مانند آب، برق، آسفالته خیابانها، تلفن، از پلیس گرفته تا آتش نشانی و هر امری که لازمه خدمات شهری است... عرصه خدمات فرهنگی در ایالات متحده و تقریباً تمام کشورهای اروپایی در حیطه وظایف و مسئولیتهای شهرداری قرار دارد.

مهندسان شهرساز، نیز بر این امر تأکید دارد و می‌گوید: در بسیاری از کشورهای دنیا، شهرداری در اجرای برنامه توسعه اقتصادی شهر نقش دارد و این برنامه را هدایت و کنترل می‌کند. بر بخش خصوصی نظارت کامل دارد و در جهت توسعه اقتصادی شهر، چه در زمینه صنعت و یا کشاورزی در اراضی پیرامون شهرها، بخش خصوصی را تشویق می‌کند. شهرداری در پیشبرد برنامه‌های اجتماعی و طرحهای فرهنگی نقش دارد و تحت نظر شورای شهر در مسائل آموزشی حضوری فعال دارد.

البته باید دو نکته را نیز در این باره خاطر نشان کرد. نکته اول آنکه اعطای وظایف به شهرداریها در واقع به نوعی کم کردن بار مسئولیت دولتهاست و از قراردادهایی بیرونی می‌کند که به موجب قانون

کیفیتی است که هر شهروند خوب باید داشته باشد، او در ادامه می‌افزاید: البته چنین نیست که سازمان دیگری مسئولیتهای فوق را به عهده داشته و فقط برنامه‌ریزی این امور به عهده شهرداری باشد؛ بلکه انجام کلیه امور شهر زیر نظر شهرداری انجام می‌شود. عرصه خدمات فرهنگی در ایالات متحده و تقریباً تمام کشورهای اروپایی در حیطه وظایف و مسئولیتهای شهرداری قرار دارد. در آلمان حتی شهرهای کوچک دارای دسته ارکستری هستند که نوازندگان آن حقوق مکفی از شهرداری دریافت می‌کنند. در بروکسل تقریباً تمام روزهای تابستان در میدان اصلی شهر دسته ارکستری می‌نوازد که هزینه آنرا شهرداری به عهده دارد. گذشته از موسیقی، عرصه خدمات فرهنگی شامل



مجید غمسی

پذیرفته شده است. به عبارت دیگر، این تقسیم وظایف امری کاملاً قراردادی است. بدین ترتیب اختیارات شهرداریها در انجام مسئولیتهایی که به عهده دارند، تا اندازه‌ای متفاوت بوده و بستگی به رابطه شهرداریها با بخش دولتی دارد. به طور کلی می‌توان گفت در تمام کشورهای که سیستم حکومتی دموکراسی دارند، اختیارات شهرداریها در حد وسیعی گسترده است.

نکته دوم آنکه، علاوه بر مورد فوق، امکانات مالی شهرداریها نیز هست که محدوده اختیارات آنها را وسعت می‌بخشد یا محدود می‌سازد. در بیشتر کشورهای خاورمیانه چون دولت تأمین‌کننده منابع

شهرداری از متن قوانین و آیین‌نامه‌ها، دقت در تقدیم و تأخر و نسخ و منسوخ بودن قوانین و مقررات است. بسیاری از وظایف شهرداریها با تصویب قوانین و مقررات لاحق منتفی شده‌اند. اطلاع از این مقررات نیازمند کسب مشورت از حقوقدانان و مشاوران خبره و بصیر در امور شهرداریها و عمل به مفاد دستورالعملهای رسمی وزارت کشور و نیز پاسخ استعلاماتی است که شورای شهر از امور شهرداریهای وزارت کشور دریافت می‌کند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که تنها آگاهی یافتن از وظایف شهرداریها، به دلیل وجود پراکندگی، تا چه حد مستلزم صرف وقت و انرژی است. اما آنچه اکنون

شهرداریها برای مواجهه شدن با وظایفی که عملاً به عهده‌شان قرار می‌گیرد باید اختیارات قانونی بیشتری داشته باشند، تا هم بتوانند در جهت توسعه شهری گامهای مؤثری بردارند و هم از این طریق جلوی انحرافات احتمالی و ناخواسته و اعمال سلیقه‌ها گرفته شود.

مالی شهرداریهاست، دخالتهای اداری و برنامه‌های نیز در امور آنان دارد. در سوئد شهرداریها از نظر مالی نیز مانند وضعیت سیاسی و اداری کاملاً مستقل هستند. اما در ترکیه شهرداریها خود حق وضع مالیات را ندارند و بودجه آنها باید از طریق بودجه ایالات تأمین شود و بودجه ایالات نیز جزئی از بودجه کشوری است.

شهرداریها، تبیین وظایف و اختیارات

در کتابی که با عنوان «ره‌نمون برای شورای اسلامی شهر» نوشته منصور غنی‌زاده به تازگی انتشار یافته، آمده است: برای آشنایی دقیق با وظایف شهرداری می‌بایست به قوانین متعددی مراجعه کرد. نویسنده کتاب به بیست مورد از قوانین اشاره می‌کند که در آنها به نحوی وظایف و اختیارات شهرداری آمده است؛ از جمله قانون نظام صنفی، زمین شهری، نحوه حریبه و تملک اراضی و املاک، تقسیمات کشوری و... علاوه بر قوانین مختلفی که هر یک برای شهرداری وظایفی معین کرده‌اند، آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین نیز از جمله منابع قانونی هستند که ضمن آنها وظایفی به شهرداری محول شده است مانند آیین‌نامه مالی شهرداریها. این کتاب در ادامه خاطر نشان می‌سازد که نکته حائز اهمیت در تعیین وظایف

در باره وظایف و اختیارات شهرداریها بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد قانون شهرداری مصوب ۱۱ تیر ماه ۱۳۳۴ است که فصل ششم آن به وظایف شهرداری اختصاص دارد و به موجب مصوبات ۱۳۳۵/۱۱/۲۷ و ۱۳۵۲/۵/۱۷ موادی به آن الحاق و یا از آن حذف شده است. به موجب این قانون برای شهرداری ۵۳ وظیفه تعریف شده است که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آنها را به چهار دسته عمرانی، خدماتی، نظارتی و رفاه اجتماعی تقسیم نمود. وظایف عمرانی مواردی را نظیر احداث خیابان و فضای سبز؛ وظایف خدماتی مانند تنظیف معابر و دفع زباله، وظایف نظارتی مواردی مانند صدور پروانه ساختمان و نظارت بر امور صخی اصناف و رفاه اجتماعی مواردی نظیر تأسیس نوانخانه و احداث مسکن ارزان قیمت برای نیازمندان در بر می‌گیرد.

طبق بررسیهای به عمل آمده اکنون کمتر از نیمی (۳۹/۶ درصد) از این وظایف توسط خود شهرداری انجام می‌پذیرد. هفت وظیفه دیگر (۱۳/۲ درصد) به طور مشترک توسط شهرداری و ادارات دیگر بیست و یک وظیفه (۳۹/۶ درصد) نیز به ادارات دیگر یا بخش خصوصی محول شده است. مجید غمسی، مسئول طرح مجموعه شهری

تهران در مرکز مطالعات و تحقیقات شهرداری و معماری، درباره حیطه وظایف شهرداریها در حال حاضر می‌گوید: طبق قانون شهرداری، فعلاً حوزه عمل و اختیار شهرداری چیزهای معینی است. شهرداری بیشتر روی موضوعات عمرانی آن هم توسعه معیار است که از نظر قانونی اختیارات روشن دارد. شهرداری حریم یک خیابان یا بنورگراه را مشخص می‌کند و بعد می‌سازد. از این که بگذاریم نظافت شهر، زیبایی شهر و فضای سبز و پارک و برخی تجهیزات شهری مثل گورستان و کشتارگاه آتش‌نشانی و... در محدوده معینی در حوزه اختیارات شهرداری است. بنابراین وقتی به‌طور عمقی با مسائل شهر و شهرداری درگیر شویم می‌بینیم که در همه شهرها بخصوص شهرهای بزرگی مثل تهران ضرورت‌های بسیاری هست که ایجاب می‌کند شهرداریها وظایف گسترده‌تری داشته باشند.

اختیارات بیشتر؛ ضرورتی اساسی

چرا می‌گوییم اعطای اختیارات قانونی بیشتر به شهرداریها برای وضعیت فعلی شهرهای ما که در حال رشد شتابان هستند ضرورتی غیرقابل اجتناب است؟ در صورت دادن چنین اختیاراتی چه تحولی قرار است ایجاد شود و چه مشکلاتی رفع گردد؟ غمami درباره ضرورت تعریف وظایف گسترده‌تر برای شهرداریها می‌گوید:

تجربیات چندساله اخیر نشان داده است که اگر قرار باشد شهرداری بر حسب تشخیص ضرورت و نیاز شهر وارد کارهایی مانند امور فرهنگی، نوسازی شهر و... بشود ما از لحاظ قانونی به مشکل برمی‌خوریم. علاوه بر مشکل قانونی مشکل دیگر نیز منابع درآمدی شهرداری است. بدین جهت که مجاری تأمین درآمد شهرداریها از لحاظ قانونی بسیار محدود است؛ لذا آنها برای تأمین درآمد وارد اقداماتی شده‌اند که پایه قانونی ندارد و لذا متخلف محسوب می‌شوند. در وضعیت کنونی اگر شهرداری مدرسه یا بیمارستان هم بسازد، متخلف محسوب می‌شود چرا که وظیفه قانونی ندارد اما در واقع امر شهرداری با مسائلی مواجه است که به ناچار دخالت می‌کند؛ به این دلیل که در شهر نیاز به بارهای اقدامات وجود دارد. به همین جهت هم هرگاه در یک دوره بخصوص از شهرداری حمایت شد او وارد کارهایی می‌شود که در قانون برایش پیش‌بینی نشده است. شهرداری وارد چنین

عرصه‌هایی می‌شود در حالی که جای چون و چرای قانونی باز است.

بنابراین در چنین شرایطی روشن است که اگر شهرداری بخواهد در شهر نقشی ایفا کند، سرمنشأ تحول شهر باشد، متفعل نباشد و از حالت ناظر و کنترل‌کننده بیرون آید و خود مداخله کند، ابزار قانونی لازم را ندارد. به همین دلیل است که می‌گوییم شهرداریها برای مواجه شدن با وظایفی که عملاً به عهده‌شان قرار می‌گیرد باید اختیارات قانونی بیشتری داشته باشند، تا هم بتوانند در جهت توسعه شهری گامهای مؤثری بردارند و هم از این طریق جلوی انحرافات احتمالی و ناخواسته و اعمال سلیقه‌ها گرفته شود.

از جنبه‌های دیگری هم می‌شود ضرورت را مطرح کرد. به‌عنوان مثال در مورد طرحهای جامع و با طرحهای تفصیلی. یکی از موضوعات اصلی در طرحهای جامع مکان توسعه شهر است که به شهرداری ابلاغ می‌شود که شهر در آینده باید به کدام سمت برود اما شهرداری براساس ماده ۱۰۰ تنها می‌تواند به کسی که در محدوده زمین دارد مجوز بدهد و از ساختوسازهای خارج از محدوده جلوگیری نکند. این خود مسائل عدیده‌ای را به دنبال دارد. لذا به دلیل اینکه شهرداری در برنامه‌ریزی مسکن و توسعه شهری دخالتی ندارد و از سوی دیگر ابزار قانونی لازم را برای جلوگیری از توسعه بی‌رویه ندارد، می‌بینیم شهری که عملاً قرار است به طرف غرب گسترش پیدا کند به طرف شرق رشد می‌کند. در این باره شهرداری نه می‌تواند برنامه‌ریزی کند و نه به‌طور کامل مجری برنامه باشد.

اختیارات محدود شهرداریها در سیستم مدیریت بخشی - که اکنون در کشور ما جریان دارد - باعث ایجاد مشکلات مختلفی از جمله ناهماهنگی دستگاهها و سازمانهای متولی امور شهر می‌شود. به گفته کارشناسان طرح مجموعه شهری تهران، اکنون با حسابی سرانگشتی می‌توان فهمید که به‌عنوان مثال در محدوده شهرداری تهران حدود سی سازمان به‌شکل‌های مختلف در حال فعالیت هستند. یعنی یک مجموعه شهری شامل عناصر متعددی است که هیچ انسجام و هماهنگی با یکدیگر ندارند؛ چرا که هر کدام به یک بخش متصل هستند. زیرساختهای شهرها مانند آب، برق، فاضلاب و... در نظام اجرایی هر کدام توسط بخش مستقلی

برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. شهرداری الزاماً باید به‌توعی با چنین بخشهایی هماهنگ باشد، در حالی که در حال حاضر شهرداریها به‌لحاظ اختیارات محدود یا سایر سازماتهایی که در عمران شهر دخالت دارند ناهماهنگ هستند. قرائر از ایجاد هماهنگی، اگر قرار باشد شهرداریها بتوانند کارا باشند باید در سلسله مراتب مدیریت کشور هويت مستقلی بیابند و تبدیل به نهادهای مدیریت محلی شوند. اکنون بخش مهمی از جمعیت کشور در بسیاری از شهرهای بزرگی ساکن هستند، اما هیچ نهاد مستقلی نیست که درباره توسعه آینده و وضعیت فعلی شهر تصمیم بگیرد، بلکه تعدادی سازمان هر کدام مسئول یک بخش شهر هستند.

از جنبه اجتماعی نیز می‌توان ضرورت وظایف بیشتر شهرداریها را مطرح کرد. در واقع افزایش اختیارات شهرداریها با تعریف نقش مردم تا حدود زیادی قابل توجیه است. این درست است که هزینه شهری پویاتر و پررونق‌تر را باید مردم تقبل کنند و مردم نیز برای آنکه برای شهرشان پول خرج کنند باید به شهرداری اعتماد داشته باشند؛ یعنی مشخص باشد که شهرداری در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ها دخالت دارد تا بتواند به مردم پاسخگو باشد. بدین ترتیب برای پاسخگویی، شهرداری باید اختیارات بیشتری نیز داشته باشد. یا تشکیل شوراهای شهر، ما زمینه‌های انتظارات مردم را برای دخالت در امور شهر فراهم کردیم و این خود به‌معنی لزوم داشتن اختیارات بیشتر است.



بهنام خاقان

در واقع حامی مدیریتهای منطقه‌ای است. در کشور ما هر از چندگاهی به تغییر نظام برنامه‌ریزی فکر شده است، هم قبل و هم بعد از انقلاب. طرحهایی هم مانند طرح آمایش سرزمین مطرح شده است که برنامه ویژه منطقه‌ای است. اما در شرایط مختلف این طرحها به فراموشی سپرده شده است. در برنامه سوم توسعه پیش‌بینی شده که در نظام برنامه‌ریزی طرح آمایش مجدداً بازنگری و طراحی شود. اکنون مطالعاتی انجام شده که با همکاری سازمان برنامه و بودجه و وزارت مسکن و شهرسازی تلفیقی از برنامه‌ریزی منطقه‌ای و بخشی را برای اولین بار در برنامه سوم امتحان کنیم. یکی از ضرورت‌های تحول در نظام برنامه‌ریزی کشور، تقویت مدیریتهای محلی است و دادن اختیارات و وظایف بیشتر به شهرداریها در راستای همین ضرورت می‌تواند مطرح شود.

نودوپور از دیدگاه دیگری ضرورت مسئله را طرح می‌کند. از نظر وی تجربه جهانی نشان داده است که امور جاری و برنامه‌ریزی برای شهر که تحت عنوان وظایف مدیریت شهری تعریف می‌شود، اساساً وظایفی نیستند که جنبه حاکمیتی داشته باشند و دولت بخواهد یا آنها درگیر شود. تجربه‌های موفق حاکمی از آن است که دولت فقط باید به امور حاکمیتی بپردازد و در بقیه موارد در سطح کلان برنامه‌ریزی و سیاستگذاری کرده و هدایت امور را به‌عهده داشته باشد. هدایت به‌معنی نظارت و کنترل است و لذا تمام وظایفی که می‌تواند به شیوه محلی انجام شود،

یکی از ضرورت‌های تحول در نظام برنامه‌ریزی کشور، تقویت مدیریتهای محلی است و دادن اختیارات و وظایف بیشتر به شهرداریها در راستای همین ضرورت می‌تواند مطرح شود.

می‌توان به شهرداریها، استاندارها و فرماندارها واگذار کرد. این واگذاری هم از جهت منطقی ضرورت دارد و هم به دلایل مالی باید صورت بگیرد؛ چرا که بودجه دولت دیگر جوابگوی پرداخت همه هزینه‌ها نیست. باید به نهادهای محلی اختیار داد تا بتوان گفت هزینه امور محل را نیز خود آنها تأمین کنند.

خاقان ضرورت واگذاری وظایف بیشتر به شهرداریها را از جنبه برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار می‌دهد. او می‌گوید: می‌توان در دو نظام برنامه‌ریزی کرد. برنامه‌ریزی بخشی مثل آنچه که اکنون در کشور ما جریان دارد و برنامه‌ریزی منطقه‌ای که بیشتر کشورهای پیشرفته از چنین نظام برنامه‌ریزی تبعیت می‌کنند. در چنین کشورهایی دستگاه‌های بخشی

اعطای اختیارات؛ رفع تناقضها

پس از درک ضرورت هر امری، معقول‌ترین کار پیش‌بینی اثرات آن است. اگر قرار است تصمیمی در جایی گرفته شود چه تأثیری بر کل سیستم خواهد داشت؟ چه مشکلی را رفع خواهد کرد؟ اکنون در سیستم برنامه‌ریزی ملی - منطقه‌ای ما تناقضاتی وجود دارد، اعطای اختیارات به شهرداریها چه نقشی در حل این تناقضات خواهد داشت؟ چنین سئوالاتی را نیز با کارشناسان مذکور در میان گذاشتیم. به نظر بودرپور اعطای اختیارات و تعریف وظایف بیشتر برای شهرداریها باعث حل تناقض بین برنامه‌ریزی شهری یا برنامه‌ریزی منطقه‌ای - محلی و برنامه‌ریزی بخشی در سطح ملی می‌گردد. آنچه اکنون تحت عنوان برنامه‌ریزی شهری در شهرهای ما انجام می‌شود در واقع طرحهای توسعه شهری هستند؛ طرح جامع توسط وزارت مسکن و شهرسازی برای شهرهای بالای ۵۰ هزار نفر و طرح هادی از سوی وزارت کشور برای شهرهای زیر ۵۰ هزار نفر. این دو



محمد ساعدی

ندارد؛ با وزارت مسکن و شهرسازی هیچ الزامی در تأمین میزان مسکنی که به ازای هر نفر در طرح جامع پیش‌بینی می‌شود ندارد.

همانطور که گفته شد آنچه که به نام برنامه‌ریزی شهری اتفاق می‌افتد همین طرحهای توسعه شهری است. همین طرحها به‌عنوان سند برنامه تهیه شده و در اختیار شهرداری گذاشته می‌شود. شهرداریها هم موظفند به موجب ماده ۱۵ قانون نوسازی، عمران و اصلاحات شهری براساس نقشه جامع شهر و یا براساس تشخیص و ساخت مسائل و اولویتهای شهر، برنامه پنج ساله عملیات نوسازی و عمران و اصلاحات شهر را تهیه کنند. برنامه پنج‌ساله شهرداریها هم معمولاً از سوی مشاور تهیه نمی‌شود و در اجرا و چگونگی تحقق طرح جامع شهری، دخالتی صورت نمی‌گیرد. بنابراین برنامه‌های پنج‌ساله شهرداری هم عملاً تهیه نمی‌شود.

لذا در واقعیت امر در شهرداری کارهایی صورت می‌گیرد که در نقشه جامع شهر پیش‌بینی نشده؛

شهرداری در اجرای برنامه توسعه اقتصادی شهر نقش دارد و این برنامه را هدایت و کنترل می‌کند. بر بخش خصوصی نظارت کامل دارد و در جهت توسعه اقتصادی شهر، چه در زمینه صنعت و یا کشاورزی در اراضی بی‌ارمون شهرها، بخش خصوصی را تشویق می‌کند. شهرداری در پیشبرد برنامه‌های اجتماعی و طرحهای فرهنگی نقش دارد و تحت نظر شورای شهر در مسائل آموزشی حضوری فعال دارد.

به این معنی که گرچه کاربریها مشخص شده است اما چگونگی تحقق آن روشن نیست. بنابراین در یک کلام برنامه‌ریزی شهرهای ما فقط در یک نقشه خلاصه شده است. نه مکانیزم تحقق نقشه‌ها و نه امکان تحقق مالی آنچه در نقشه پیش‌بینی شده، بررسی نمی‌شود. به‌عنوان مثال اگر می‌گویند این تعداد بیمارستان باید ساخته شود برآورد مالی‌اش چقدر است؟ آیا تحقق این تعداد از لحاظ اعتبارات دولتی، منابع مالی شهرداری و امکان جذب منابع بخش خصوصی امکان‌پذیر است؟ به‌همین دلیل است که گاه در مطالعه طرحها می‌بینیم اگر قرار باشد شهرداری هزینه‌های جاری نداشته باشد و هیچ کاری هم غیر از آنچه در طرح جامع پیش‌بینی شده نکند، باز هم باید چند برابر بودجه خود پول داشته باشد تا بتواند طبق پیش‌بینی‌ها عمل کند.

طرح کلیات را مطرح می‌کنند و طرحهای تفصیلی در مقیاس جزئی‌تر تهیه می‌شود. در چنین طرحهایی تنها کاربریهای شهری و نحوه جیش آنها در کنار هم‌دیگر، تأسیسات و تجهیزات مورد نیاز و شبکه‌ها به شکل لکه‌هایی بر روی نقشه مشخص می‌گردد. اما مشکل اینجاست که در این طرحها راجع به مدیریت و برنامه‌ریزی آنچه در نقشه مشخص شده بحثی نمی‌شود. به تعبیر دیگر هر چند از لحاظ قانونی همه دستگاهها ملزم به رعایت طرحها هستند، اما عملاً دستگاههای مجری شهر هیچ الزامی به رعایت استانداردهایی که طرحها تعیین کرده‌اند، ندارند. به‌عنوان مثال در طرح جامع تعداد مشخصی بیمارستان در ده سال آینده در شهر معینی مکان‌یابی می‌شود، اما وزارت بهداشت و درمان هیچ الزامی برای ایجاد این تعداد بیمارستان با سطوح موردنظر

با وجود همه این مشکلاتی که گفتیم باز هم برنامه‌ریزی شهرداریها عبارت است از همان برنامه‌ریزی پنج ساله‌ای که باید بر اساس سند قانونی طرح جامع و براساس طرحهای بالا دست مثل طرحهای پنج‌ساله ملی تهیه کنند. حال چرا می‌گوییم شهرداری باید به سمت پذیرش وظایف بیشتر برود؟ یکی به دلیل اینکه این مشکلات رفع شود. طرحهای جامع براساس الگوهای کشورهای غربی تهیه می‌شود که همه چیز در اختیار مدیریت شهری واحد است. اما در کشور ما همه چیز در اختیار مدیریت شهری نیست. در عمل شهرداری فقط چیزی از آنچه در وظیفه‌اش هست، آن هم با مشکلات بسیار، می‌تواند دنبال کند؛ اما سازمانها و نهادهای دیگر دست‌اندرکار امور شهری هیچ الزامی در تحقق پیش‌بینی‌ها ندارند.

بنابراین اگر مدیریت شهری یعنی شهرداریها به

این سمت بروند که کلیه وظایف محلی را به‌عهده بگیرند، این تناقض رفع می‌شود؛ چرا که آنچه تحت عنوان برنامه مطرح می‌شود، شهرداری می‌تواند انجام دهد؛ چون در این باره وظیفه‌مند است.

ما در این شماره به طرح موضوع «اعطای وظایف و اختیارات بیشتر به شهرداریها» پرداختیم و از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف که در حوزه‌های مرتبط با شهرداریها فعالیت دارند، ضرورت و اهمیت این مسئله، مشکلات محدودیت اختیارات، تجربیات جهانی درباره مدیریت امور شهر و... را بررسی کردیم. نگاهی گذرا نیز به تحولات تاریخی در قوانین مربوط به تصدی امور شهری داشتیم. در شماره آینده با تأکید بر راهکارها و موانع اجرایی، پیشنهادات عملی در تحقق طرح اعطای اختیارات بیشتر به شهرداریها بررسی خواهیم نمود ♦

فرم اشتراک ماهنامه شهرداریها

- برای اشتراک ماهنامه شهرداریها به موارد زیر توجه فرمایند:
- ۱- بهای اشتراک تا پایان سال (۸ شماره)، ۱۶۰۰۰ ریال است.
 - ۲- وجه اشتراک به حساب شماره ۹۰۰۲۵ بانک ملی شعبه وزارت کشور و ریزو اصل فیش بانکی رایج همراه برگ درخواست اشتراک به آدرس تهران، خیابان گاندی، خیابان پنجم، پلاک ۱۶، طبقه دوم، ماهنامه شهرداریها ارسال نمایند.
 - ۳- در صورت عدم دریافت ماهنامه تا ۱۵ روز پس از انتشار، دفتر ماهنامه را مطلع سازید.

برگ درخواست اشتراک

ماهنامه شهرداریها

نام و نام خانوادگی..... تحصیلات..... شغل.....
 نشانی.....
 کد پستی..... تلفن.....

برنامه‌ریزی تکثرگرا، برنامه‌ریزی وکالتی

(نقدی بر مقاله «برنامه‌ریزی تکثرگرا و برنامه‌ریزی وکالتی» از پال دیویدآف^۱)

♦ منوچهر مزینتی
دکتر در شهرسازی

پیش‌درآمد

پال دیویدآف شهرسازی ناشناخته نیست و شهرت او، بیشتر، از این‌روست که نظریه‌ای تازه در برنامه‌ریزی ایالات متحده، بل جهان غرب، مطرح کرده است. وی این نظریه را ADVOCACY PLANNING می‌نامد که شاید بتوان آن را به‌فانوسی «برنامه‌ریزی وکالتی» ترجمه نمود. در زبان فرانسه به وکیل دادگستری اَوکَا (AVOCAT) می‌گویند، اما در زبان انگلیسی اگرچه به این واژه LAWYER یا AT TORNEY اطلاق می‌شود ولی فعل To ADVOCATE به معنی دفاع کردن [در محاکم دادگستری] موجود است و در این نظریه ADVOCACY - که از همان ریشه ADVOCATE می‌آید - دفاع کردن از برنامه یا برنامه‌هایی است در مقابل و یا در مخالفت با برنامه‌هایی که از جانب کارگزاران سازمانهای محلی و یا دولتی تهیه می‌شود. به این نکته بیشتر مطمئن می‌شویم هنگامی که بدانیم دیویدآف پیش از آنکه به تحصیل برنامه‌ریزی شهری بپردازد زمینه تحصیلی او حقوق بوده است.



برنامه‌ریزی وکالتی چیست؟

در آغاز بحث، به تعریف «برنامه‌ریزی وکالتی» براساس نظریات دیویداف و صاحب‌نظران شهرساز دیگری که این نظریه را پذیرفته‌اند می‌پردازیم. دیویداف می‌گوید در حال حاضر برای سامان‌بخشیدن و گسترش هر شهر، معمولاً و در اکثر موارد تنها یک برنامه - که وی آن را «استماع عام» (= برنامه واحد) می‌نامد - تهیه می‌شود. البته این برنامه در جلساتی - که آن را «استماع عام» PUBLIC HEARING می‌نامند - در معرض افکار عمومی قرار می‌گیرد و افراد یا گروه‌هایی که نسبت به آن معترض‌اند، نظرات و اعتراضات خود را در این جلسات ابراز می‌دارند و قرار بر این است که شهرسازان و کمیسیون برنامه‌ریزی شهر که به تدوین برنامه پرداخته است با در نظر گرفتن این اعتراضات - در صورتی که آنها را معقول بدانند - به اصلاح و یا جرح و تعدیل این برنامه واحد پردازد.

در این روند، بنابه نظر دیویداف مشکلی وجود دارد و آن این است که تهیه‌کنندگان برنامه با اطلاعات و ملاحظات کافی - بنابه اعتقادات و ارزشهای خود - به تدوین برنامه پرداخته‌اند. اما مخالفان و منتقدان برنامه در جلساتی کوتاه، بی آنکه دارای اطلاعات و مطالعات کافی باشند، صرفاً از نتایج برنامه آگاهی می‌یابند و هر گاه آن را مطابق منافع و یا دلخواه خود نیستند بدان اعتراض می‌کنند؛ یا به عبارت دیویداف، نسبت به آن صرفاً «عکس‌العمل» نشان می‌دهند و چون بیش آنها به برنامه‌ریزی به اندازه تهیه‌کنندگان برنامه نیست معمولاً بازنده می‌شوند.

برای رفع این مشکل - که به راستی وجود دارد - دیویداف پیشنهاد می‌کند روند برنامه‌ریزی شهری از این حالت معمول که در آن تنها یک برنامه تدوین می‌شود به درآید و معترضان و ناقدان نیز در مقابل برنامه کارگزاران مقامات محلی به تدوین برنامه دیگری بپردازند. حسن این کار این خواهد بود که معترضان به‌جای انتقاد و اعتراض خود، پیشنهادهایی می‌دهند که با نظر متخصصان برنامه‌ریزی شهری و توسط ایشان تهیه شده و از این‌رو، اساسی استوار خواهد داشت.

چه عواملی اساس نظریه دیویداف را به‌وجود می‌آورند؟

دیویداف مقاله خود را چنین آغاز می‌کند: «زمان حاضر می‌تواند دورهای شود که در آن رؤیاهای [دیرین] برای یک دموکراسی متصفانه تحقق یابند... تقاضای متصفانه حقوق مساوی برای سیاه‌پوستان و تپه‌دستان، مستلزم آن است که مردم پایه‌هایی برای جامه‌ای که بتواند امکانات مساوی برای همه شهروندان فراهم کند برقرار سازند. نیاز به برنامه هوشمندانه‌ای که در آن هدفهای تازه اجتماعی مشخص شده باشد و راه‌های رسیدن به این هدفها معلوم باشد، هیاکنون انتظار را به‌خود خوانده و کاملاً مشهود است.»

وی سپس ادامه می‌دهد که برنامه‌ریزی آینده باید براساس بازبینی ارزشهای اجتماعی و برخورد عقاید و آرا استوار باشد، نه براساس طرحهایی که نسخه‌ای معین برای آمایش و بهبود جامعه تجویز می‌کند و برنامه‌ریز در تدوین آنها صرفاً نقش یک تکنیسین را بازی می‌کند و تنها به بازگویی واقعیات موجود می‌پردازد بی آنکه خود براساس ارزشهای اجتماعی مطلوب ابراز نظر کند. دیویداف می‌گوید: «برنامه‌ریزی مناسب نمی‌تواند درست باشد اگر ارزشهای [اجتماعی] در آن خنثی باشد.»

دیویداف اظهار می‌دارد تعیین اینکه ارزشهای جامعه چیست - از آنجا که جامعه مرکب از افراد و گروه‌های مختلف با علایق و منافع متفاوت است - همواره بحث‌انگیز بوده است؛ اما به عقیده او، برنامه‌ریز یا شهرساز باید در این بحث و جدلهای سیاسی شرکت جوید و مدافع یا وکیل افراد، حکومتها، سازمانها و کلیه نهادهایی که خط‌مشیهای آینده برنامه‌ها در زندگی ایشان نقش دارد و به آنها مربوط می‌شود، باشد و سپس به‌روشنی اظهار می‌دارد که «برنامه‌ریزی برای اقدامات درست، همواره [باید] براساس انتخاب و واقعیات [موجود] باشد». در مقاله‌ای دیگر که وی با همکاری توماس راینر⁴ نوشته و عنوانش را ممکن است بتوان «نظری انتخاب در برنامه‌ریزی»⁵ ترجمه کرد، نیز همین نکته را به تفصیل مورد بحث قرار می‌دهد و بر این نکته تأکید می‌گذارد که برنامه‌ریزی باید براساس ارزشهای مطلوب [برنامه‌ریز] استوار باشد، نه اینکه نسبت به این ارزشها بی‌توجه بماند. دیویداف در همان مقاله نخست در ادامه بحث خود اضافه می‌کند: «از آنجا که در روند برنامه‌ریزی باید بنا

پانویس

1. عنوان مقاله به انگلیسی چنین است:

Advocacy and Pluralism in Planning شاید ترجمه نزدیکتر به این عنوان، دفاع از جمع و جمع‌گرایی در برنامه‌ریزی باشد. وی به نظر می‌رسد عنوانی که انتخاب کردیم در فارسی سائورتر است. این مقاله در منبع ذیل آمده است.

Richard T. Legasse and Fredric Stout, THE CITY READER, Routledge, London and New York, 1966.

2. Paul Davidoff

3. دیویداف در بیشتر بخشهای مقاله واز «عصر مرکز Planning را بیان می‌کند و نسبت به آنجور مقاله مفصلتر سرشده تاگیندر سر برنامه‌ریزی شهری (Urban Planning) است. وی در عین حال نیز دو مقاله را به‌جای یکدیگر به‌کار می‌برد.

4. Thomas Reiner

5. The Choice Theory of Planning

براین باشد که حکومت شهری دموکراتیک را تشویق کند؛ بنابراین، این روند باید همه را شامل شود، نه آنکه عده‌ای را کنار بگذارد. این شمول معنایش تنها این نیست که به شهروند امکان ابراز نظر داده شود؛ بلکه معنایش این است که شهروند از دلایلی که پیشنهادها یا طرح و برنامه بر آن استوار شده، نیز آگاهی یابد و بتواند به زبان تخصصی برنامه‌ریزان حرفه‌مند بدانها پاسخ گوید.

چگونگی مشارکت مردم در برنامه‌ریزی

بنابر نظریه دیویداف عموم مردم باید به اطلاعات تخصصی مجهز شوند. البته نه به‌طور مستقیم، بلکه به‌وسیله یک شهرساز مدافع یا وکیل ایشان - که معمولاً دولتها و حکومت‌های محلی تهیه‌کنندگان برنامه‌های [جامع] بدان مجهزند. زیرا آن گاه، عموم مردم می‌توانند در مقابل طرحها و برنامه‌های دولتی و حکومت‌های محلی، خود به تدوین طرح و برنامه‌ای اقدام کنند که حامی علایق و منافع آنها باشد. درست همان‌گونه که در محاکم دادگستری، لوائح و کلا براساس موازین قانونی، مدافع منافع موکلین است.

با آنکه دیویداف شرکت همه گروه‌های اجتماعی را در روند برنامه‌ریزی لازم می‌داند و به‌این امر تشویق می‌کند، اما معتقد است «یک گروه اجتماعی وجود دارد که در حال حاضر بیش از سایر گروه‌ها به یاری برنامه‌ریزان نیازمند است و آن گروه مرکب از خانواده‌هایی است که درآمدی اندک دارند».

سپس وی آرزو می‌کند که احزاب سیاسی ایالات متحده همراه با فعالیت‌هایی که برای به‌کرسی‌نشاندن عقاید و گرایش‌های سیاسی خود انجام می‌دهند، در تدوین برنامه‌های شهری در جهت رفاه شهروندان شرکت جویند. اگرچه او بنابر سابقه و ساختار خاصی که احزاب در ایالات متحده، در حال حاضر، دارند این را امری غیرمحمول می‌داند.

گروه‌های دیگری که وی فکر می‌کند نسبت به پیشنهادها و تصمیمات ذی‌علاقه‌اند نهادهایی چون اتاق‌های بازرگانی، اتحادیه‌های واسطه‌املاک، اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های موافق و مخالف حقوق شهری^۷ [در موافقت و مخالفت برابری اجتماعی و تبعیضات نژادی] هستند که در گذشته با برخی برنامه‌ها مخالفت کرده‌اند.

با آنکه دیویداف شرکت همه گروه‌های اجتماعی را در روند برنامه‌ریزی لازم می‌داند و به‌این امر تشویق می‌کند، اما معتقد است «یک گروه اجتماعی وجود دارد که در حال حاضر بیش از سایر گروه‌ها به یاری برنامه‌ریزان نیازمند است و آن گروه مرکب از خانواده‌هایی است که درآمدی اندک دارند»

البته نه به‌صورت تدوین برنامه‌ای در مقابل برنامه ارائه‌شده کارگزاران حکومت‌های محلی، بلکه به‌صورت اعتراض و انتقاد.

دیویداف در ادامه بحث خود، با این امر که در حال حاضر تدوین و تصمیمات برنامه‌ریزی به‌عهده کمیسیون برنامه‌ریزی شهرها^۸ است، به مخالفت می‌پردازد. لازم است برای خواننده فارسی‌زبان توضیح دهیم که اعضای این کمیسیون در شهرهای ایالات متحده، توسط شوراهای شهر به عضویت کمیسیون منصوب می‌شوند. دلیل مخالفت دیویداف با چنین وضعیتی این است که چون اعضای این کمیسیون با رأی عموم مردم انتخاب نمی‌شوند، خود را مستقیماً مسئول مردم نمی‌دانند و از آنجا که تصمیمات ایشان به‌صورت دسته‌جمعی اعلام می‌شود و هر یک از اعضا نظرات خود را در پس عقاید جمع پنهان می‌کند، پیشنهاد وی این است که به‌جای این کمیسیون، تصمیمات برنامه‌ریزی توسط مجلس نمایندگان [کنگره و سنا] صورت بگیرد و چون در این مجالس همواره اقلیت و اکثریت دو حزب عمده ایالات متحده وجود دارد، دو نوع برنامه نیز می‌تواند وجود داشته باشد: برنامه‌هایی که براساس عقیده به بازار خصوصی و یا آزاد [جمهورخواهان] تدوین می‌شود و برنامه‌هایی که براساس ایده کنترل بیشتر دولت بر روال امور [دموکراتها] تهیه می‌گردد و تدوین‌کنندگان هر یک از این دو برنامه باید به توضیح و دفاع از برنامه‌های خود، براساس ایده‌های سیاسی خویش بپردازند. به نظر دیویداف در هر جامعه شهری، راه‌های بسیاری برای پرداختن به عمل وجود دارد و برنامه‌های بسیار باید این راه‌ها را نشان دهد.

۷. Comprehensive Plan
۸. از آنجمله اشکاف در فارسی مطرح
جامع، ترجمه شده است.

دیویدآف ادامه می‌دهد که در حال حاضر پیشنهادهای متفاوتی که برنامه‌ها می‌توانند داشته باشند به اطلاع مردم نمی‌رسد. گزینه‌های معدودی هم که ظاهراً عنوان می‌شوند به گونه‌ای نیست که علاقه مردم را به خود جلب کنند. این گزینه‌ها، پر از اصطلاحات فنی و تخصصی است که شهروند معمولی و حتی متخصصان عرصه‌های غیرشهرسازی و برنامه‌ریزی، توان کافی برای فهم آنها ندارند و یا به‌طور کلی، از آنها سردرگمی‌آورند. گزینه‌ها معمولاً، جز به ظاهر، چندان تفاوتی با هم ندارند و بیشتر مربوط به تغییرات کاربری زمین می‌شوند. چنین گزینه‌هایی از نظر ارزشهای جامعه‌شناسی، اقتصاد و سیاست، در واقع، با یکدیگر متفاوت نیستند. دیویدآف - که از آغاز مقاله خود از برنامه‌ریزی به معنی عام سخن می‌گوید - می‌نویسد برنامه‌ریزی شهری نباید با برنامه‌ریزی کالبدی اشتباه شود. وی خاطرنشان می‌کند که توجه صرف به کالبد شهر با تجاری که در دهه‌های پنجاه و شصت آمریکا پست سر گذاشته، مردود است.

وی در ادامه همین بحث می‌نویسد بسیاری از مطالعاتی که برای تدوین برنامه‌های شهری صورت می‌گیرد به گونه‌ای است که وضعیت موجود اقتصادی و اجتماعی شهرها را پایدار و جاودانه سازد. و در ادامه می‌گوید: «فی‌المثل، مخارج گزاف، صرفاً به مطالعات توأبیری در عرصه منطقه‌های شهری (REGIONAL) اختصاص می‌یابد و این مطالعات به گونه‌ای صورت می‌گیرد که پنداری نیازهای طبقات مختلف اقتصادی و اجتماعی کاملاً یکسان رعایت می‌شود و توانایی این طبقات در تحقق برنامه‌ها کاملاً یکسان است... یا برای ایجاد مشاغل تازه، انواع شغل، کمتر مورد توجه برنامه‌ریزان قرار می‌گیرد و فرض بر این است که هر شغل به اندازه شغلی دیگر [در به راه‌انداختن و اعتلای اقتصادی و اجتماعی جامعه] می‌تواند مفید باشد».

به عقیده وی «اینکه چه کسی، کی، کجا، چرا و چگونه از منابع عمومی بهره‌مند می‌شود از مسائل اساسی سیاسی جوامع شهری‌اند».

دیویدآف سرانجام بحث را به آموزش برنامه‌ریزان شهری می‌کشاند و خاطرنشان می‌کند «گشودن عرصه برنامه‌ریزی - که شامل تمام فعالیت‌های حکومت شود - معنایش این است که برنامه‌ریزان شهری باید دانشی گسترده‌تر از امروز درباره ساختار تمام نیروهای که باعث توسعه شهری می‌شوند، داشته باشند. این سخن عموماً صادق است، اما در حال حاضر، برنامه‌ریزان فقط در یک یا چند فعالیتی که مسئولیت‌های دولت است و تسلط بر آنها لازم است تخصص پیدا می‌کنند».

پیشنهاد وی برای رفع این نقص این است که مدت آموزش برنامه‌ریزان شهری در دوره‌های فوق لیسانس افزایش یابد، تا اینان درک بهتر و جامعی از شهرها داشته باشند و از تکنیک‌هایی که برای حل مسائل شهری موجود است آگاه شوند. او می‌گوید: «مراد نخستین شهرسازی، هماهنگی عملکردهای فراوانی است که از یکدیگر جدا هستند».

دیویدآف در پایان نتیجه‌گیری می‌کند «جامعه شهری سیستمی است مرکب از عواملی که با یکدیگر روابط درونی دارند. اما درباره این عوامل - که چگونه عمل می‌کنند و یا خواهند کرد و نیز اینکه این روابط چگونه باید باشند - دانش اندکی وجود دارد. نوع دانشی که شهرساز امروز برای تدوین برنامه‌ای جامع و جدید بدان نیاز دارد، آموزش متخصصانی را ایجاب می‌کند که با تمام فعالیت‌های آدمی کاملاً آشنا باشند. این جنبه‌ها عبارت‌اند از فلسفه معاصر و مباحث مددکاری اجتماعی، حقوق، علوم اجتماعی و طراحی شهری. شهرساز ممکن است نتواند در تمام این جنبه‌ها از تبحر لازم و کافی برخوردار باشد؛ اما دست‌کم باید درکی عمیق از یک یا چند مورد داشته باشد و قادر باشد بحث‌هایی قانع‌کننده در آن موارد ارائه دهد. تا اینجا از حرف‌های که وظیفه‌اش ساختن زندگی زیباتر، مینج‌تر، خلاقانه‌تر و عادلانه‌تر است به اختصار سخن گفتیم. اکنون وظیفه ما این است که به آموزش نسل تازه‌ای از برنامه‌ریزان بپردازیم که برای بی‌ریزی زندگی شهری آینده توانا شوند و از ما بسیار بیشتر روند».

می‌توانیم بحث خود را با نتیجه‌ای که دیویدآف از مقاله خود گرفته است و با ترجمه آن را در پاراگراف قبل آوردیم، ادامه دهیم. چنان که می‌بینیم وی در این نتیجه‌گیری، از تر اصلی خود - که عنوان مقاله، گویای آن است - سخنی به میان نمی‌آورد. آنچه وی در این نتیجه‌گیری بر آن تأکید می‌گذارد آخرین محضی است که در مقاله او آمده است؛ یعنی آموزش نسل جدید برنامه‌ریزان و خصوصاً پیسنده و لازم در عرصه تخصص برنامه‌ریزی که این نسل باید داشته باشد. البته این تأکید لازم است، ولی به نظر می‌رسد خواه برنامه‌ریزی جمعی و وکالتی به گونه‌ای که دیویدآف مطرح می‌کند مقبول افتد و خواه رواج نگیرد، برنامه‌ریزان شهری باید به چنین



از آنجا که در روند برنامه‌ریزی باید بنابراین باشد که حکومت شهری دمکراتیک را تشویق کند؛ بنابراین، این روند باید همه را شامل شود، نه‌آنکه عده‌ای را کنار بگذارد

مخارج گزاف، صرفاً به مطالعات ترابری در عرصه منطقه‌های شهری اختصاص می‌یابد و این مطالعات به گونه‌ای صورت می‌گیرد که پنداری نیازهای طبقات مختلف اقتصادی و اجتماعی کاملاً یکسان رعایت می‌شود

صفاتی متصف باشند.

اما درباره‌ی تز اصلی وی آنجا که او ضعفهای برنامه‌ریزی موجود را برمی‌شمرد در اکثر موارد شنیدنی و ستودنی است. حال پرسش این است که بفرض اگر چنین نظریه‌ای پذیرفته شود چگونه عملی خواهد بود؟ زیرا به‌قول خود او علایق و منافع درباره‌ی مسائل شهری و راه‌حل آنها و تدوین برنامه‌های شهری آن قدر متفاوت است که اگر به‌جای یک طرح، چندین طرح و برنامه تدوین شود معلوم نیست تعداد آنها به‌چه رقمی برسد و سرانجام کدام برنامه و طرح باید به‌عمل و اجرا درآید و در هر صورت، برخی راضی و گروهی معترض و ناخشنود خواهند شد. مطلب دیگر که دیویداف خود آن راه، البته به اختصار، مطرح کرده است هزینه‌ی تهیه طرح و برنامه است. در حال حاضر تهیه‌ی یک طرح و برنامه مستلزم هزینه‌هایی است که ممکن است برای برخی شهرداریها سنگین باشد. پیشنهاد دیویداف این است که اگر معترضان و نهادهایی که برنامه‌ی تهیه شده توسط کارگزاران محلی برخلاف مصالح و منافعشان است مستغنی باشند - مانند اتاقهای بازرگانی - که مشکلی پیش نمی‌آید؛ زیرا این نهادها از عهده‌ی هزینه‌های تهیه‌ی طرح و برنامه‌های دیگر برمی‌آیند اما اگر این نهادها یا گروه‌ها توانایی مالی برای تهیه‌ی برنامه‌ای مستقل نداشته باشند - که همین گروه‌ها بیشتر نیازمند کمک‌اند و دیویداف نیز از آنها صحبت و حمایت می‌کند - دولت و حکومت باید هزینه‌ی استخدام شهرساز و تهیه برنامه را به‌عهده بگیرد. دیویداف برای اینکه سختش را مدلل سازد «وکلائی تسخیری» در محاکم دادگستری را مثال می‌آورد. اما به‌نظر نمی‌رسد این مثال و

قیاس دیویداف در امر برنامه‌ریزی شهری مصداق مناسبی باشد؛ زیرا «وکلاهی تسخیری» ممکن است چندان که باید دل‌سور نباشند، از جمله بدین دلیل که حق‌الزحمه دولتی اغلب آنها کافی نیست و دریافت آن از دولت، معمولاً گرفتار بؤزکراسی دولتی می‌شود. ولی از آن مهمتر اینکه در مواقع بسیار، دولت یا حکومت محلی خود تهیه‌کننده برنامه نخستین و مذاق آن است و به‌نظر نمی‌رسد شایق به پرداخت هزینه تهیه برنامه‌های باشد که خود با آن مخالف است!

رویه‌مرفته دیویداف در طرح و توضیح مشکلات برنامه‌ریزی شهری - به قسمی که در امریکا رایج است - تا شجاعت کامل ابرازنظر می‌کند و به آشکارا طرفدار تساوی حقوق برای همه و رفع تبعیض از مستضعفان است. ولی در پیشنهادهای خود جانب اعتدال را می‌گیرد. دلیل رعایت این اعتدال در کشوری سرمایه‌داری چون امریکا - که صاحبان زر و زور از قدرت بسیار برخوردارند - روشن است. سخنان تند و تیز و به اصطلاح ریشه‌ای را در این مورد، از زبان شهرساز و برنامه‌ریز دیگری چون شارل بتل‌هایم باید شنید. این برنامه‌ریز فرانسوی در کتاب خود به‌نام «برنامه‌ریزی و رشد شتابان» در تعریف «برنامه‌ریزی علمی» - به‌قول خود - می‌نویسد: «لازمه برنامه‌ریزی علمی آن است که تصمیمات نهایی اقتصادی به‌عهده تولیدکنندگان [پژنتارها، به‌قول سوسیالیست‌ها] باشد... در وهله اول، این مطلب، بیان این حقیقت [واقعیت؟] است که برنامه‌ریزی تنها در جامعه‌ای ممکن است که ساخت آن، افراد بیکاره یعنی محترمان و سربران اجتماع را - که از قدرت پول برخوردارند - به‌خود نپذیرد [تأکید از ما].»

به اعتقاد ما نظریه بتل‌هایم با آنکه در آن حسن نیتی موجود است، کاملاً افراطی است. تجربه تلخ اتحاد جماهیر شوروی سابق در این مورد مثالی آشکار در مقابل دیدگان ما است. اتفاقاً سوسیالیست‌های مسکویی - تصمیم‌گیران حزب کمونیست شوروی - نیز خود را وکیل و حامی مردم می‌دانستند! البته، چنان‌که یادآور شدیم، سخنان دیویداف بسیار معتدانه‌تر است ولی این سخنان راه به‌خلع‌تد از «بیکاره‌ها یعنی محترمان و سربران اجتماع که از قدرت پول برخوردارند» می‌برد که احتمال تحقق آن در جامعه‌ای چون امریکا بسیار اندک به‌نظر می‌رسد. از این رو، نظریه دیویداف را شاید بتوان نوعی آرمانگرایی اواخر قرن بیستم در نظر گرفت که سخنانی بسیار روشن‌کننده و خیرخواهانه است و می‌تواند در تعدیل ظلم و تبعیضاتی که از جانب صاحبان زر و زور اعمال می‌شود مؤثر باشد.

در پایان، اشاره به یک نکته درباره اظهارنظر دیویداف در مورد تصمیمات «کمیسیون‌های برنامه‌ریزی» ضروری می‌نماید. به‌عقیده دیویداف - چنان‌که خاطر نشان کردیم - اعضای این کمیسیون چون منتخب مستقیم مردم نیستند و تصمیماتشان به‌صورت دسته‌جمعی ابراز می‌شود؛ این تصمیمات در برنامه‌ریزی متضمن مذاق عموم نیست. دیویداف پیشنهاد می‌کند این تصمیم‌گیری به نمایندگان مجلس واگذار شود.

به اعتقاد ما این سخنان و پیشنهاد دیویداف به‌کلی غیرواقع‌بینانه است؛ زیرا روشن است که نمایندگان مجلس یا اشتغالات متعددی که دارند نمی‌توانند خود به‌اتخاذ تصمیم درباره برنامه‌ریزی بپردازند و ناگزیرند آن را به گروه یا کمیسیونی واگذار کنند که اعضای آن نیز منتخب مستقیم مردم نیستند. به‌علاوه، واگذاری تصمیمات کمیسیون‌های برنامه‌ریزی محلی به مجالسی که ماهیت کشوری دارند کار را غیرمستقیم‌تر و مشکل را بیشتر می‌کند.

دیگر آنکه تصمیمات کمیسیون‌های برنامه‌ریزی، نهایی نیست (نکته‌ای که در اظهارات دیویداف به آن تصریح نشده) و منوط به رأی اعضای شورای شهر است و در ترکیب شوراها شهر، هم دموکرات‌ها و هم جمهوریخواهان و در موارد بسیار، اقلیت‌هایی که مورد تبعیض قرار می‌گیرند نیز وجود دارند. به‌علاوه، پس از تصویب نهایی طرح توسط شورای شهر، افراد یا گروه‌هایی که با آن مخالف‌اند می‌توانند به محاکم دادگستری شکایت کنند و دیویداف خود نیک می‌داند که در موارد بسیار، کار به محکمه عالی امریکا^۱ - که بالاترین مقام تصمیم‌گیری در این کشور است - کشیده و این دادگاه برخلاف تصمیم شورای شهر، به‌برنامه تعدیل و تصحیح شده رأی داده است.

نام کامل کمیسیون‌های برنامه‌ریزی در ایالات متحده LAY PLANNING COMMISSION یا «کمیسیون برنامه‌ریزی عوام - غیرمتخصص» است. پیشنهاد واقع‌بینانه این است که کار این کمیسیون به متخصصان مختلف واگذار شود و اعضای شورای شهر، قانع‌کننده‌ترین طرحها را بپذیرند و در اینجا و نیز در دفاع از برنامه‌ها و طرحها در محاکم دادگستری، نظر موافق و مخالف حرف‌مندان شهرسازی مدنظر قرارگیرد ♦

پلهای تاریخی اصفهان

♦ وحید قبادیان

دانشجوی دکتری معماری

بیشگفتار

اصفهان نگاهدارنده یادگارهای متعددی از تاریخ معماری و شهرسازی ایران است. پلهای تاریخی زایندهرود، بخشی از این آثار ماندگار است که در مسیر رودخانه، از سرچشمه آن در زردکوه تا مصب آن در باتلاق گاوخونی^۱، راههای ارتباطی را به هم متصل می‌نمایند. زایندهرود بزرگترین و مهم‌ترین رودخانه فلات مرکزی ایران است و سرسبزی و حاصلخیزی جلگه اصفهان در یک منطقه گرم و خشک کویری به برکت و جود این رودخانه است. بر بستر زایندهرود چندین پل قدیمی برجای مانده که مهم‌ترین آنها از غرب به شرق و یا به عبارتی در جهت جریان آب، عبارت‌اند از: اورگان، زمان‌خان، کله، شهرستان، جوم، باباجمود، فلاورجان، مارتان، الله‌وردیخان، جویی، خواجو، شرو سفاداران و پل ورزنه.

شاید بتوان گفت که مسائل فنی احداث پل، پیچیده‌تر از هر بنای سنتی دیگر است؛ زیرا پل نه تنها باید مانند سایر ابنیه در مقابل عوامل اقلیمی از قبیل تابش آفتاب، باد، نزولات جوی، یخبندان و نوسان درجه حرارت مقاومت کند، بلکه بدنه آن نیز باید در برابر فرسایش مداوم جریان آب، سیلابهای خروشان و متناوب و سنگهای غلطان داخل رودخانه استقامت نماید. بنابراین به منظور احداث پل، در نظر گرفتن کلیه مسائل ایستایی جهت پایداری پل در مقابل عوامل اقلیمی و نیروی جاذبه و استفاده از قوسهای مقاوم و روشهای اجرایی بهینه و همچنین به کارگیری مصالح بادوام و پایدار ضروری است. مقاومت خاک زیر پل بسیار مهم بوده و سعی می‌شده تا حد امکان پل را بر روی بستر صخره‌ای بنا کنند. جهت تسالوده و پایه‌های پل احتیاج به سنگهای بسیار مقاوم - هم از نظر کمیت و هم کیفیت - بوده، که امکان دسترسی به این نوع مصالح نیز امری مهم در تعیین محل پل به حساب می‌آمده است.

مطلب سوم اینکه شدت و نحوه جریان آب در تعیین محل پل اهمیت خاصی داشته و سعی می‌شده پلها را در نقاطی که سرعت و شدت جریان آب کمتر است بنا کنند. «در دوره ساسانی برای حفاظت بیشتر پایه پلها، ایجاد سطوح پهن در زیر آنها متداول می‌شود»^۲. بدین ترتیب علاوه بر بیوستگی بهتر بین پایه‌های پل، جریان آب نیز بدسورت منظم‌تری ادامه پیدا می‌کند و فرسایش و تخریب کمتری ایجاد می‌نماید. نمونه این سطوح پهن زیر پل را می‌توان در برش پل الله‌وردیخان و پلان پل خواجو ملاحظه نمود.

پل علاوه بر اینکه باید در مسیر راههای ارتباطی قرار داشته باشد، باید در مکانی قرارگیرد که از نظر سوق‌الجیسی نیز قابل حفاظت باشد؛ زیرا در جنگها، تصرف و کنترل این بناها، کلید پیروزی محسوب می‌شود.

بنج پل از پلهای تاریخی زایندهرود در اصفهان و حومه آن قرار دارند که به ترتیب از سمت غرب به شرق عبارت‌اند از:
۱- مارتان؛ ۲- الله‌وردیخان؛ ۳- جویی؛ ۴- خواجو؛ ۵- شهرستان.

۱- پل مارتان

غربی‌ترین پل اصفهان، مارتان (یا مارتن) است که عامل ارتباط روستاها و محلات شمالی و جنوبی رودخانه در حومه غربی اصفهان است. بخشی از آب رودخانه در مقابل این پل از مسیر رودخانه جدا شده و به سمت شبکه‌های شهر هدایت می‌شود.

نام این پل که مربوط به دوره صفویه است، علی‌القاعده از نام محله‌ای قدیمی در جنوب رودخانه - که به مارتان معروف است - گرفته شده، البته این پل به خاطر بانی آن - که یک تاجر ارمنی بوده - به نام پل سرفراز نیز

پانویس

- ۱- زایندهرود پس از مسافت ۲۰۰ کیلومتر (۱۲۵ مایل) در ۲۷۰ کیلومتر به سمت مصب خود در ۹۰ کیلومتری حوض شرفی اصفهان به باتلاق گاوخونی می‌ریزد.
- ۲- کلابس و الفرام، معماری ایران - دوره اسلامی، ستکسوشن هندوپرس، کتاب چاپخانه ارشد اسلامی، ۱۳۴۵، ص ۱۳۰.



شکل ۳- دهانه‌های کوچک روی پل مارزان که بین دهانه‌های بزرگتر قرار دارند عبور جریان آب در هنگام طغیان رودخانه را تسهیل می‌کنند.

خوانده می‌شده است.

پل مارزان، روی یک سکوی سنگی احداث شده و در مواقعی که حجم جریان آب کم باشد، آب به صورت آبشار کوچکی از روی سکو ریزش می‌کند. طول پل ۱۷۰ متر و عرض آن ۴/۹ متر است. که ۹۰ سانتیمتر آن عرض دیواره‌های جان‌پناه‌های دوطرف است.

پایه‌های این پل، سنگی است و برای تسهیل عبور جریان آب، به شکل نیم‌استوانه ساخته شده است. روی این پایه‌های قطور، دهانه بنا شده و یک دهانه کوچک در سمت شمالی پل و قبل از آن، یک دهانه بزرگتر - که از سمت غربی پیدا است - وجود دارد که ابتدای مسیر مادی (تهر) نیاصرم را تشکیل می‌دهد. همانند پل شهرستان که قدیمیترین پل اصفهان است، روی پایه‌های پل مارزان نیز یک سری دهانه‌های

کوچکتری ساخته شده که بدین ترتیب علاوه بر عبور جریان آب از آن، در هنگام طغیان رودخانه و کاهش فشار آب روی بدنه پل، از سنگینی و وزن بیش از اندازه روی پایه‌های پل جلوگیری می‌شود. این پل که قسمتهای زیادی از آن تخریب و از بین رفته بود، در سنوات اخیر توسط شهرداری و سازمان میراث فرهنگی اصفهان به نحو شایسته‌ای مرمت و بازسازی شده است.

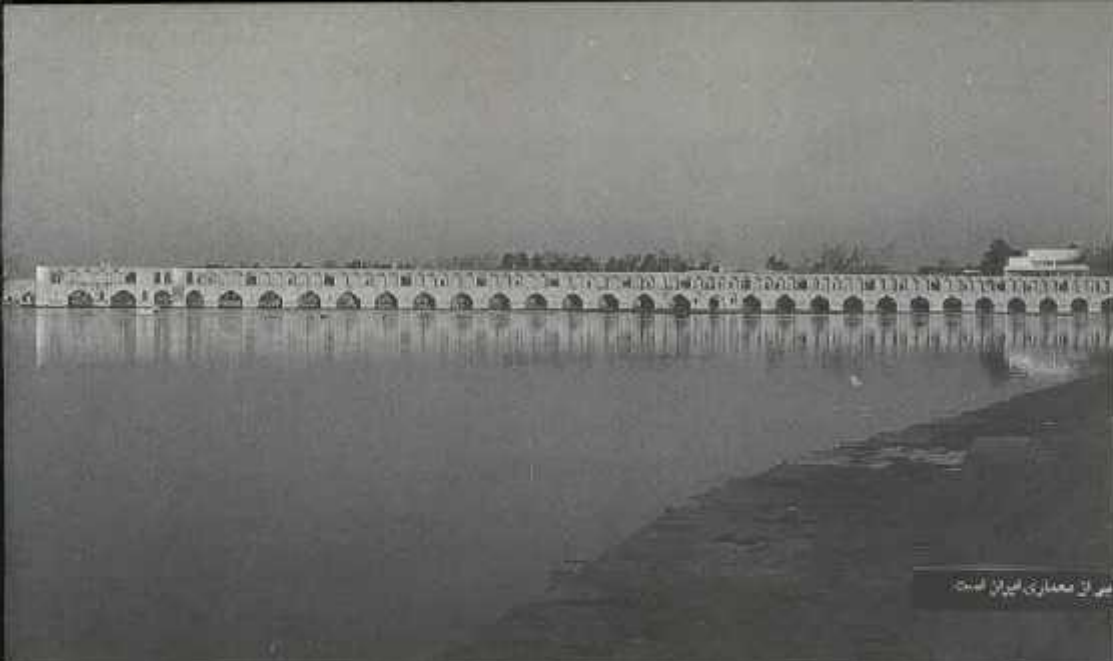
۲- پل الله‌وردیخان

دومین پل از همین سمت، الله‌وردیخان است. این پل به نام‌های سی‌وسه پل (به دلیل وجود سی‌وسه دهانه)، پل جلفا (به این دلیل که مرکز اصفهان را به محله ارمی‌نشین جلفا مرتبط می‌کند) و پل چهارباغ (زیرا در امتداد خیابان زیبای چهارباغ است) نیز خوانده می‌شود.

بنای این پل به دستور شاه عباس صفوی در ۱۰۱۱ هجری قمری آغاز گردید و الله‌وردیخان، سردار مشهور وی، مأمور اتمام آن شد. پایه‌های این پل سنگی و بدنه آن آجری است و دارای ۳۰۰ متر طول و ۱۴ متر عرض است.

پل الله‌وردیخان در دو طبقه ساخته شده است؛ طبقه تحتانی جهت عبور جریان آب و طبقه فوقانی - که با دو ردیف دیوار در هر طرف پل محصور شده - برای عبور افراد و کاروانها است. محصور نمودن طبقه دوم جهت حفاظت و ایمنی عابران از بادهای تند و جلوگیری از رم‌گرفتن چهاربایان در اثر دیدن و مواجهه با جریان سریع آب رودخانه و احياناً سیل در زیر پل بوده است. برای تماشای رودخانه و لذت‌بردن از مناظر زیبا و طبیعی آن، بازشوهایی در دیوارهای این طبقه وجود دارد که بدین وسیله چشم‌اندازهای بسیار زیبایی از مناظر رودخانه برای عابران قاب شده است. به‌علاوه، در هر طرف این پل یک راهروی طولی و سرپوشیده یا مقیاس انسانی در بین دو دیوار ساخته شده و کسانی که از داخل این راهرو حرکت می‌کنند، دید بهتری به رودخانه دارند. همچنین این دیوارها باعث ایجاد سایه روی قسمتی از معبر پل شده که مسیر حرکت اغلب عابران در روزهای گرم تابستان از زیر سایه همین دیوارها است.

پایه‌های پل، روی یک سکوی پهن سنگی بنا شده تا از نشست پایه‌ها جلوگیری شود، همان‌گونه که در



شکل ۳- پل اموردیخان نمونه ارشده و زیبایی آن معماران ایران است

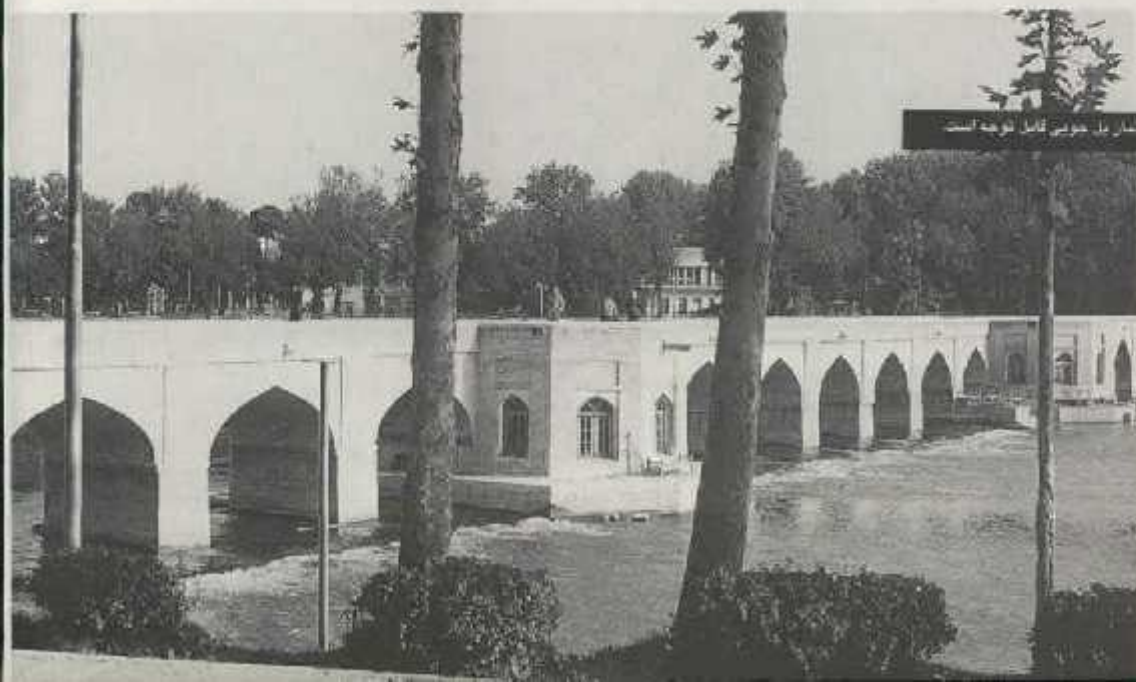
ابتدای مقاله ذکر شد، این سکو سرعت و شدت جریان آب زیر پایه‌ها را کنترل و یکنواخت می‌کند و همچنین در ضلع غربی موجب اختلاف سطحی بین لبه سکو و بستر رودخانه می‌شود. در مواقع کم‌آبی، آب در پشت پل ذخیره می‌شود و با کم‌بودن جریان آب، آبیاری زیبا یا صداین گوشنوار در سمت شرقی پل ایجاد می‌گردد. در بعضی مواقع عده‌ای با پای برهنه از میان آب و روی سکوی سنگی، فاصله بین دو انتهای پل را طی می‌کنند.

۳- پل جویی

این پل در زمان شاه عباس دوم و در ۱۰۶۵ هجری قمری یعنی پس از بله‌های الاموردیخان و خواجو و بین آن دو بنا شده است (شکل ۴). وجه تسمیه این پل به جویی و در تلفظ عامه مردم «جویی» و به غلط «جویی» آن است که روی پل، جوی آبی به درازای پل و عرض تقریباً یک متر و دهانه و عمقی حدود نیم متر جهت رساندن آب به باغهای سلطنتی ساخته شده بود. با آسفالت‌کردن روی پل و سپس موزاییک فرش آن در سالهای اخیر، از جوی سنگی اثری نمانده است.

نام اصلی پل جویی، پل سعادت‌آباد بوده که به دلیل مجاورت با باغ سلطنتی سعادت‌آباد، بدین نام خوانده می‌شده است. «باغ سعادت‌آباد، باغی وسیع بوده که چشم‌انداز آن بستر زاینده‌رود بوده و شاه و میهمانان او می‌توانستند از تالار عمارت آینه‌خانه، مراسم چراغانی، آتشبازی و قایقرانی را تماشا کنند». همچنین به دلیل مجاورت پل جویی با کاخ هفت‌دست، به آن پل هفت‌دست نیز می‌گفتند.

همان‌گونه که از نقشه‌های قدیمی و جدید اصفهان می‌توان استنباط نمود این پل در مسیر شبکه راه‌های ارتباطی شهر قرار ندارد و «برای عبور و مرور عامه مردم بنا نشده، بلکه تنها وسیله‌ای برای ارتباط



شکل ۴- کتابخانه سلطنتی و زیبایی بر ساقطان پل جویی کامل توجه است

۱- تلفظ صحیح: اصفهان به شهر
 ۲- تاریخچه اصفهان: انتشارات کنگره
 اصفهان، بهار ۱۳۷۱، ص ۱۰۳

باغهای سلطنتی سواحل شمالی و جنوبی رودخانه - یعنی باغ دریاچه در ساحل شمالی به باغهای سعادت آباد، کاخهای هفت دست، آینه خانه، کشکول و تمکدان در قسمت جنوبی رودخانه بین پل خواجو و سی و سه پل - بوده است. و محل عبور خانواده شاه صفوی، امرا، اشراف و سفرایی بوده که اجازه ملاقات با شاه عباس دوم را داشته اند.^۴

پل جویی دارای ۲۱ دهانه است که پس از دهانه هفتم و چهاردهم دو اتاق زیبا روی سکوی سنگی زیر پل احداث شده: این اتاقها جهت استراحت میراب و اتاق کشیک بوده و به وسیله پلکانی با سطح روی پل ارتباط داشته است. قرارگیری این دو عنصر شاخص و حجیم شدن پل در این دو نقطه، پل جویی را از سایر پلها متمایز نموده است. طول این پل ۱۴۷ متر و عرض پیاده رو آن سه متر و عرض دیواره های جان پناهها مجموعاً ۹۰ سانتیمتر است. عرض نسبتاً کم پل با توجه به نزدیکی پل خواجو و سی و سه پل به آن و عملکرد این پل - که منحصر به آبرسانی و استفاده اختصاصی برای ارتباط دوطرف بوده - مناسب بوده است.

۴- پل خواجو

پل چهارم به پل خواجو معروف است و در امتداد چهارباغ خواجو و در جنوب محله خواجو قرار دارد. البته این پل به نام پل گیری نیز خوانده می شده؛ زیرا محله زرتشتیان (گبرآباد) را به اصفهان متصل می نموده است. اسامی دیگر این پل عبارت بودند از: پل شیراز (از آن جهت که راه اصفهان به شیراز از روی این پل می گذشته)، پل بابارکن الدین (به لحاظ اینکه بقعه عارف و صوفی معروف قرن هشتم در قبرستان تحت فولاد در جنوب زاینده رود بوده و مردم از طریق این پل به زیارت می رفتند) و پل حسن آباد (نام محله قدیمی حسن آباد در نزدیکی پل)، پل خواجو در زمان صفویه به نام پل شاهی معروف بوده و برای استقرار پادشاه صفوی و سایر امرا، در وسط پل عمارت و جایگاه مخصوصی بنا شده بود.

پل خواجو ۱۳۲ متر طول و ۱۲ متر عرض دارد و در ۱۰۶۰ هجری قمری در زمان سلطنت شاه عباس دوم احداث شده است. این پل نیز مانند پل اللهوردیخان دارای دو طبقه است و به عبارتی می توان آن را شکل تکامل یافته پل اللهوردیخان محسوب نمود.

این پل از جمیع جهات منحصر بفرد است و عملکردهای گوناگونی را در خود، یکجا، جمع نموده است. عملکرد اول آن تسهیل ارتباط بین اصفهان و جنوب کشور بوده است. عملکرد دوم، محلی جهت تفریح و تفرج اهالی اصفهان بوده؛ زیرا پایه های پل در طبقه تحتانی به گونه ای احداث شده که به یکدیگر راه دارند و عابران می توانند تمام مسیر پل را از طبقه زیرین و در مجاورت آب طی کنند. هوای خنک، نسیم ملایم رودخانه و صدای دلنشین حرکت آب، پل خواجو و محوطه اطراف آن را به صورت محلی بسیار مطبوع جهت گذراندن اوقات استراحت اهالی اصفهان و سایرین نموده است. همچنین وجود پله های شرقی باعث حرکت و ریزش آب از کنار و در مواقع پرآبی از روی پله ها می شود و نوایی دلپذیر و هماهنگ با طبیعت برای افرادی که به کنار پایه های پل آمدنند ایجاد می کند و بالاخره اینکه می توان از این پله ها پایین رفت و در کنار جریان آب نشست و ارتباط فیزیکی نزدیکتری با آب و طبیعت برقرار نمود. کدام بنای دیگری می تواند این گونه ارتباط گسسته انسان و طبیعت را پیوند دهد.

از راهروهای طبقه فوقانی پل نیز مناظر دلپذیری از رودخانه نمایان می شود و مانند پل اللهوردیخان، هنگام گذر از روی پل، صحنه های قاب شده از رودخانه و محیط اطراف آن یک به یک در کنار رهگذران ظاهر می شوند. تا پیش از احداث سد جدید، روی زاینده رود، این رودخانه فصلی همیشه دارای سیلهای بزرگی در اوایل بهار بوده، به طوری که گاهی سطح روی تمام پلهای اصفهان زیر آب می رفته و امکان ارتباط بین دو طرف رودخانه میسر نبوده است. در مواقعی که سیل سطح روی پل را کاملاً نمی پوشانده، مردم به حجره های روی پل می رفتند و جریان خروشان آب را نظاره می کردند. همیشه حجره های روی دو پل خواجو و اللهوردیخان در این هنگام مملو از جمعیت می شده است.

جمع آوری و ذخیره آب، عملکرد سوم این پل بوده است. همانند سی و سه پل، پایه های این پل نیز روی سکویی قرار دارد که از بستر رودخانه بالاتر است و آب پشت آن جمع می شود. همچنین با قراردادن تخته های بزرگ جویی بین پایه های پل، آن را تبدیل به یک سد کوچک می کردند. گاهی روی آب پشت سد مراسم آبریزان



سفال ۷۰ میل خواجه ماخچه معبر اورموند، منظرهای کوهستان شیرین و شیبین دارابودن، شامس و شامشکی، ساختار و در زمینه بازسازی محسوب می شود.

انجام می شده و شاه و درباریان از حجره های وسیع وسط پل به نظاره این مراسم می پرداختند.

سانسون، مُلغ مسیحی فرانسوی که در زمان شاه سلیمان صفوی به ایران سفر کرده، در سفرنامه خود در مورد پل خواجه می نویسد: «وقتی شاه به این حرمسرا و تالار می آید، آب رودخانه را در دهانه های پل حسن آباد به وسیله تخته های چوبی می بندند، آب تا جلوی تالار بالا می آید و شاه در یکی از سه یا چهار قایق زیبایی که برای گردش بر روی آب در آنجا گذاشته اند، با زنان حرمسرا به پارو زدن و تفریح می پردازد»^۵. سانسون در ادامه می گوید: «این ساختمان بسیار جالب است و در عین حال بسیار سفید می باشد؛ زیرا از طرفی مردم در ایام مختلف به این جان پناه ها (دیوارهای جانبی پل) می روند و از کثرت روی پل و بند آمدن راه جلوگیری می شود. از طرف دیگر در تابستانها که حرارت آفتاب در روی پل زیاد و ناراحت کننده است، مردم از پناه های جان پناه ها استفاده می کنند و به زیر طاقهای پل می روند. در دو انتهای پل، دو برج کوچک قرار دارد که در داخل آن یلکانی کنار گذارده اند که به وسیله آن به پشتبام جان پناه ها می روند و در تابستان از هوای لطیف پشتبام استفاده می کنند»^۶. عملکرد چهارم، این پل به عنوان یکی از دروازه های ورودی شهر بوده و کاروانها و مال التجاره آنها در این محل مورد بررسی قرار می گرفته و عوارض مربوطه اخذ می شده است.

و بالاخره اینکه پل خواجه یک مقر نظامی جهت حفاظت از شهر بوده و دیوارهای جانبی آن، محل مناسبی جهت دفاع از پل و تیراندازی به سمت مهاجمان بوده است. بوداکروزنیکو، کشیش لهستانی، که در اواخر حکومت صفوی مدت قریب به بیست سال در ایران اقامت داشته، از کشمکشها و جنگهای زیادی بین سپاهیان ایران و قوای مهاجم افغان، روی پلهای اصفهان خبر می دهد.^۷

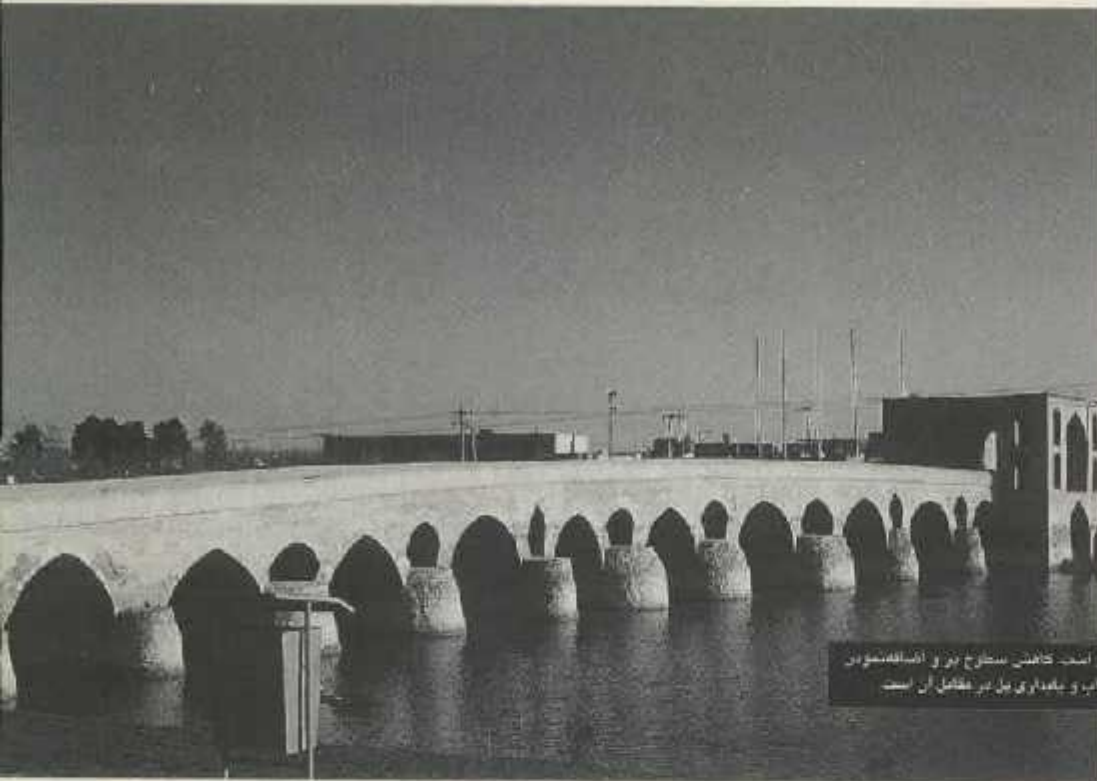
عملکرد کدام پل می تواند دارای جمع این خصوصیات باشد؟

شاه پل شهرستان

قدیمیترین پل اصفهان، پل شهرستان است. «بنیان و شالوده اصلی این پل متعلق به دوره ساسانیان است که بعداً در زمان دیلمیان و سلجوقیان تکمیل شده، پایه های این پل بر روی سنگهای طبیعی کف رودخانه استوار گردیده است»^۸. برخی منابع، زمان احداث این پل را به دوره هخامنشی و دیگر منابع، به دوره های اسلامی مربوط دانسته اند.

پل حی از دیگر نامهای این پل بوده، زیرا در اواخر دوره ساسانی و اوایل حکومت اسلامی، شهر اصفهان از دو بخش یهودیه (بخش یهودی نشین) و حی (مرکز ایالت) تشکیل شده بود و این پل مجاور دروازه تیر - که یکی از چهار دروازه بخش حی بوده - قرار داشته است.^۹ هم اکنون حی به ناحیه شهری وسیعی در مجاورت این پل

۳. سفرنامه سانسون، وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، بهشتاد و نهمین سفرنامه، ترجمه تفر تفسیر انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۴، ص ۵۷.
۴. همان، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.
۵. بو سریر، هتل سقوط شاه سلطنت حسین درجه اول، شانزدهمین کتاب مسافر پاریس، ۱۳۴۴، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.
۶. همان، ص ۱۱۳.
۷. همان، ص ۱۱۳.
۸. همان، ص ۱۱۳.
۹. همان، ص ۱۱۳.
B. Iranian Studies, Studies on Iran, Boston College Press, Boston, Massachusetts, Winter, Spring 1974, P. 2.



نقش ۱۰ پل شهرستان سرخرود در پل اصفهان است. کاخین سطح بر و اصفهان
به معنای عبور آب به جهت نظارت با پلها آب و بهداری پل بر مقابل آن است.

احقاق می شود.

محل پل در شرقی ترین سمت اصفهان کنونی است. در حال حاضر در شمال پل محله شهرستان، در جنوب غربی باغهای اشخاص عمول شهر و سمت غرب آن شهر بازی آشکار قرار گرفته است. عرض پل کمتر از عرض دو اتومبیل و طول آن ۱۰۵ متر است. وجود دهانه های کوچک، روی پایه های پل و بین دهانه های بزرگتر به بهترین شکل ممکن در این بنا اجرا شده و در ساختمان سایر پلها، به عنوان مثال پل مارنان، از آن تقلید شده است.

در ابتدای پل شهرستان اتفاقی وجود دارد که محل اخذ عوارض و کنترل کاروانها بوده. از آنجا که قرنها پیش، این پل تنها پل ارتباطی بین اصفهان و مناطق جنوبی کشور بوده و از وضعیت سوق الحیسی مهمی برخوردار بوده است طی جنگهای مختلف خسارات فراوان دیده و چندین بار مرمت و بازسازی شده است. البته فرسایش در اثر عوامل اقلیمی نیز در تخریب این پل بی تأثیر نبوده است.

در اینجا باید یادآوری شود که تفاوت فاحشی بین پلهای تک عملکردی کنونی و پلهای تاریخی اصفهان وجود دارد. اگر پلهای مدرن فقط برای ارتباط بین دو طرف رودخانه احداث می شوند، پلهای تاریخی اصفهان در عین ایجاد ارتباط، بخشی از زندگی اجتماعی مردم این شهر بوده و کماکان می باشد.

نتیجه گیری

شهر اصفهان یکی از شاخصترین شهرهای تاریخی ایران است. این شهر علاوه بر دارا بودن ساختمانها و فضاهای متعدد قدیمی و باغهای دوران مختلف گذشته، دارای پنج پل با ارزش تاریخی، روی رودخانه زاینده رود به نامهای مارنان، اللهوردیخان، جویی، خواجو و پل شهرستان است. این پلها علاوه بر برقرارتعمودن ارتباط بین دو سمت رودخانه، دارای کارکردهای مختلف اجتماعی، سیاسی و نظامی بوده اند.

از روی پل خواجو و اللهوردیخان تا دهه ۷۰ میلادی اتومبیل رفت و آمد می کرده، اما به سبب جلوگیری از وارد آمدن صدمات به پایه های پل، اکنون این پلها فقط برای رفت و آمد افراد پیاده مورد استفاده قرار می گیرد.

لازم به ذکر است که طی نیمه دوم دهه ۸۰ میلادی، پلهای تاریخی اصفهان توسط شهرداری و زیر نظر میراث فرهنگی این شهر به نحو شایسته ای مرمت و باززنده سازی شده و هم اکنون از دیدنیترین و پرجاذبه ترین نقاط اصفهان محسوب می شوند. مرمت انجام شده در این پلها می تواند به صورت الگوی مناسبی برای احیا و باززنده سازی سایر پلهای تاریخی کشور مورد استفاده قرار گیرد. ♦

نقش نیروهای داوطلب در امور ایمنی و آتش‌نشانی

(گفتگو با حسین ایمانی جاجرمی، رئیس مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و مجید عبدالهی، دبیر ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش‌نشانی کشور)

گفتگو از: ماندانا ملاعلی

انباره

توجه به ایمنی و نقش فعالیتهای آموزشی - فرهنگی در تأمین و تضمین آن، از مسائلی است که در کشور ما هنوز جایگاه مناسبی نیافته است. هر ساله در اثر بی‌توجهی و ناآگاهی شهروندان و دور از دسترس بودن مراکز آتش‌نشانی، خسارت جانی و مالی سنگینی به جامعه تحمیل می‌شود. به عنوان مثال، شهر تهران که با ۱۸۴۹۹ پرسنل آتش‌نشانی در رده نخست جای می‌گیرد، بیشترین آمار حوادث را نیز به خود اختصاص می‌دهد. امکانات، هزینه‌ها و امکان استخدام پرسنل آتش‌نشانی در شهرهای دیگر از این هم کمتر است؛ چنان‌که استان فارس با تعداد حوادثی بسیار نزدیک به تهران تنها ۵۰۳ پرسنل آتش‌نشانی دارد. با توجه به این موضوع، تأثیر جذب نیروهای عملیاتی داوطلب و مردمی بیش از پیش قابل توجه به نظر می‌رسد.

اما در کشور ما تا چه حد به این مهم توجه می‌شود؟ و تا چه اندازه پیشگیری از حوادث از طریق آموزش همگانی ایمنی در برنامه سازمانهای ذی‌ربط قرار دارد؟

سرویس فرهنگی - اجتماعی

نداریم. در کشور ما آتش‌نشانی به شهرداریها واگذار شده است و هر شهرداری مستقل عمل می‌کند. اما در کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه، تشکیلات مرکزی تحت عنوان «سازمان مرکزی آتش‌نشانی» و «سازمان دفاع غیرنظامی» آموزش همگانی را برنامه‌ریزی، مدیریت و هماهنگ می‌کنند. عمدتاً در این کشورها این تشکیلات وابسته به وزارت کشور است.

● رابطه آموزش ایمنی و آتش‌نشانی و پیشگیری از سوانح را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ تحقیقات نشان می‌دهد که با پیشگیری می‌توان از بروز ۷۰ درصد حوادث جلوگیری کرد اگر ما به کمک آموزش می‌توانستیم حتی ۴۰ درصد حوادث را هم پیشگیری کنیم رقم قابل توجهی می‌شود. البته این یک برآورد کارشناسی است ولی چندان هم دور از واقعیت نیست. آمار نشان می‌دهد که به طور متوسط هر ساله به دلیل حوادث شهری ۱۲۰۰ نفر جان خود

● با سپاس از اینکه وقتتان را در اختیار ما گذاشتید. آقای ایمانی لطفاً به عنوان شروع، در مورد پیشینه آموزش همگانی در امر ایمنی و آتش‌نشانی در ایران توضیح بفرمایید.

■ پیش از انقلاب سازمان دفاع غیرنظامی داشتیم که حرکتی را نیز شروع کرده بود، از قبیل مجله «دفاع غیرنظامی»، دوره‌های آموزشی برای کارگران، کارمندان و دانش‌آموزان. اما پس از انقلاب منحل شد و تشکیلات جایگزین معرفی شد و قسمتی از کارکرد آن به بسیج منتقل گردید. ما اکنون مدیریت دفاع غیرنظامی بسیج داریم که البته کل کشور را پوشش نمی‌دهد.

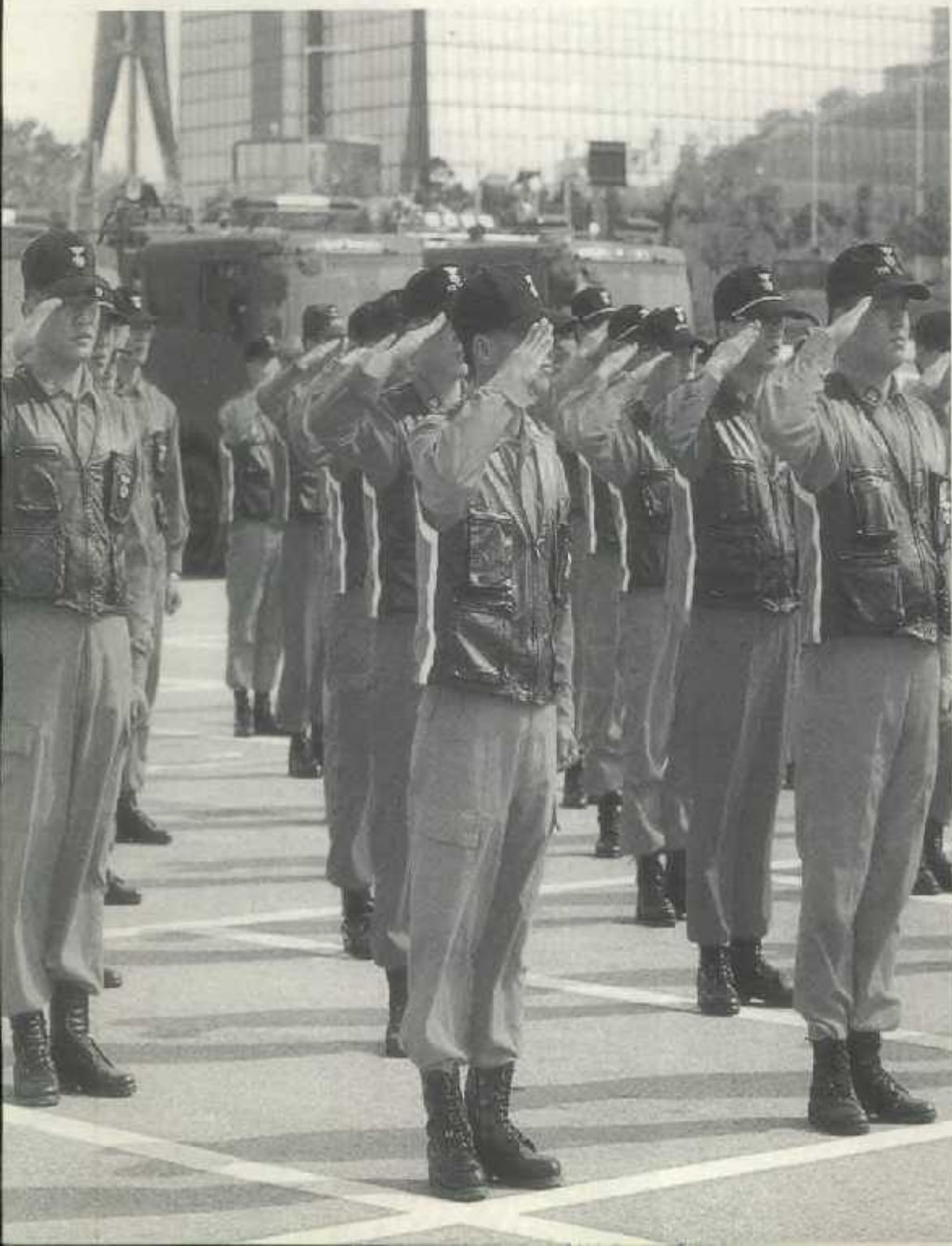
● ضعف آموزش همگانی در ایران تا چه حد بدنبال مدیریت در این زمینه مربوط می‌شود و به طور کلی، مدیریت این حوزه در کشورهای دیگر چگونه است؟

■ در ایران برای آموزش همگانی تشکیلات مرکزی

■ در ایران برای پیشگیری از سوانح هیچ الزام قانونی وجود ندارد تا بتواند آموزش ایمنی را در مدارس اجباری کند و یا به‌عنوان واحد درسی انتخابی مطرح نماید. البته این نوع آموزش جزء برنامه‌های دبیرخانه ستاد است که باید با آموزش و پرورش هماهنگی لازم انجام گیرد. در کشورهای دیگر از همان سنین آغازین رشد، برنامه‌های خاصی برای آموزش ایمنی آتش‌نشانی وجود دارد. به‌عنوان مثال در ژاپن

را از دست می‌دهند. در حالی که می‌توانستیم ظرف یک دوره ده ساله با تقلیل و به‌نصف رساندن این آمار، از طریق آموزش و پیشگیری، جان ۶ هزار نفر را نجات دهیم (یعنی ۶۰۰ نفر در هر سال) و حدود ۴۵۰ میلیارد ریال در سال (خسارت ناشی از حوادث) صرفه‌جویی کنیم.

● در بسیاری از کشورها امر ایمنی و آتش‌نشانی را از دبستان شروع می‌کنند، در ایران چگونه است؟



و نیروهای داوطلب استفاده می‌شود: آیا این مشارکت در ایران نیز وجود دارد؟

■ بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در کشورهای پیشرفته گروه‌های داوطلب، سهم عمده‌ای از تأمین خدمات ایمنی و آتش‌نشانی را برعهده دارند و گاه تعداد این نیروها تا چندین برابر نیروهای حرفه‌ای افزایش می‌یابد. نیروهای داوطلب در آن کشورها جایگاه اجتماعی مناسبی دارند و دارای لباس مخصوص و تجهیزات هستند. کسی که به‌عنوان داوطلب آتش‌نشانی فعالیت می‌کند، مورد احترام اجتماع است. علت اصلی این قضیه این است که مردم در مدیریت شهری و روستایی احساس مشارکت می‌کنند و اصلاً در آن کشورها بحث آتش‌نشانی از گروه‌های داوطلب مردمی آغاز شده و سپس به‌علت گسترش حریق و پیچیدگی حوادث،

آتش‌نشانیها بخشهای ویژه‌ای برای آموزش همگانی دارند که مردم عادی، خردسالان و دانش‌آموزان در این بخشها آموزش می‌بینند. در انگلیس طبق قانون، عطاوعات باید ستون ویژه‌ای به آموزشهای ایمنی اختصاص دهند. در ایران، شهرهای بزرگی چون اصفهان و شیراز بحث آموزش همگانی را دنبال می‌کنند و به‌طور رایگان برنامه‌هایی برای آموزشگاه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها ترتیب داده‌اند؛ اما به‌علت عدم تمرکز موضوع، لزوماً از روش خاصی پیروی نمی‌کنند و از نظر قانونی (بند ۱۴، ماده ۵۵ قانون شهرداری) در زمینه آموزش همگانی هیچ وظیفه خاصی ندارند. حوزه مسئولیت آنها خدمات ایمنی و آتش‌نشانی است، نه آموزش همگانی.

● آیا آموزش ایمنی در محل کار به‌عهده ستاد ایمنی و آتش‌نشانی است؟



حسین ایمانی حاجری

در ایران برای آموزش همگانی تشکیلات مرکزی نداریم. در کشور ما آتش‌نشانی به شهرداریها واگذار شده است و هر شهرداری مستقل عمل می‌کند، اما در کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه، تشکیلات مرکزی تحت‌عنوان «سازمان مرکزی آتش‌نشانی» و «سازمان دفاع غیرنظامی» آموزش همگانی را برنامه‌ریزی، مدیریت و هماهنگ می‌کنند

پیش از انقلاب سازمان دفاع غیرنظامی داشتیم که حرکتهایی را شروع کرده بود... پس از انقلاب قسمتی از کارکرد آن به بسیج منتقل شد. ما اکنون مدیریت دفاع غیرنظامی بسیج داریم که البته کل کشور را پوشش نمی‌دهد

در کشورهای پیشرفته، گروه‌های داوطلب سهم عمده‌ای از تأمین خدمات ایمنی و آتش‌نشانی را برعهده دارند و گاه تعداد این نیروها تا چندین برابر نیروهای حرفه‌ای افزایش می‌یابد

سازمانهای شهری مسئولیت این امر را پذیرفته‌اند. در ایران افراد حتی در سطح محلی نیز مشارکت جدی در امور خدمات شهری و ایمنی و آتش‌نشانی ندارند. گرچه کارهایی به‌صورت پراکنده، در بعضی نقاط ایران انجام شده است اما این موضوع مهم در ایران نهادینه و تعریف شده نیست.

● برای استفاده از نیروهای داوطلب در برنامه‌های آینده شما اقدامی عملی منظور شده است؟

■ دبیرخانه ستاد برای جلب مشارکت مردم در زمینه خدمات آتش‌نشانی برنامه‌هایی دارد، از جمله تصمیم

■ وزارت کار و امور اجتماعی، دفتر ایمنی کار دارد که در مورد واحدهای تحت پوشش وزارتخانه اقدامات لازم را انجام می‌دهند. در این موارد آتش‌نشانیها مسئولیتی ندارند. اگر کارخانه یا شرکتی تقاضای اجرای دوره آموزشی داشته باشد طبق تقاضا و با قرارداد مورد توافق، آموزشهای لازم انجام می‌شود. (آتش‌نشانیهای بزرگ معاونت آموزشی و پیشگیری دارند). شهرهای کوچکتر مثل کرج این امور را رایگان انجام می‌دهند ولی آتش‌نشانیهای شهرهای بزرگ باید خودشان به‌طور مستقل این هزینه را تأمین کنند.

● در بسیاری از کشورها برای انجام امور عملیاتی ایمنی و آتش‌نشانی از مشارکت مردمی



مهدی غوبادپور

دارد در سال ۱۳۷۸ با همکاری سازمانهای مربوطه، به جلب مشارکت زنان بپردازد. در آتش‌نشانیهای شهرهای بزرگ، در نخستین اقدام، گروههای داوطلب آتش‌نشان در دو زمینه آموزشی و عملیاتی ایجاد خواهند شد. اقدامات فرهنگی دیگری نیز در دست اجراست.

● **تأثیر بر افکار عمومی بهترین راه جلب مشارکت مردم و بسیج عمومی است. به نظر می‌رسد در این زمینه اقدامات سازمان مؤثر نبوده است؟ آیا در این برنامه‌ها تغییری انجام خواهد شد؟**

■ خوشبختانه این اواخر دفتر برنامه‌ریزی عمرانی، ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش‌نشانی کشور را فعال کرده است و با تشکیل دبیرخانه این ستاد، اقدامات اولیه در زمینه‌های مختلف امور ایمنی و آتش‌نشانی و از جمله بحث آموزش ایمنی همگانی را شروع کرده است. به‌عنوان مثال، مکاتباتی با صدا و سیما و مطبوعات انجام شده است که این رسانه‌ها در زمینه پخش پیامهای ایمنی فعال شوند.

● **آقای عبداللہی یا توجه به مسئولیت شما در ستاد بفرمایید تا چه حد در زمینه آموزش ایمنی در جلب همکاری رسانه‌ها موفق بوده‌اید؟**

■ پس از مکاتبات با صدا و سیما، برای تقاضای همکاری در جلب افکار عمومی، تنها توانستیم با شبکه پیام ارتباط برقرار کنیم و تاکنون دو بخش از چهار بخش برنامه ارسالی ما را بخش کرده‌اند. البته چون این شبکه بینندگان خاص خود را دارد و همه‌گیر نیست، متفوق ما را برای آگاهی‌رسانی عمومی برآورده نمی‌کند؛ اما همین اندک هم راهگشا بوده است. پیامی به روزنامه‌ها دادیم که به چاپ رسید و در نظر داریم در جراید ستونی برای پیامهای ایمنی باز کنیم.

● **صدا و سیما تا چه حد در ساخت برنامه، برای آگاهی عمومی، موفق بوده‌است؟**

■ با موافقت مدیرکل سازمان صدا و سیما از این پس برای آگاهی و آموزش عمومی، فیلمهای موردنظر و برنامه‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغی با همکاری خود صدا و سیما و با شرکت دیگری تهیه و از طریق این رسانه پخش خواهد شد. البته در سال آینده یکی از برنامه‌های مهم دبیرخانه ستاد، تهیه و تولید برنامه‌های خاصی در زمینه امور ایمنی و آتش‌نشانی

است که از این طریق می‌توانیم درصدی از خسارات ناشی از حوادث شهری را کاهش دهیم. در حال حاضر زمینه‌ها و امکانات خاصی جهت اجرا و تحقق این هدف در حال بررسی است.

● **چرا برخی کشورها در این زمینه در جلب مشارکت مردمی موفق‌ترند؟**

■ کشورهای دیگر در این زمینه بسیار پیشرفته هستند. از جمله اقدامات مهم در کشورهای دیگر آموزش همگانی از طریق رسانه‌های گروهی است که باعث تقویت مشارکت مردمی و روحیه همکاری می‌شود. تئویزیون، روزنامه و مجلات تخصصی در این زمینه برنامه‌های مفصل و مداوم دارند. مجله Fire International مجله بین‌المللی آتش‌نشانی است.

تأسیس دانشکده‌های تخصصی در زمینه آتش‌نشانی و آموزش تخصصی و عمومی یکی دیگر از اقدامات مهم فرهنگی است. از جمله این دانشکده‌ها، کالج مورتن در انگلستان است و یا دانشکده بین‌المللی ایمنی و اطفاء در کشور عمان. ملکه انگلیس رئیس آتش‌نشانی کل کشور است، که توجه به این امر را می‌رساند. چنین کشوری به امور ایمنی و آتش‌نشانی اهمیت زیادی می‌دهد؛ چنان که حقوق آتش‌نشانها از حیث رتبه دومین پایه حقوق در بریتانیاست.

● **در ایران، به مشارکت مردمی تا چه حد اهمیت داده می‌شود؟**

■ متأسفانه تاکنون در زمینه امور ایمنی و آتش‌نشانی توجه خاصی به مشارکت مردمی نشده است، در حالی که می‌توان از این نیروی بالقوه به‌عنوان یشتوانهای مهم برای انجام عملیات اطفای حریق و امداد - بخصوص در حوادثی که در سطح ملی اتفاق می‌افتد - استفاده کرد.

استفاده از مشارکت مردم در برنامه سال جاری دولت قرار دارد. این طرح از مشارکت مردم در دو بخش آموزشی و عملیاتی استفاده می‌کند. بدین ترتیب که خواهران داوطلب، آموزش مهدکودکها و مدارس را به‌عهده خواهند گرفت و از برادران در امور عملیاتی استفاده خواهد شد. یکی از بزرگترین موارد مشارکت مردمی، همین آتش‌نشانیهای داوطلب است. البته اجرای همگانی این طرح، مدت زیادی طول می‌کشد.

● **با تشکر از حضور و حوصله شما**

معرفی اتحادیه بین‌المللی حکومت‌های محلی (IULA)

♦ حسن شفیعی



IULA

International
Union of
Local
Authorities

اتحادیه بین‌المللی حکومت‌های محلی در سال ۱۹۱۲ میلادی (۱۲۹۳ شمسی) در بلژیک تأسیس شد. این اتحادیه با توجه به اعلامیه جهانی خودگردانی محلی و اعلامیه جهانی حقوق بشر به این اصل معتقد است که، دولت محلی، نزدیکترین قشر دولت به مردم بوده و برای مشارکت‌دادن شهروندان در جهت اتخاذ تصمیم در ارتباط با شرایط زندگی‌شان و استفاده از دانش و استعدادهای آنها در ارتقا و توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بهترین موقعیت قرار دارد. بنابراین، دولت محلی بنیان‌جمله‌ای است که در آن شهروندان احساس تعلق و مسئولیت می‌کنند. براساس همین مسئولیت شهروندی است که تصمیم‌گیری غیرمتمرکز شکل می‌گیرد و عدم تمرکز باعث کاهش تراکم در مرکز می‌شود و کنش دولت را اصلاح و تسریع می‌نماید؛ در نتیجه ابتکارات محلی بروز نموده و انرژی‌های مینکر و خلاق فعالیت می‌یابند.

اعضای آیولا بر این باورند که با اذعان به‌ریشه محلی عضلات جهانی، می‌توان با اشاعه و ارتقای مردم‌سالاری محلی، صلح و عدالت جهانی را تحقق بخشید.

با توجه به آرمانهای مذکور، این اتحادیه در جهت اهداف زیر به فعالیت پرداخت: ۱- ایجاد و تشویق دولت محلی دموکراتیک و مؤثر در سراسر جهان ۲- همکاری در حسن مدیریت دولت محلی ۳- مطالعه مسائل مربوط به زندگی و فعالیت هیئت‌های محلی و رفاه شهروندان ۴- ترویج اندیشه و عمل مشارکت شهروندان و جامعه در امور مدنی ۵- رواج همکاری و همبستگی میان شهرداریها.

اعضای آیولا به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- اعضای دولت محلی ۲- اعضای وابسته ۳- اعضای افتخاری. دولت محلی شامل انجمن‌های ملی مقامات محلی، بخش‌های ملی، انجمن‌های ملی زیرمجموعه مقامات محلی، انجمن‌های چندملیتی مقامات محلی و مقامات محلی منفرد است.

اعضای وابسته آیولا را، سازمانها، مؤسسات، وزارتخانه‌های دولتی و مؤسسات ملی و سطوح دیگر دولت، نهادهای علاقمند به موضوعات دولت محلی و اشخاص منفرد علاقمند به دولت محلی تشکیل می‌دهند. اعضای افتخاری آیولا، افراد یا مؤسساتی هستند که خدمات برجسته‌ای به انجمن یا به ارتقای روابط بین‌المللی شهرداری کرده‌اند.

اتحادیه بین‌المللی مقامات محلی دارای ساختار سازمانی هستند که براساس آن حقوق و تعهدات اعضای مشخص شده است. چنانچه اعضا وظایف سازمانی خود را انجام ندهند از اتحادیه اخراج می‌شوند. سازمان آیولا دارای ارکان زیر است: ۱- شورا ۲- کمیته اجرایی ۳- رئیس ۴- دبیرکل.

شورا از نمایندگان اعضای دولت محلی تشکیل شده است که سیاست‌های کلی اتحادیه را ترسیم و بر اجرای آن نظارت می‌کند. بنابراین تصویب گزارش سال مالی، تسویه حساب، انتخاب رئیس، معاون اول آیولا و اعضای کمیته اجرایی و تجدیدنظر در اساسنامه اتحادیه از جمله اختیارات شورا است.

اعضای کمیته اجرایی شامل رئیس و معاون اول، دبیرکل، رؤسا یا نمایندگان انتصابی هر یک از بخش‌های منطقی‌های و یک نماینده از هر کشور دارای حق عضویت دولت محلی است. هر عضو کمیته یک رأی دارد. تصمیم‌گیری در کمیته براساس اکثریت نسبی آرا اتخاذ می‌شود. تصمیمات کمیته ضمانت اجرایی دارد. از جمله اختیارات کمیته می‌توان به تصویب بودجه سالانه، تشکیل کمیته‌های فرعی، تعیین وظائف، انتخاب رئیس و سایر اختیاراتی که به شورا محول شده اشاره نمود.

رئیس آیولا از میان اعضای دولت محلی به‌مدت دو سال انتخاب می‌شود. رئیس نماینده اصلی آیولا است که ریاست جلسات کمیته اجرایی و شورا را به‌عهده دارد و تاووم سیاست‌های اتحادیه را بین جلسات کمیته اجرایی تضمین می‌نماید.

دیپلک، مقام اجرایی اتحادیه است که هدایت فعالیت‌های اتحادیه و اجرای قطعنامه‌های شورا و کمیته را برعهده دارد.

اکثریت دوسوم اعضای دولت محلی می‌توانند به اصلاح اساسنامه و حتی انحلال اتحادیه مبادرت ورزند، مشروط به اینکه اکثریت دو سوم آرای حاضران در جلسه به این امر رأی دهند. بیانیه زیر آخرین بیانیه آیولا در زمینه نقش و جایگاه حکومت محلی است که در کنگره بارسلونا صادر شده است^۶

ما شهرداران، سران و نمایندگان شهرها و دولتهای محلی جهان در ۲۴ مارس ۱۹۹۹ طی نشستی در بارسلونا - که به مناسبت سی و چهارمین کنگره اتحادیه بین‌المللی مقامات محلی انجام گرفته است - تلاش کردیم درباره موضوع اصلی این کنگره یعنی «دولت محلی به یک سیاست جهانی می‌پیوندد»، به توافق نظر دست یابیم.

قرن جدید؛ چالشهای جدید

۱- در استانه ورود به قرن جدید، نقش و وظیفه شهرها و دولتهای محلی، به‌عنوان موضوعی ضروری و حائز اهمیت افزایش می‌یابد و می‌بایست خود را برای رویارویی با چالشهای جدید مهیا و آماده سازیم.

۲- جهان تحت‌تأثیر تغییرات اقتصادی، تکنولوژیکی، جمعیتی و نیروهای محیطی و اجتماعی در حال تغییر است. جهانی شدن و آزادسازی اقتصادی و تأثیر جهانی تکنولوژیهای نوین ارتباطی و به‌طور اخص تکنولوژی ارتباطات، به‌تغییر زندگی شهروندان ادامه می‌دهند.

۳- در مجموع با توجه به این گرایشها، رشد جمعیت و تداوم روند شهرنشینی، وظیفه دولت محلی را با پیچیدگی بیشتر - که البته اهمیت بیشتری نیز دارد - مواجه می‌گرداند. این اصل در مورد اجتماعات روستایی، که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد، نیز صلق می‌کند. آنچه باید همواره مدنظر قرار دهیم، واکنشها و وابستگیهای دوجانبه شهر و روستا و اقتصاد آنها است.

۴- نقش سستی دولت نیز عمیقاً تحت‌تأثیر این موارد - که روی بنیانگذاران اقتصادی موجود تأثیر می‌گذارند - قرار می‌گیرد. آنچه دولتهای ملی باید همواره به‌خاطر داشته باشند، نقش حیاتی و حساس دولت محلی و ناحیه‌ای است که به‌عنوان گردانندگان مهم اقتصادی و مردم‌سالار در مشارکت با بخشها به‌حساب می‌آیند؛ چرا که در توسعه اقتصادی و آفرینش نیروی کار، نیروی اصلی به‌شمار می‌روند.

۵- پرواضح است که دولتها قادر نیستند به‌صورت متمرکز، اداره‌کننده و کنترل‌کننده این پیچیدگیها در شهرهایی که به‌سرعت رشدیافت‌مانند و شهرکهای درحال توسعه باشند و تنها یک دولت غیرمتمرکز محلی - که در ارتباط مستقیم با شهروندان خود است، توان انجام آنرا دارد.

دموکراسی محلی در جهان

۶- پشوتانه و اساس دولتهای محلی، شهروندانی هستند که دولت خدمات و امکانات رفاهی در اختیار آنها قرار می‌دهد. پس قانونمندی دولتهای محلی نیز بستگی به‌همین مردم دارد. بسیاری از دولتها در قوانین اساسی خود و از طریق عهدنامه‌های بین‌المللی، نقش دولتهای محلی و دموکراسی محلی را به‌طور رسمی تصدیق و تأیید کرده‌اند. اما هنوز فاصله زیادی تا رسیدن به سطح جهانی وجود دارد.

۷- ما در برابر اصول جهانی و تمرکززدایی مردم‌سالارانه متعهد هستیم؛ نه مانند هرمی که با درجات دولتی به رقابت پردازد، بلکه به‌شکل دولتی یکپارچه که باید با یکدیگر همکاری تنگاتنگ داشته باشیم تا همواره بتوانیم در جهت ایجاد رفاه حال شهروندان و اجتماع به نتایج چشمگیری دست یابیم.

۸- آیولا طی کنگره‌ای در سال ۱۹۸۵ در ریو در زمینه دولت خودمختار محلی، بیانیه‌ای جهانی صادر کرد که مجدداً در سال ۱۹۹۳ در تورنتو مورد توجه قرار گرفت. از مباحثی که در این کنگره‌ها به آن توجه شد، به‌وجودآوردن زمینه جهانی برای اصول مشترک خودگردانی محلی و دموکراسی بود که هم‌اکنون نیز مدیون آن هستیم.

* * *

مواد دیگر این بیانیه را در شماره آینده می‌خوانید. ♦

پانویس

* ترجمه این بیانیه با همکاری سید
پیرانقر انجام شده است.

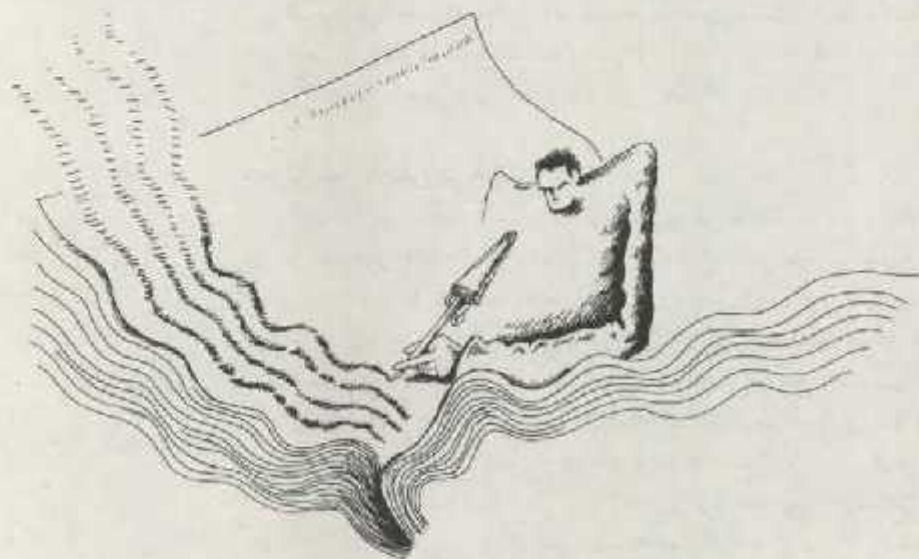
نگرشی تحلیلی به چالشهای حقوقی نظام مدیریت شهری (بخش اول)

♦ سید محمود نجاشی حسینی
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

یکی از مسائل و موضوعات مهمی که در حوزه مطالعات شهری و ادبیات مدیریت شهری، در سطح جهانی مطرح شده، بحث مربوط به «مدیریت شهری و حقوق شهری» است. با وجود این در جامعه ما - که هنوز حوزه مطالعات شهری و ادبیات مدیریت شهری آن نویا است (با برآوردی خوش‌بینانه دست کم ۳ دهه) - بحث مهم «مدیریت شهری و حقوق شهری» نسبت به سایر موضوعات شهری (نظیر طرحهای توسعه شهری، تاریخ شهرتشی، نظام برنامه‌ریزی شهری و...) کمتر مطرح شده است. تنها طی یک دهه اخیر است که تعداد انگشت‌شماری از مراکز پژوهشی دولتی، از جمله «مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری» وزارت مسکن و شهرسازی^۱ و «مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری» وزارت کشور^۲ به این مبحث توجه نشان داده‌اند و این موضوع مهم را در ارتباط با مباحث پیرامونی ادبیات مدیریت شهری یعنی مباحث شهرسازی، نظام نوین مدیریت شهری، الگوهای برنامه‌ریزی شهری جهانی و روش‌شناسی پژوهشهای شهری و کاربرد آن در مطالعه شهر و شهرداری مطرح نموده‌اند. برای شروع بحث ذکر چند نمونه از این مطالعات سودمند است.

چند نمونه از مطالعات ادبیات حقوق شهری

از بین مطالعات مزبور - که به صورت نمونه به آنها اشاره شد - سه مطالعه از حیث تأکید مستقیم و نحوه نگرش به موضوع مدیریت شهری و حقوق شهری قابل توجه است. اولین مطالعه مربوط به حقوق شهری و



قوانین شهرسازی است که پدیدآورنده آن مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی است.^۱ در این مطالعه، جایگاه شهرداری (به عنوان مهمترین سازمان محلی اداره کننده امور شهرهای کشور) از دیدگاه علم حقوق و همچنین مباحث عمده شهرسازی از منظر حقوق شهری مورد توجه قرار گرفته است. محورهای اصلی این مطالعه عبارتند از: شناخت کلی شهر و شهرداری از دیدگاه علم حقوق، تفکیک و آماده سازی اراضی، منطقه بندی شهرها، صدور پروانه و نظارت ساختمانی در شهرها، گذر بندی شهرها، نقشه رسمی و نوسازی و بهسازی شهرها.

در دو مطالعه بعدی - که پدیدآورنده آنها مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور است - از بُعد روش شناسی پژوهشهای شهری و همچنین جامعه شناسی حقوقی مدیریت شهری به مسئله حقوق شهری و قانون شهرداری توجه شده است.

در مطالعه دوم، با عنوان «درآمدی بر طرح مطالعاتی، شهر و شهرداری» - که در آن از حیث روش شناختی با مسئله حقوق و قانون شهرداری برخورد شده - ضمن تأکید بر ضرورت بررسی عناصر ساختاری نظام مدیریت شهری و شهرداریها (از جمله عنصر حقوق و قانون) به شیوه های بررسی و تجزیه و تحلیل این عنصر (از منظر درون نگری و برون نگری، مطالعات موردی، مقایسه های تاریخی، توصیفی و تبیینی) نیز اشاره شده است.^۲

در مطالعه سوم - که تقریباً می توان گفت در آن از منظر جامعه شناسی حقوقی مدیریت شهری به موضوع قانون شهرداری توجه شده و عنوان آن «دو مقاله در خصوص مدیریت شهری در ایران» است - درباره جایگاه شهرداریها به عنوان سازمانهای محلی از حیث تعاریف اسمی و عملی از شهرداریها، ملاحظات حقوقی و قانونی مرتب بر تعریف شهرداریها، فضای مفهومی تعریف حقوقی از شهرداریها و نظایر آن بحث شده و مقایسه های فشرده میان نظامهای حقوقی مدیریت شهری در چند شهر بزرگ جهان نیز صورت گرفته است.

در بخش دوم این مطالعه، ویژگیها و شئون وظایف قانونی شهرداریهای کشور با تفکیک وظایف به عمرانی، خدماتی، نظارتی و رفاه اجتماعی - با توجه به ماده ۵۵ قانون شهرداری - و همچنین انطباق این وظایف محوله در قانون شهرداری با فرآیند انجام فعالیت های کنونی شهرداریهای کشور مورد بررسی قرار گرفته و مقایسه های میان وظایف اصلی شهرداریهای مهم جهان به عمل آمده است. این بخش از مطالعه نشان می دهد که در حال حاضر تنها ۳۰ درصد از وظایف قانونی مندرج در قانون شهرداریها منحصرأ توسط شهرداریهای کشور انجام می شود. ۴۰ درصد بر عهده سایر دستگاه های دولتی گذاشته شده و ۲۰ درصد نیز به صورت مشترک توسط شهرداریها، ادارات و دستگاه های دولتی و بخش خصوصی به انجام می رسد.^۳

پانویس

- ۱- عبدالله، هاشمی، حقوق شهری و قوانین شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی، تهران، ۱۳۶۹.
- ۲- برای آگاهی بیشتر به نشریه های تخصصی زیر مراجعه شود:
۲/۱- حسین فیاض حاجی - دوره مدیریت و عمران، نشریه شماره ۴ (دو مقاله در خصوص مدیریت شهری)، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور، تهران، ۱۳۷۵.
- ۳- منصور احمدی و همکاران، نشریه های شماره ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ (تکراسی بر الگوهای برنامه ریزی شهری در جهان)، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور، تهران، ۱۳۷۲.
- ۴- از منجه محمود، دکتر حسینی، نشریه شماره ۲۹ (درآمدی بر طرح مطالعات شهر و شهرداری)، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور، تهران، ۱۳۷۵.
- ۵- دیر جعفری، LINCOS نشریه شماره ۲۴ (پهلو، مدیریت شهری)، ترجمه نوبه سعیدی رضوانی، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور، تهران، ۱۳۷۷.
- ۶- عبدالله، هاشمی، همان.
- ۷- سیدمحمد سجانی، همان.
- ۸- حسین ایمنی، چاپهرم - شرح سعیدی رضوانی، همان.

داده های اساسی مطرح در ادبیات حقوق شهری

در مطالعات مورد نظر در زمینه مدیریت شهری و حقوق شهری - که به تعدادی از آنها اشاره شد - تنها پاره ای از اطلاعات و داده های اساسی مرتبط با این موضوع مطرح گردیده؛ حال آنکه سایر اطلاعات و داده های اساسی مورد نیاز یا دست کم بخش دیگری از این اطلاعات و داده ها که می تواند در تکمیل و برپا کردن ادبیات حقوق شهری مؤثر واقع شود و ارتباط میان نظام مدیریت شهری و نظام حقوق شهری را توصیف و تبیین نماید؛ از طریق مطالعات مزبور فراهم نشده است.

بنابراین با توجه به ضرورت موضوع لازم است از طریق مطالعات تکمیلی مرتبط با موضوع مورد بحث این نوشتار، پاره ای از اطلاعات و داده های اساسی دیگر نیز توصیف و تبیین شوند، بخشی از اطلاعات و داده های اساسی مورد نیاز عبارتند از:

- ۱- ارتباط و پیوستگی میان حقوق، حقوق شهری، مدیریت شهری و قانون شهرداری
- ۲- ویژگیها و شئون مرتب بر قانون شهرداری از منظر جامعه شناسی تاریخی حقوق شهری (پیشینه تاریخی، ملاحظات تاریخی مرتب بر قانون شهرداری و نظایر آن)
- ۳- ویژگیها و شئون مرتب بر قانون شهرداری از منظر حقوق دکماتیک [مطالعه حقوق از منظر درونی] و معرفت شناسی حقوق (بررسی اعتبار قواعد حقوقی و قانون شهرداری، تفسیر قواعد یا مفاهیم حقوقی و قانون شهرداری، چگونگی توسعه یا سازگاری مفاهیم و قواعد حقوقی قانون شهرداری با شرایط جامعه، دامنه شمول مفاهیم و قواعد حقوقی قانون شهرداری، سازگاری منطقی میان مفاهیم و قواعد، چگونگی ضمانت اجرای قواعد

و مفاهیم حقوقی قانون شهرداری و نظایر آن)

۳- ویژگیها و شئون مترتب بر قانون شهرداری از منظر جامعه‌شناسی حقوق شهری (تعیینات اجتماعی و دگرگونیهای نظام حقوقی مدیریت شهری، تأثیرات ساختار اجتماعی جامعه بر قانون شهرداری، مشکلات و تنگناهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی اجرای قانون شهرداری و نظایر آن)
باتوجه به اهمیت این داده‌ها و نیز ضرورت آشنایی اولیه با داده‌های مزبور به توضیحی مختصر پیرامون هر یک بسنده می‌کنیم.

حقوق شهری و قانون شهرداری از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی حقوق شهری

دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی (Historical Sociology) در پی تحلیل و تبیین اجتماعی پدیدارهای تاریخ و ویژگیها و شئون تاریخی، مترتب بر پدیدارهای انسانی - اجتماعی (از جمله پدیدارهای حقوقی) است. بنابراین در رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی حقوق شهری (Urban Law Historical Sociology) سرچشمه‌ها، ویژگیها و شئون تاریخی مترتب بر پدیدارهای حقوقی شهری، مورد تحلیل و تبیین اجتماعی قرار می‌گیرند. یکی از پدیدارهای حقوقی شهری، مجموعه مفاهیم و قواعد حقوقی شهری است که صورت مدون و رسمی آن «قانون شهرداری» است. قبل از اینکه وارد این بحث شویم بد نیست توضیح مختصری درباره جایگاه حقوق شهری در نظام حقوقی و ارتباط آن با نظام مدیریت شهری ارائه شود. ابتدا از تعریف حقوق (Right) آغاز می‌کنیم.

از حیث زبان‌شناختی و با توجه به ریشه‌شناسی این واژه در زبانهای هند و اروپایی (Droit در زبان فرانسه، Recht در زبان آلمانی و Right در زبان انگلیسی)، واژه «حقوق» به مثابه یک استعاره، یا شکلی هندسی است؛ به معنای یک «خط مستقیم» در برابر خط منحنی یا ناراست. این واژه از نظر جامعه‌شناسی تاریخی حقوق، معنایی اخلاقی و سپس حقوقی به خود گرفته و به مفهوم (درستی، صراحت و صداقت در روابط انسانی - اجتماعی) آمده است.^۱ به‌طور خلاصه می‌توان گفت حقوق از دو جنبه برخوردار است: الف - جنبه نظری، یا دانش حقوق که موضوع آن بحث درباره تنظیم روابط افراد یک جامعه با یکدیگر، دولت و نهادهای دولتی و همچنین روابط میان دولتها و افراد یک کشور یا دولت خارجی است. ب - جنبه عملی، یا وظایف، تکالیف، امتیازات و قواعد حقوقی الزام‌آور برای تنظیم روابط متقابل افراد و دولتها با یکدیگر.

از جنبه نظری - که مورد نظر ماست - دانش حقوق دارای چهار رشته است: ۱- حقوق داخلی عمومی که بحث آن درباره روابط افراد جامعه با دولت، نهادهای دولتی و گردش کار دستگاه‌های دولتی است. ۲- حقوق داخلی خصوصی که درباره روابط افراد یک جامعه با یکدیگر بحث می‌کند. ۳- حقوق بین‌الملل عمومی که موضوع آن روابط دولتها با یکدیگر و افراد یک کشور با دولت‌های دیگر است. ۴- حقوق بین‌الملل خصوصی که محور آن بحث درباره روابط افراد یک کشور با کشورهای دیگر است.

باتوجه به این تقسیم‌بندی مشخص می‌شود که «حقوق شهری» (که موضوع آن رابطه مردم شهر با شهرداری، حقوق و تکالیف آنها در برابر یکدیگر و اصول هدفها و وظایف و روش انجام آنها و همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت شهرداری بر رشد موزون و هماهنگ شهر است) را می‌توان به‌عنوان یکی از شاخه‌های منشعب از حقوق اساسی و حقوق اداری، جزء زیرمجموعه حقوق داخلی عمومی محسوب نمود.^۲ از جنبه عملی نیز «قانون شهرداری» را می‌توان تبلور رسمی حقوق شهری محسوب کرد.

در برتواین توضیحات، ارتباط میان نظام مدیریت شهری، یعنی قوانین سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اداره امور شهر و شهرداری و نظام حقوق شهری که به معنای روند قانونمند کردن وظایف و تکالیف متقابل شهروندان و شهرداریها است، نیز مشخص می‌شود. بنابراین حلقه ارتباطی میان نظام مدیریت شهری و نظام حقوق شهری عبارت‌اند از دانش و ادبیات حقوق شهری (از جنبه نظری) و قانون شهرداری (از جنبه عملی).

مناسب است به بحث قانون شهرداری از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی حقوق شهری نیز نگاهی داشته باشیم. این نگاه صرفاً از منظر تغییرات تاریخی - اجتماعی حادث شده در قانون شهرداری است. در تاریخ حقوق موضوعه ایران - که از سال ۱۲۸۶ خورشیدی (۱۹۰۶ میلادی) با تأسیس اولین مجلس قانونگذاری آغاز می‌شود، قوانین و مقررات شهرداری از جمله قدیمیترین متون قانونی به‌شمار می‌روند. از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی حقوقی، دستگاه قانونگذاری کشور طی دو دهه نخست حیات و فعالیت خود با تصویب قوانین بنیادین اجتماعی - اقتصادی و به‌وجودآورنده نهادهای اجتماعی - تمدنی جدید، برنامه‌ریزی جامعه ایران

۱- دایره‌ی معنای حقوق در فرهنگ لغت حقوقی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۰.
۲- برای آگاهی بیشتر به کتابهای زیر مراجعه شود.
۱- فتاوی‌الکلیه، همان.
۲- دستورالعمل شهرداری، همان.
حقوق اداری، سمت تهران، ۱۳۷۲.
۳- حمید ابوالقاسم، حقوق اداری ایران، توس تهران، ۱۳۷۰.
۴- دایره‌ی معنای حقوق، همان.

تأکید داشت. در همین دوران بود که قوانین بسیار مهمی مانند قانون مدنی، تجارت، ثبت اسناد و املاک، آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری و نظایر آن از تصویب مجلس شورای ملی گذشت. قانونگذار در همان نخستین ماههای شروع قانونگذاری، با این جهت‌گیری، به نوسازی مناسبات و قواعد شهرنشینی و سازماندهی جدید آن توجه کرد و «قانون بلدیه» را در دوازدهم خردادماه ۱۲۸۶ تصویب نمود. اگرچه در آن هنگام تعداد شهرهای کشور اندک بود و فقط بخش ناچیزی از جمعیت کشور - کمتر از ۵ درصد - در شهرها سکونت داشتند، ولی به‌دلیل روند پرشتاب رشد شهرنشینی و توسعه شهرها و گسترش کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهرها قانون بلدیه را می‌بایست از جمله قوانین مهم و بنیادین تلقی کرد.^۸ این قانون در اولین مرحله از تحولات تاریخی خود و پس از انجام یازدهای اصلاحات در سالهای ۱۳۰۹، ۱۳۲۰ و ۱۳۳۱ در تاریخ یازدهم تیرماه ۱۳۳۴ با عنوان «قانون شهرداری» به تصویب کمیسیونهای مشترک مجلسین شورای ملی و سنا رسید. این قانون با انجام یازدهای اصلاحات، الحاقات و موارد نسخ‌شده درحال حاضر نیز ملاک عمل قانونی نظام مدیریت شهری کشور است.

از منظر جامعه‌شناسی تاریخی حقوق، تغییرات حقوقی مستمر در قانون شهرداریها (مصوب ۱۳۳۴) بی‌ارتباط با دگرگونیهای نظام حقوقی کشور نبوده است

از منظر جامعه‌شناسی تاریخی حقوق، اولین حقوق موضوعه مدون ایران (۱۲۸۶ خورشیدی / ۱۹۰۶ میلادی) «قانون و مقررات شهرداریها» است

سه رویکرد علمی به بررسی حقوق شهری عبارت است از: رویکرد حقوق دکماتیک و معرفت‌شناسی حقوق، رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی حقوق شهری و رویکرد جامعه‌شناسی حقوق شهری

بررسی جامعه‌شناسی تاریخی قانون شهرداریها بیانگر ایجاد تغییرات حقوقی در این قانون است. به‌عنوان نمونه، طی دوره‌های مختلف قانونگذاری (از ۱۲۸۶ تا ۱۳۴۵) بیش از ۲۵ قانون (به‌صورت مستقیم) راجع به شهرداریها با اصلاحات متعدد وضع شده است. توزیع وضع این قوانین طی این دوره‌ها بدین صورت است: ۱۲۸۶ تا ۱۳۱۰، ۳ قانون؛ ۱۳۲۰، ۴ قانون؛ تا ۱۳۵۰، ۶ قانون و سرانجام تا ۱۳۴۵، ۲۰ قانون. از جمله قوانین برجسته‌ای که طی دو دهه اخیر (۱۳۵۰ - ۱۳۷۰) وضع شده است، می‌توان به قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری (۱۳۵۱/۱۲/۲۲)، قوانین اصلاحی مربوط به قانون نوسازی و عمران شهری (۱۳۵۱/۳/۱۷) و ۵۵/۱۱/۱۹ و ۵۸/۶/۸، قانون اصلاح یازدهای از مواد قانون شهرداری (۱۳۵۴/۳/۲۹)، لایحه قانونی راجع به لغو برخی از مواد اصلاحی قانون شهرداری (۱۳۵۹/۴/۲۴)، قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور (۱۳۶۱/۹/۱) و سرانجام قانون اصلاحی آن (۱۳۶۵/۴/۲۹) اشاره کرد.^۹

علاوه بر قوانینی که به‌صورت مستقیم راجع به شهرداریها وضع شده، در حدود صد قانون دیگر نیز تدوین شده که بر روی قانون شهرداریها تأثیرگذار بوده و سازمان و حدود اختیارات و وظایف شهرداریها را تحت تأثیر قرار داده است.^{۱۰} براساس «فهرست نمای تاریخ قوانین شهرداری» نیز تعداد ۳۳۶ قانون (که به‌نحوی با قانون شهرداری مرتبط است) طی سالهای ۱۲۸۶ تا ۱۳۷۲ وضع گردیده است.^{۱۱}

این تغییرات حقوقی و وضع قوانین متعدد در زمینه قانون شهرداری از دو جنبه قابل توجه است: الف - انعطاف‌پذیری قانون شهرداریها از جهت پاسخگویی به نیازهای جدید و انطباق با پدیده‌های شهری نوپدید؛ ب - بی‌ثباتی و نزلت قانون شهرداری از حیث تغییرات حقوقی. اگرچه از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی، بی‌ثباتی و نزلت در قوانین و مقررات شهرداری یکی از موانع نهادینه‌شدن حقوق شهرداری و نظام روابط شهروندان و شهرداری به‌عنوان دوسوی رابطه متقابل حق و تکلیف در حقوق شهرداری و بی‌سامانی در نظام مدیریت و اداره شهر است.^{۱۲} با وجود این، انعطاف‌ناپذیری قانون شهرداری نیز به‌نوبه خود می‌تواند کارایی و انطباق‌پذیری این قانون با پدیده‌های شهری و مسائل حقوقی شهری نوپدید را در معرض سؤال قرار داده و به فرایند قانونمندکردن نظام مدیریت شهری کشور آسیب وارد نماید. ♦

۸. درجستجو در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران.
 ۹. درجستجو در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران.
 ۱۰. کسب‌نامی سوزوری، طبرستان، مشهد.
 ۱۱. کسب‌نامی سوزوری، مشهد.
 ۱۲. بررسی قانون شهرداری، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، تهران، ۱۳۷۲.
 ۱۳. درجستجو در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران.
 ۱۴. کسب‌نامی سوزوری، مشهد.

کویر! جسارتی بایسته باید تاموبه‌های موسیقایی این درباری مخیل و سیال، در عمق جانت ریشه خوانند و بهشت سوزان روز و ستارگان برفریاد شبانش، لختی دردهودت را تسکین دهد، زلالی و خشکای «قنات» اش چون لوک مست سرقطار راهیت کند و درون فضای رازآلود «بادگیر» اش به سمع ات کشاند و بی خویشت کند...

بهن دشتهای سوخته کویر مرکزی ایران، بیش رویت رخ می‌نماید. هول و هراس، بی‌رامونت جعبه می‌زند، طبیعت خشک و گاه فراخشک، طوفان شن با سرعتی معادل ۱۲۰ کیلومتر در ساعت... آماده آن سو، چیزی که آرام و قرار از تو می‌برد و تو آن را «شعر» انسان کویری می‌بینی در پهنه هستی یا «ترجمه‌یافته» هایی که گریه منحصر به آنجا نیست، اما آنجا نیز از این نمادهای مقدس بی‌تصیب نمانده است: قنات، یادگیر، آبشار، «بزد» را می‌گویند. شاید ترجمان فردریک جازلز ریچاردز (نقاش، حکاک و عضو کالج سلطنتی انگلستان، که حدود ۸۰ سال قبل به ایران آمده است) سختیها و خطرات این سفر را - که به گفته او کمتر سیاحتی آن را به جان خریدده است - به خلافتی ماندگار تبدیل نماید و کیفیت نگاه تو را چون خود او، منحصر به فرد نماید. در نگاه او، بزد یعنی «قایل ستایش» و «مبارک».

تمامی سیاحتی که از این شهردین کرده‌اند، به قدمت و وسعت آن اشاره نموده و آن را شهری با هویت و اصالت دانسته‌اند.

قدمت بزد از عهد باستان نیز فراتر می‌رود و تولد آن به پیش از تاریخ مدون ایران و اساطیر این سرزمین

پانویس

۱- مسعودی، حمدانی، از سفرنامه‌های مسعودی تا جغرافیای مسعودی در کویر، انتشارات پارس، تهران، ۱۳۶۰، ص ۶۶

بزد؛

مخملی کندمگون در کویر مرکزی ایران

♦ غلامرضا طالبی

می‌رسند برخی، بنیاد آن را به اسکندر مقدونی نسبت داده‌اند و معتقدند «زندان اسکندر» و «زندان دیوالقبرین» همینجا است. ریچاردز در توجیه این زندان می‌گوید بدون شک، دور افتاده بودن این شهر موجب این شهرت گردیده است. حمله‌های این زندان را صحرای غیرقابل عبور شن، گرما و تشنگی تسکین می‌دهد.

عده‌ای هم بزرگ‌دزد اول را بلای یزد می‌دانند و وجه تسمیه شهر را نیز به او نسبت می‌دهند. در میان سیاحان، ریچاردز نگاهی ژرف و قابل تلقی به یزد دارد و در مقایسه با شهرهای بزرگ ایران، این شهر را بیش از اغلب آنها حافظ هویت خود می‌داند. او با وجودی که در شهر بزرگی مانند یزد، تردد و مرادده با افراد بیگانه را امری عادی می‌شمرد، اما تعجب می‌کند که هنوز مردم این شهر، قنری، با سوءظن به افراد بیگانه نگاه می‌کنند. با وجود این، برای یزد احترام خاصی قائل است و ستایش ویژه‌ای از ساکنان آن و دست‌آوردهای خاص این منطقه می‌کند.

حدود هفت قرن قبل، مارکوپولو از یزد عبور کرده است و آن را شهر بزرگی یافته که از نظر تجارت، مال و ثروت، نقطه مهمی بوده است. پنج قرن پس از او، کاپیتان کورسی به یزد می‌رود و شهر را آنچنان می‌بیند که او دیده بود. او یزد را بزرگترین نقطه تجاری ایران و زن بازرگانی میان هندوستان، خراسان، بغداد و بیابان می‌داند. صحرای شن و یک سلسله کوهستان در مجاورت این شهر، سخن به میان می‌آورد. امنیت کافی و جمعیت زیاد، خصوصیات دیگری است که در توصیف یزد ذکر می‌کند.

تاورنیه، یکی از بزرگترین سیاحان قرن هفدهم، یزد را قرمه یا شهری بزرگ در میان شتر می‌داند و تأکید می‌کند که بهترین سفر در این منطقه، داشتن راهنما ضروری است زیرا با تشنگی و بی‌پایه شدن آنها جانها

می‌شوند، زمین و صحرا تغییر شکل می‌یابد و جاذبه پنهان می‌شود. خطر گم‌کردن راه و پرت‌شدن در سوراخهایی که از آب‌انبارهای متروک یا آثار و ابنیه مخروبه، ایجاد شده، پیش‌روی مسافر است.^۱
 این بطوطه، این شهر را بسیار نیکو و پاکیزه توصیف می‌کند که دارای بازارهای عجیب و جویبارهای فراوان و درختان سرسبز است. او مردم آن را غالباً بازرگان و شافعی‌مذهب می‌داند.^۲
 گاسپار دروویل، یزد را جزئی از ایالت فارس می‌داند که با یک خان درجه دو اداره می‌شود و تابع حکومت شیراز است.^۳

مارکوپولو، بین آخرین آبادی تا یزد، راه هشت روز راهیمایی در صحرا می‌داند که در آن فقط سه محل برای اتراف مسافران وجود دارد. او می‌گوید: «جاذبه از وسط پیشه‌های بزرگ نخل، عبور می‌کند. در این نخلستانها همه‌جور شکار از قبیل آهو، کبک و بلدرچین وجود دارد. الاغهای وحشی (گورخر) نیز... به مقدار زیاد دیده می‌شود».^۴

در روزگار ریچاردز، کیفیت جاذبه‌ها تا حدودی سامان یافته است. او به شوروشوق جاذبه‌سازی در ایران اشاره می‌کند و با وجودی که از دشت لوت با تعبیر «منطقه خالی و غدار» یاد می‌کند و همین امر را علت کمی مسافرت اروپاییان به یزد می‌داند، می‌گوید: «یزد، از یک لحاظ خوشبخت است و آن این است که جاذبه اصلی که به کرمان و به جنوب می‌رود، از بیرون دروازه‌های آن می‌گذرد و در نتیجه، یزد به صورت یکی از جالب توجه‌ترین شهرهای ایران درآمده است».^۵

تاورنیه از باغها و میوه‌های اعلا که میانه تزار و شهر در وسعتی از خاک مناسب که موجود است، ستایش می‌کند.

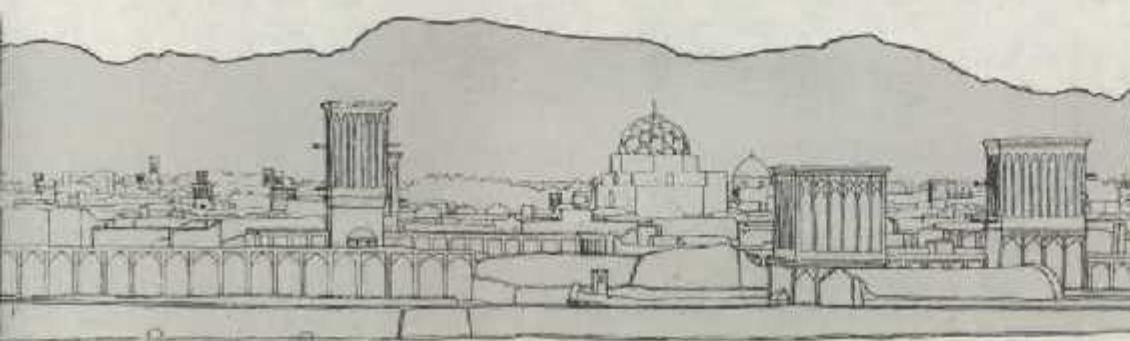
باربارو، به‌مختار پیرامون شهر - که پنج میل است - و دارای حومه‌های بسیار وسیع است، اشاره می‌کند.^۶
 یا به درون شهر می‌گذاریم. یادگیرها که به تعبیر ریچاردز «رینه»‌های شهر هستند، ورود ما را خوشامد می‌گویند. آب‌انبار شش‌بادگیری آن - که تلفیقی از دو سمبل عمده در معماری سنتی یزد، یعنی بادگیر و آب‌انبار است - سر بلند و پرافتخار و اندکی مغرور شاید، با در خاک و سر در آسمان ایستاده است.

بافت معماری سنتی یزد، با برخورداری از گل و خشت خام (خاک رُس مرغوب و فراوان در منطقه) به‌عنوان عنصر اصلی در امر ساختمان‌سازی، این منطقه را عاری از هرگونه مشکل شکل کرده است. این، اما، در نظر ریچاردز به گونه‌ای دیگر جلوه می‌کند. او یزد را شهری زیبا نمی‌داند؛ چون بناهای آن از خشت و گل ساخته شده است.
 از میان سفرنامه‌نویسان غیرایرانی، ریچاردز تنها ستاچی است که یزد را به دقت مشاهده کرده و در آن به تحقیق پرداخته است. بنابراین، رشته سخن به او می‌سیاریم و یزد را در فکر و احساس او می‌کاوییم:

«ساختارهای شهر، همه دارای یادگیر است... در این شهر، یک کلیسا وجود دارد... ساختمان این کلیسا زیبایی خارق‌العاده‌ای دارد. در ایران به‌ندرت بنای جدیدی یافت می‌شود که بتوان آن را چنین بی‌دریغ مورد تحسین قرار داد. مطمئناً معماران انگلیسی برای اینکه این کلیسا از گل ساخته شده از تحسین کردن آن خودداری نخواهند کرد. طرح آن، طرح باستانی صلیبی است. کلیسای مزبور، دارای گنبد زیبایی است و آنچه به آن کاملاً منظره یک کلیسا را می‌دهد یادگیر کوچکی است در قلب صحرا.

در یزد... حرفه شیشه‌آنداختن به پنجره - یعنی شیشه‌های کوچک رنگی، که به‌شرفت زیادی کرده بود - متأسفانه بر اثر سستی و تبلی... روبه زوال می‌رود. در اغلب خانه‌هایی که آنها را خراب می‌کنند یا به‌جای آنها جاذبه‌های جدید بنا می‌کنند، این نوع «ارسی»‌های زیبا دیده می‌شود.
 در مقایسه با سایر شهرها، زندگی مردم شهر یزد کمتر تغییر کرده است، حتی خانه‌های اروپاییان تحت تأثیر

- ۱- سفرنامه مسفرنامه تاورنیه، ترجمه ابراهیم توری، تجدید نظر و تصحیح حبیب شیرازی، انتشارات کتابخانه سنایی و کتابفروشی تأیید مسفران، چاپ دوم، ص ۱۲۱
- ۲- این بطوطه، مسفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۲۷، ص ۸۸
- ۳- گاسپار دروویل، سفر در ایران، ترجمه مسعود احمدی‌نقدی، انتشارات شیرازی، چاپ اول، ۱۳۲۲، ص ۲۶۵
- ۴- مارکوپولو، مسفرنامه مارکوپولو یا مقدمه جان ماسفادر، ترجمه حسین‌الله حسینی، نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۲۰، ص ۴۴
- ۵- فریدریک چسترن ریچاردز، مسفرنامه فریدریک چسترن ریچاردز، ترجمه معین‌دخت سعید، نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۲۲، ص ۱۵۱
- ۶- به نقل از مسعود تاورنیه، ما کزوان تاریخ امروزی و تاریخچه سفر و سیاحت در ایران از پاکستان تا امروز، چاپ اول، ۱۳۲۰، ص ۱۲۷
- ۷- فریدریک چسترن، همان، ص ۱۶۵ و ۱۷۸
- ۸- بلکوب، اولد، پرلاک، مسفرنامه پولاد، تهران و ارومیه، ترجمه کیکاووس جهانبازی، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ اول، ص ۶۶
- ۹- تاورنیه، همان، ص ۱۲۱
- ۱۰- به نقل از مسعود تاورنیه، همان، ص ۱۲۷
- ۱۱- فریدریک چسترن، همان، ص ۲۶
- ۱۲- مقدمه خاسته‌های همان، ص ۵۲ و ۵۳



سبک معماری ایرانی قرار گرفته. به واسطه کمبود چوب و الوار در خانه‌های این محل، قفسه زیاد یافت نمی‌شود ولی هر یک از دیوارهای یک اطاق، محتوی سه یا چهار طاقچه می‌باشد که کار طبقات قفسه را انجام می‌دهد؛ این طاقچه‌ها معمولاً در ارتفاع سه یا چهار پا از کف اطاق ساخته می‌شوند ایرانیان از این طاقچه‌ها برای جای دادن قلیان و سینی‌های برنجی مخصوص چای، استفاده می‌کنند؛ در صورتی که اروپاییان آنها را به عنوان انبار اشیاء نفیسی که از بازار خریده‌اند، مورد استفاده قرار می‌دهند. بعضی از اوقات نیز آنها را با خورجین‌های ایرانی فرش می‌کنند و به‌عنوان قفسه کتاب از آن استفاده می‌کنند. این طاقچه‌ها غیر از صرفه جویی در میزان مصرف خشت در ساختمان خانه، از لحاظ معماری نیز جنبه تزیینی دارد.

در میدان کوچک، در نزدیکی بانک، حوض یا مخزن بزرگی قرار دارد که تمام آن میدان را فرا می‌گیرد و موجب می‌شود که این قسمت از شهر یزد مثل «ونیز مشرق زمین» به نظر بیاید، البته با سایه‌های تاریکتر و اسراف‌آمیزتر. در ایامی که مردم ایران، عمامه بر سر می‌گذاشتند و البسه‌های با رنگ روشن‌تر در بر می‌کردند و آتش‌پرستان، جامعه یزد می‌پوشیدند بدون شک، این میدان... منظره زیبایی داشته است. هم‌اکنون نیز مملو از چیزهای دیدنی است.^۸ بازارهای یزد و به‌طور کلی، بازارهای ایران، جز «زیباترین جنبه‌های زندگی مردم این مرزوبوم به‌شمار می‌روند؛ جذاب و فریبتده».

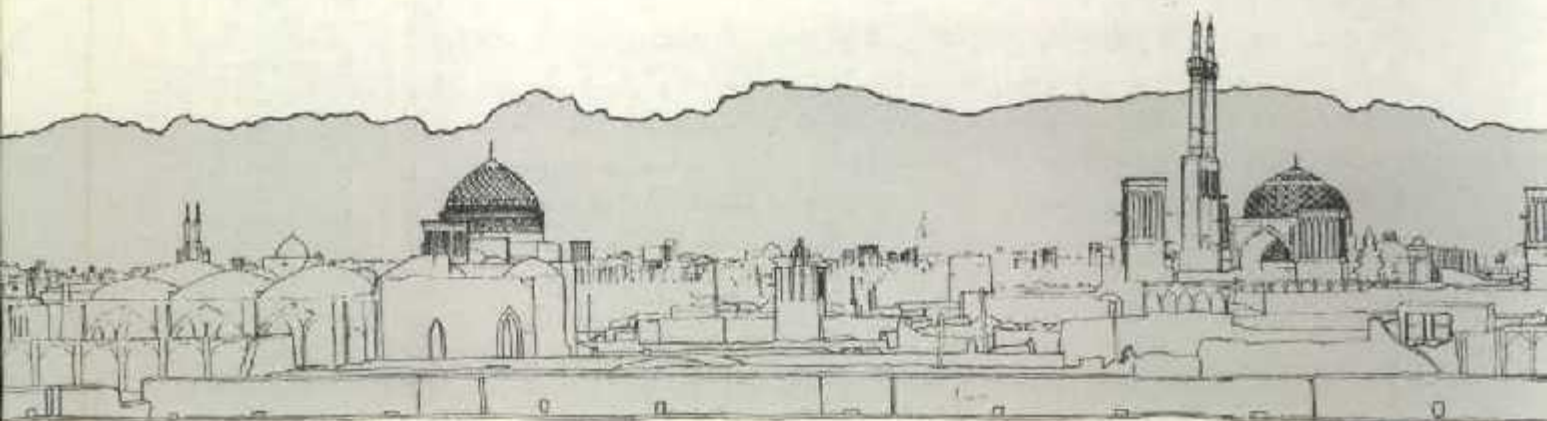
یاکوب ادوارد پولاک، می‌نویسد: «به موجب یک رسم قدیم، پیشموران یک رشته خاص، برای خود بازاری را در اختیار دارند و همچنین بازرگانان اهل یک شهر معین صنعتی، مثلاً یزد... در کاروانسرای معین سکنا گرفته‌اند».^۹

تاورنیه در همین مورد می‌گوید: «در این شهر، سه کاروانسرا و چندین بازار هست. بازارها مسقف... و پُر از دکاکن، تجار و صنعتگران هستند و امتعای که در دکاکن دیده می‌شود، تقریباً همه‌جا یکسان است».^{۱۰} باربارو، می‌نویسد: «هنگامی که بازرگانی برای خرید کالا به این شهر می‌آید در یک «فونداجو»^{۱۱} بزرگ [fondaco] سرای بارانداز تجار و بازرگانان] فرود می‌آید، که در پیرامونش حجره‌ها و در میانش فضای چهارگوش کوچکی است یا دکانها و دو در که در برابرش زنجیر کشیده‌اند تا اسبها از میان آنها نگذردند. آن بازرگان و شریکانش اگر با محلی آشنا باشند در آنجا فرود می‌آیند و گرفته، در هر یک از این حجره‌ها که بخواهند می‌نشینند. مساحت هر حجره، شش پای مربع است و اگر این عده عبارت باشند از جمعی تاجر - که هر یک به دادوستد کالای گوناگون اشتغال دارند - هر یک در حجره‌های خاص خود فرود می‌آیند... شهر هر روز به دو خروار ابریشم نیاز دارد که به حساب ما بالغ بر ده‌هزار بار است».^{۱۲}

ریچاردز، بازارهای ایران را در ردیف مطبوع‌ترین و وسیع‌ترین باشگاه‌های جهان می‌داند و می‌نویسد: «بازار، رویهمرفته، یک شهر مسقف بدون نقشه را تشکیل می‌دهد. پیچ‌وخمهای آن، نظریه نویسندگان و معماران تازه‌جویی را در نظر مجسم می‌کند که ساختمان خیابانهای مسقفی را برای آینده پیشنهاد می‌کنند».^{۱۳} حیاتی‌ترین مسئله برای یزد «آب» است، آب همه مسایل شهر را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. در اینجا امید و یأس، هر دو، به بود و نبود آب بستگی دارد. ریشه عمیق‌ترین اختلافات این شهر، حتی در رده مدیران، به‌تجوی به آب برمی‌گردد».^{۱۴}

فرایند جستجوی آب در کوهستان، هدایت آن به شهر و مهار کردن آن در آب‌انبارها، تجلی روح شکلیا و بردبار این مردم است. ریچاردز، این نیاز و تلاش را به دقت دنبال کرده و در مورد سیستم قنات - که شریاتهای حیاتی محسوب می‌شوند - به تفصیل سخن گفته است:

«در ایران، چیزهای عجیب و شگفت‌آور بسیار دیده می‌شود، ولی شگفت‌آورترین و عجیب‌ترین آنها قناتهای



آن است. قنات مخصوص ایران و چیزی است که مسافر مغرب زمین هرگز مشاهده نکرده است. زندگی اغلب مردم ایران به این قنات‌ها بستگی دارد. اشخاصی که به ساختن این قنات‌ها مبادرت می‌ورزند، از مہین پرست‌ترین افراد ایرانی به‌شمار می‌روند و قهرمانانی هستند که مورد مدح و تحسین قرار گرفته‌اند. هزینه ایجاد این قنات‌ها بسیار است.

ابتدا یک «مقنی‌باشی» مأمور حفر چاه می‌شود. ابزار و آلاتی که در ایجاد قنات‌ها توسط اشخاصی که حرفه آنها حفر قنات است به کار می‌رود، بسیار مختصر و ساده می‌باشد. این شخص (مقنی‌باشی) معمولاً وجود احتمالی چشمه‌ای را در پایین کوه - یعنی محلی که آبهای برف در زمین نفوذ کرده است - حدس می‌زند و یا معلوم می‌کند و بعد چاهی را - که «مادر چاه» می‌نامد - در اینجا به وجود می‌آورد. سپس کار در قسمت دیگر که آب مورد نیاز است شروع می‌شود. بین این دو نقطه، یک ردیف چاه حفر می‌شود و به این ترتیب، قنات نه فقط متصل می‌گردد، بلکه تهویه و تصفیه هم می‌شود. چاه اول یا چاه اصلی ممکن است تا چهارصد یا عمق داشته باشد... و این کار باید همچنان ادامه یابد تا آخرین چاه به سطح دست برسد... باوجود شب قنات، چاه‌ها را با استفاده از یک شاقول معلقی کاملاً عمودی حفر می‌کنند. این سرانجیب، طوری محاسبه و پیش‌بینی شده است که آب قنات به مقصد خود، یعنی سطح زمین - که معمولاً چندین میل یا کوه فاصل دارد - جریان پیدا می‌کند... ساختن قنات، پایان کار به‌شمار نمی‌رود و دائماً باید موانعی را که در راه آن پیدا می‌شود از میان برداشت^{۱۴}.

ریچاردز - که خود از مردم مغرب‌زمین است - می‌گوید: «قنات‌های یزد موجب می‌شود که مردم مغرب‌زمین، خود را کوچک و حقیر فرض کنند. معماران این قنات‌ها مستحق دریافت تاج افتخار و برگ غار، هر دو، [که در روزگار قدیم، به جنگاوران، شاعران و خنیاگران نامی آنها می‌گردید] می‌باشند»^{۱۵}.

ریچاردز، اشاره می‌کند که اروپاییان معمولاً از قنات خاص خود استفاده می‌کنند و یا جزء اولین کسانی هستند که از آب قناتی که به باغ آنها می‌آید، بهره می‌جویند. او سپس یکی دیگر از جنبه‌های زندگی شهر یزد را توضیح می‌دهد و می‌نویسد: «جالب توجه‌ترین و باشکوه‌ترین آثار معماری یزد مسجدهای آن نیست، بلکه آب‌انبارهای آن است. آب‌انبار در زیر زمین واقع شده و راه دخول به آن، یک ردیف پلکان طولانی و تاریک است. آب‌انبارها معمولاً در مجاورت مساجد واقع گردیده و طرح آنها نیز شبیه طرح مساجد می‌باشد. این رشته پلکان، شبیه پلکان مدخل ایستگاه راه‌آهن زیرزمینی است. این آب‌انبارها یا یادگیرهایشان - که برای خنک کردن آب تعبیه شده - مورد تحسین خارجیان می‌باشد. در یزد حدود چهل آب‌انبار یا مخزن آب وجود دارد که آب مصرفی شهر یزد را برای یک سال ذخیره می‌نماید.

مردها آب را به وسیله مشک از این آب‌انبارها به خارج حمل می‌کنند. این مخازن آب، هر سال در فصل زمستان پر می‌شود و آب در آنها به‌طور شگفت‌آوری خنک می‌ماند. اغلب آب‌انبارهای شهر یزد توسط پادشاهان سلسله صفویه ساخته شده و از محل موقوفات آنها تعمیر می‌شود. می‌گویند از بنای یکی از آب‌انبارها ۴۰۰ سال می‌گذرد. آب‌انبارها به وسیله ۶۰ تا ۷۰ قنات - که در فاصله کوه و این آب‌انبارها قرار گرفته و از صحرا عبور می‌کند - فراهم می‌گردند»^{۱۶}.

زرتشتیان شهر را نباید فراموش کرد. یزد، در نزد آنان شهر مقدس است و دارای حرمت و احترام خاصی است^{۱۷}. ریچاردز می‌گوید: «آتش پرستان را در شهر «گیر» می‌نامند... در یزد... هنوز آتش مقدس بر روی سه پایه مخصوص افروخته است. این منظره جالب توجه و قدیمی را کسی جز پیروان این مذهب نمی‌تواند مشاهده کند». گاسپارد دروویل، به‌وجود گیرهایی اشاره می‌کند که به هندوستان مهاجرت نکرده و در یزد ساکن شده‌اند، لذا مورد اذیت و آزار قرامی‌گیرند.

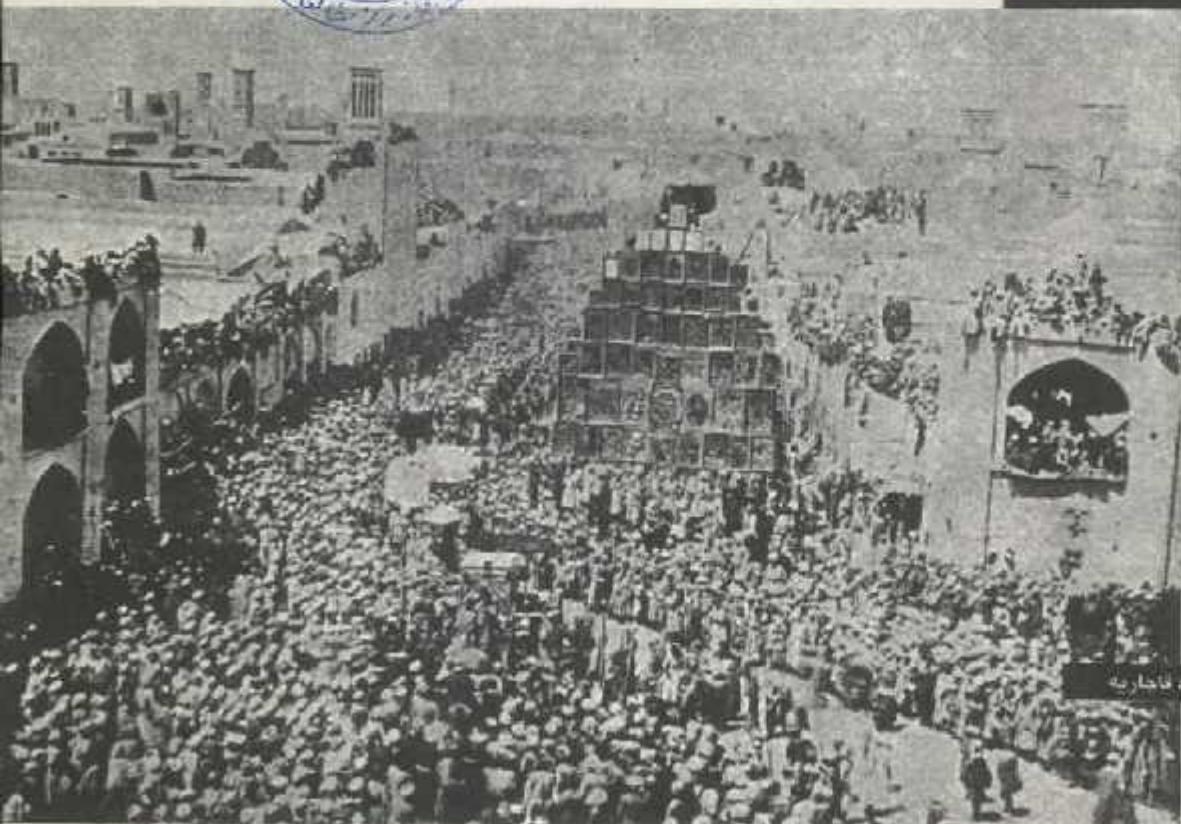
یولاک می‌نویسد که زرتشتیان از امام علی (ع) فرمان آزادی دارند و این فرمان در یزد موجود است. او اشاره می‌کند که یارسیان هند از آنها حمایت می‌کنند و گزته تاکنون قطع‌وقوع شده بودند. یارسیان هند هر سال مقادیر قابل توجهی پول برای ایشان می‌فرستند تا بتوانند باج لازم را به حکام بپردازند و توقعات آنها را ارضا کنند.

در خارج شهر، در آن دورها، بر فراز تپه‌ای، چیزی نظیرمان را جلب می‌کند؛ شهری بر روی تپه‌ای؛ یک تاریخ شاید از یک شهر؛ برج یا دخمه خاموشان. ریچاردز می‌نویسد: «در یک فاصله چند مایلی از شهر یزد، در محلی که صلح و آرامش در کوه‌ها حکمفرماست، برج بزرگی با ارتفاع زیاد در سکوت و هوای پاکیزه صحرا برپا ایستاده

۱۴- فوسو، ریسپارتز، همان‌جا، ص ۱۵۲، ۱۵۳.
 ۱۵- فرد ریچاردز، همان‌جا، ص ۱۶۶.
 ۱۶- فرد ریچاردز، همان‌جا، ص ۱۶۰.
 ۱۷- محمد حامد شمس‌الدین، همان‌جا، ص ۱۱.
 ۱۸- فرد ریچاردز، همان‌جا، ص ۱۶۲.
 ۱۹- فرد ریچاردز، همان‌جا، ص ۱۷۰.

است... در آنجاست که آتش پرستان، اموات خود را دفن می‌کنند. در کنار برج، در کوچکی است که آن را باز می‌کنند و دو تن زرتشتی یا آتش پرست - که مخصوص انجام دادن این کار می‌باشند - میت را بر کف برج قرار می‌دهند. میت در این محل، تنها می‌ماند تا برندگان که دائماً مراقب و مواظب هستند، یعنی لاشخورهای غول آسا، از آسمان بیایند و بدن مرده را پاره پاره کنند و گوشت آن را بخورند و استخوانهای آن را بگذارند تا در گودال پایین بیفتند. در پای تپه‌ای که دخمه بر روی آن بنا شده است ده کوچکی با پرستگاه‌هایی که دارای سفهای کوچک گنبدی شکل است قرار دارند که زرتشتیان قبل از انتقال اموات به بالای برج، مراسم مذهبی را در این محل انجام می‌دهند»^{۱۸}.

شب فرارسیده است؛ گاه استراحت و آرامش. اما گویی هنوز ریچاردز مطلبی برای گفتن دارد: «بعد از شام، رنگ صحرا - که هم‌رنگ گندم است - به رنگ عاج درمی‌آید و آسمان مانند قطعه مخمل تیره رنگ بدون درز جلوه‌گر می‌شود... هلال ماه در لایه‌ای درختان می‌ریزد و طرحهایی شبیه تفره مشبک قدیمی ایجاد می‌کند. چراغهای شهر بزد چشمک می‌زنند و زوزه اولین شغال اعلام می‌کند که وقت رفتن به‌خانه و خوابیدن فرا رسیده است»^{۱۹} ♦



بزد - دوره فاجعه

مرکز ارتباطات بین المللی

تهران

چهارمین برج مخابراتی دنیا در تپه‌های گیشا

♦ آتوساروش

بزرگراه شهید همت

اینکه ما باز هم رتبه چهارمی را در دنیا کسب می‌کنیم جای خوشبختی است! اما از داشتن رتبه چهارمین شهر آلوده دنیا و چهارمین پایتخت گران دنیا - به لحاظ اقتصادی - تا کسب رتبه چهارم در برج‌سازی فاصله بسیاری وجود دارد. اینکه ما این فاصله را چگونه طی کرده‌ایم شاید برای بسیاری اهمیت چندانی نداشته باشد، اما هنوز هستند کارشناسان زیادی که معتقدند اگر ما بعد از کانادا، چین و مالزی در رده چهارم ساخت‌وساز برج قرار گرفته‌ایم در مقابل در مقایسه با درآمد سرانه، رشد اقتصادی و بسیاری عوامل دیگر چندین و چند رتبه پایینتر قرار داریم.

دست‌اندرکاران تهیه طرح و ساخت برج مخابراتی، بشدت معتقدند برج و مجموعه همایشها که اکنون کم‌کم در تپه‌های گیشا اوج می‌گیرد، علاوه بر یک سازه ماندنی و ملی - که سمبل نظام و توانایی مهندس آن است - در ظرف کمتر از، باز هم چهار سال، کلید هزینه‌های صرف‌شده را برگشت خواهد داد و به درآمدزایی برای نظام خواهد رسید. اینها بهانه‌ای شد تا گزارشی از این برج مخابراتی - که اکنون به حدود ۱۵۰ متر رسیده است و با این پیشرفت در فاصله اندکی می‌توان آن را در هر نقطه تهران دید - تهیه شود.

سختی و هماهنگی لازم با پدیده کلیدی عصر حاضر که پیشرفت جامعه بدان وابسته است، یعنی ارتباطات، باشد. در واقع به این وسیله، جنبه نمادین طرح و عملکرد مثبت آن در زمینه رفع مشکلات ارتباطی شهر درهم آمیخته شد و منجر به طراحی سازه‌ای چندمنظوره یعنی برج مخابراتی - تلویزیونی تهران گردید. در طراحی اولیه ما پیشنهاد شده بود که پروژه فوق تبدیل به یک «مجموعه عملکردی» و «مرکز شهری» فعال گردد؛ مرکزی که تفاوت کلی با مراکز فعلی داشته باشد و در سطح شهر، فراشهر و سطح ملی و منطقه‌ای عملکردی متفاوت ایفا نماید، طرح مورد قبول واقع شد و ما به شکل جدی وارد پروژه شدیم.

طرح برج مخابراتی - تلویزیونی از کجا آغاز شد؟

محمدرضا حافظی، مدیر تیم طراحی و معماری پروژه برج مخابراتی - تلویزیونی تهران، به این سؤال این‌گونه جواب می‌دهد: در سالهای ۶۹ و ۷۰ از طرف شهرداری تهران از متخصصان دعوت شد که برای ساخت یک سازه مرتفع نمادین، طرحهای خود را ارائه نمایند. پیشنهاد ما این بود که کاربری ارتباطی در طرح یادشده گنجانده شود و بدین سان در جهت رفع مشکلات و نیازهای ارتباطات شهری تهران بزرگ اقدام شود. به نظر ما این پروژه در صورتی موفق خواهد بود که به‌عنوان یک عنصر نمادین، دارای

سیستم جدید در سازه

ساخت برج مخابراتی که عملیات ساخت و ساز آن در تپه‌های گیشا در حال اجرا است، قرار است چهارمین برج مرتفع دنیا باشد. ساخت این برج و مجموعه همایشها با ارتفاع ۴۲۲ متر از حدود سال ۱۳۷۵ آغاز و در طی این دوران افت و خیزهای بسیاری از سر گذرانده است. با اوج‌گیری بحران در مدیریت شهری تهران و دستگیری تعدادی از مدیران شهرداری، عملیات ساخت و ساز این مجموعه تا سرز تعطیلی پیش رفت، اما هیچگاه تعطیل نشد. در حال حاضر بخش اصلی ساخت مرکز بین‌المللی همایشها به پایان رسیده و ارتفاع برج به حدود ۱۵۰ متر بالغ گشته است.



محمدرضا حائقی

افزایش اطلاعات و ارتباطات، تقاضای کور گیرنده‌های تلویزیونی را پوشش دهد، دستگاه‌های تلفن سیار را به انبساطی مفیدتر تبدیل نماید و به‌عنوان یادمانی ملی برای نسلهای آینده باقی بماند.

آل اسحاق، مدیر روابط عمومی و بهره‌وری شرکت یادمان سازه درباره اهمیت و ویژگی مرکز ارتباطات و همایشهای بین‌المللی می‌گوید: در زمان برگزاری اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران شاهد بودید که شهر چندروز تعطیل بود و این تعطیلی در روند زندگی مردم اختلالهایی ایجاد کرد. ما در ساخت این سازه علاوه بر استحکام، بحث تناسب جایگاه را نیز در نظر داشتیم.

مرکز همایشها حدود ۱۵۰۰ نفر ظرفیت پذیرش میهمان دارد که شامل یک سالن اصلی و ۸ سالن فرعی است. این مرکز با ۵۰ هزار مترمربع زیربنا دارای ۳ طبقه پارکینگ، هتل ۱۷ طبقه و دارای ۵۰۰ اتاق است. این هتل یک هتل پنج ستاره محسوب می‌شود که ۳ طبقه آن کاربری دیپلماتیک دارد. بدین معنا که طبقات دارای آپارتمانهایی هستند که به شکل سوئیت برای اقامت مقامهای سیاسی در نظر گرفته شده است. این مجموعه ۸۰ هزار مترمربع زیربنا دارد. مرکز تجاری در ۹ طبقه طراحی شده و ۲۱۶ هزار مترمربع زیربنا دارد. این طرح ضمن تجمع بخشهای تجارت خارجی از جمله گمرک، بیمه، بانکها، اتاق بازرگانی، وزارت بازرگانی، صدور مجوزها و بسیاری مراکز دیگر در یک محل، امکان دسترسی مراجعه‌کنندگان به آنها را بسیار آسان می‌کند.

وی درباره پیشرفت کار و سرعت عملیات می‌گوید: ۹۵ درصد عملیات اجرایی آن به پایان رسیده است. جالب اینکه بدایت آن از سال ۱۳۷۶ - که کلنگ این کار به زمین زده شد - در طول ۳ ماه و نیم حدود ۶۵ درصد کارها انجام شد؛ اما بعد از جریانات شهرداری تهران و کاهش اعتبارات، اجرای احداث پروژه مرکز همایشهای بین‌المللی از شتاب افتاد، تحرک آن کمتر شد، اما کاملاً متوقف نشد. هتل پنج ستاره از طریق تونلهایی به مرکز همایشها راه دارد و از ضریب امنیتی بالایی برخوردار است. از طرف دیگر این مجموعه در بین چهار بزرگراه شیخ فضل‌الله نوری، شهید همت، رسالت و بزرگراه شهید چمران واقع است که ضمن ایجاد امنیت بالا از توانایی برقراری ارتباطات بالایی نیز برخوردار است.

سعید چشمه‌کانی درباره تکنیک به‌کارگرفته شده در ساخت برج می‌گوید: تجربه نشان داده است که استفاده از قالب لغزنده (Slip Form) کارآمدترین روش اجرای سازه‌های بتنی مرتفع با مقطع و ضخامت دیواره متغیر، همانند برجهای تلویزیونی، برجهای خنک‌کننده، دودکشها، سیاهوا، برجهای آب، سکوها، دریایی و... است؛ اگرچه با کمک این روش می‌توان سازه‌های خاص دیگری را نیز در سریعترین زمان ممکن با دقت کافی و با صرف کمترین هزینه و نیروی انسانی اجرا نمود.

او در مورد سیستم قالب لغزان اینگونه توضیح می‌دهد: برجها و دودکشها با ارتفاع بیش از ۲۰۰ متر عموماً توسط روش قالب لغزان اجرا می‌گردند. سرعت کار در این روش بسیار زیاد و در حدود ۴۰ متر در هفته است. بنابراین بدنه یک برج بلند را با این سیستم می‌توان در حدود دو ماه اجرا نمود. در این روش بتن‌ریزی به‌طور پیوسته انجام می‌گیرد و قالب توسط تعداد زیادی جک که در محیط پیوسته نصب می‌شوند به بالا حرکت می‌کند، سرعت حرکت قالب به بالا به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که بتن در پایین قالب نسبتاً سخت شده باشد. ارتفاع قالب حدود یک تا یک و نیم متر بوده و به‌همراه بتن‌ریزی، در ارتفاع و یا در جهت افقی به‌صورت پیوسته حرکت می‌کند و همزمان با آن، عملیات آرماتوربندی و بتن‌ریزی ادامه می‌یابد.

مهندسان می‌گویند قرار است این برج در کنار مرکز تجارت بین‌المللی و هتل مرکز همایشهای بین‌المللی به مجموعه‌ای تبدیل شود که علاوه بر

مرکز تجارت نیز با ۲۱۶ هزار مترمربع در حال ساخت است. ما بحث خدمات جامع انفورماتیک را پیشنهاد کردیم که می‌تواند در این مجموعه ایجاد شود.

افسانه ۱۰۰ میلیارد تومان

در زمان دستگیری برخی از مدیران شهرداری تهران و بالاگرفتن برخی شایعات و جدس و گمانها، یکی از مراکزی که هزینه بالای ساخت آن همواره در برخی زمه‌های آشکار و پنهان در انتقاد به شهردار شنیده می‌شد، همین مجموعه برج مخابراتی و مجموعه همایشها بود. بسیاری بر این عقیده‌اند که تحمیل هزینه ساخت این برج، مانند برخی ساختوسازهای دیگر، در روند شکل‌گیری طبیعی برنامه بودجه سالانه تأثیر منفی داشته و کنار گذاشتن بسیاری اعتبارات عمرانی - که همواره در توجیه آنها اولویت اول و حیاتی بودن مطرح می‌شد - و تأمین بودجه برای ساخت این مجموعه امری تجملی، تشریفاتی و برخلاف مصالح دولت است. با این حال هنوز بحث تأمین اعتبارات برای ساخت برج و مجموعه همایشها دغدغه اصلی دست‌اندرکاران این طرح است.

آل اسحاق در این زمینه معتقد است: اعتباری که برای این مجموعه پیش‌بینی شده، بنا به قسمتهای مختلف، قابل تفکیک است. ساخت برج حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیارد ریال پیش‌بینی شد و مرکز همایشها بین ۱۲۰ تا ۱۴۰ میلیارد ریال (البته دانسته متغیری ۲۰ میلیارد ریالی در نظر گرفته شده، به این دلیل است که نوع استفاده از تجهیزات را در نظر گرفته‌ایم؛ یعنی در صورت استفاده از تجهیزات گرانتر، هزینه بیشتر خواهد شد). هتل پنج ستاره بین ۳۰۰ تا ۳۶۰ میلیارد ریال و مرکز تجارت حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیارد ریال پیش‌بینی شد که مجموعاً برآورد ما حدود ۱۰۰۰ میلیارد ریال است.

اما با توجه به وضعیت بودجه و کمبودهایی که دولت با آن مواجه است، بودجه تکمیل این پروژه چگونه تأمین خواهد شد.

آل اسحاق درباره نحوه تأمین بودجه طرح می‌گوید: تأمین اعتبار این طرح از بودجه شهرداری تهران پیش‌بینی شده است و پرداخت می‌گردد، البته باید عرض کنم این مجموعه در کمتر از ۴ سال کل



حسین آل اسحاق

هزینه‌ای که برای ساخت برج صرف شده برمی‌گردد، ما همچنین بررسیهای درباره پیش‌فروش قسمتهای از مجموعه مرکز خرید انجام دادیم.

اما ذهن ما هنوز دغدغه چهارمین برج بودن را در خود دارد و دغدغه ۱۰۰۰ میلیارد ریال و اینکه کشوری جهان سومی مثل ما، با بسیاری از مشکلات اقتصادی و سیاسی - که شبانه‌روز با آنها دست‌به‌گریبان است - چه توجیهی برای داشتن چهارمین برج در دنیا دارد؟ آل اسحاق معتقد است نگاه شما به مجموعه نگاه دیگری است. ببینید ما دنبال این نبودیم که حتماً چهارمین برج بزرگ دنیا را ایجاد کنیم. بررسیهای فنی به ما القا کرد که باید در این ارتفاع باشیم، نه یک متر کمتر و نه بیشتر. بحث در این است که آیا ما برای شهر تهران، نیاز به پوشش مخابراتی و تلویزیونی داریم یا نه و اگر این نیاز وجود دارد چه سازهای باید طراحی شود. اگر می‌خواستیم تنها ارتفاع را در نظر بگیریم، می‌توانستیم برجی فلزی علم کنیم که نمای زشتی داشت و در شأن نظام نبود. اما ما همه جواب را با هم سنجیدیم و یک چنین سازهای را طراحی کردیم. به این نتیجه رسیدیم این سازه را به گونه‌ای طراحی کنیم که بعد از مدتی نه تنها هزینه‌های خودش را پوشش بدهد بلکه بتواند به تبع کل هزینه‌های سطح شهر تهران نیز بیاند و درآمدهایی را که برای آن صرف شده نیز برگرداند. روی چهارمین برج دنیا تأکید نداشتیم؛ اگر این‌گونه بود می‌گفتیم اولین برج و می‌رفتیم روی ۶۰۰ متر. اگر دید غیربخشی داشته باشیم می‌توانیم از این مجموعه بهره‌برداری کنیم. با همدلی و هماهنگی همگانی می‌توان این مجموعه را پیش برد. ما در چهارراه دنیا واقع شده‌ایم. از نظر استراتژیکی، بهترین نقطه خاورمیانه و کشوری چهار قسمل هستیم. کشورهای آسیای میانه به خوبی توانستند تجارت خارجی را جذب کنند و فضاها و امکاناتی در اختیارشان قرار دهند تا بتوانند از پتانسیل آنها استفاده کنند. ولی ما هنوز، به هر دلیلی، نتوانستیم چنین فضای مناسبی را برایشان ایجاد کنیم. این مجموعه متعلق به هیچکس نیست، نه شهرداری، نه وزارت کشور و... بلکه متعلق به کل نظام است.

شاید این همه آن چیزی نبود که درباره برج مخابراتی و مجموعه همایشهای بین‌المللی می‌توان گفت ولی مسلماً نقطه‌ای است که هر بحثی درباره این سازه باید از آن آغاز گردد. ♦



نگاهی به تشکیلات سازمانی شورای شهر و شهرداری استکهلم*

♦ محسن ابراهیمی مجرد
دکتر در شهرسازی

مشخصات کلی شهر

استکهلم بزرگترین شهر سوئد و یکی از زیباترین مراکز کشورهای جهان است. این شهر در سال ۱۴۳۶ میلادی به عنوان پایتخت برگزیده شد. به سبب وجود جزایر متعدد و کانالهای آبی زیبا در این شهر، استکهلم به ونیز شمال اروپا شهرت یافته است. کمبود زمین در این شهر سبب گردیده رشد جمعیت، بیشتر به خود شهر محدود شود. اما منطقه استکهلم بزرگ رشد بسیار زیادی داشته، به طوری که جمعیت آن در سالهای اول ۱۹۷۰ به سه میلیون و ۴۳ هزار نفر رسید. جمعیت فعلی استکهلم بزرگ یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر است. بخش قدیمی مرکز شهر، بیش از سه قرن قدمت دارد. ساختارهای قدیمی در این بخش از شهر به نحو مناسبی حفظ شده‌اند و وسعت شهر استکهلم ۱۸۶ کیلومترمربع و مساحت استکهلم بزرگ، ۳ هزار و ۲۰۰ کیلومترمربع است.

تشکیلات سازمانی شهرداری

شهرداری استکهلم بخشی از منطقه استکهلم بزرگ است. تصمیمات مربوط به شهر در «شورای شهر» که از ۱۰۱ عضو تشکیل شده اتخاذ می‌شود. اداره امور شورای شهر به‌عهده اداره مرکزی است، که از ۱۲ عضو تشکیل شده است. این اداره مرکزی به ۹ اداره تقسیم گردیده و هر اداره نیز زیر نظر یک عضو شورای شهر کار می‌کند. شهردار در رأس معاونت امور اقتصادی و امور مالی قرار دارد و رئیس شورای معاونان نیز هست. معاونت اقتصادی به اموری که به شورای شهر مربوط است می‌پردازد؛ افزون بر این، هماهنگیهای لازم اداری را نیز انجام می‌دهد.

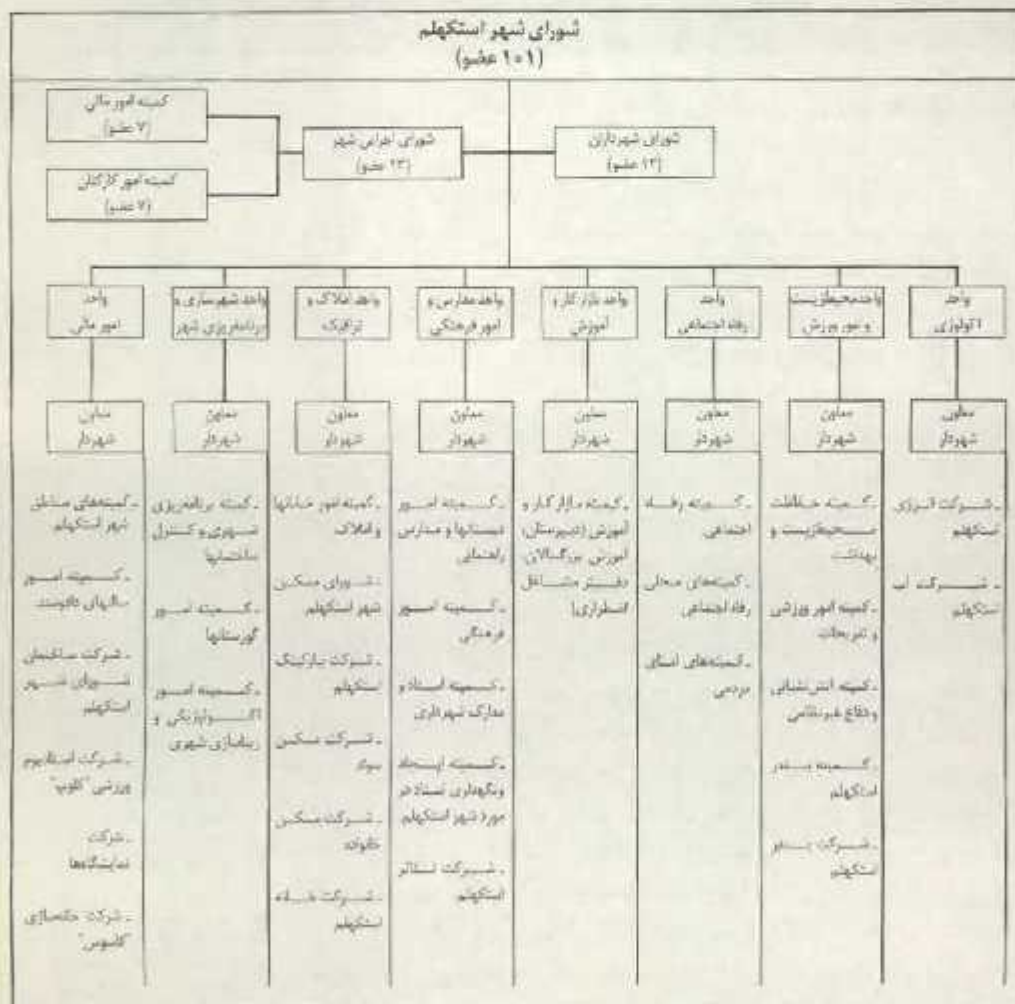
شورای شهر بالاترین ارگان تصمیم‌گیری در شهرداری است. اعضای شورای شهر توسط اهالی ساکن در محدوده شهرداری انتخاب می‌شوند و از اعضای احزاب سیاسی سوئد هستند. ترکیب حزبی در هیئت رئیسه شهرداری، معمولاً، شبیه ترکیب حزبی در شورای شهر است. به عبارت دیگر، اعضای شورای شهر - که در محدوده وظایف خود دارای قدرت و اختیارات تام هستند - همگی حزبی بوده و انتخاب آنها براساس میزان آرای است که حزب آنها در انتخابات به‌دست آورده است.

رئیس شورای شهر - که به عنوان شهردار انجام وظیفه می کند - از حزی است که بیشترین آرا را در منطقه خود به دست آورده است. به طوری که در نمودار تشکیلات سازمانی شورای شهر و شهرداری استکهلم دیده می شود، شورای اجرایی شهر، به ریاست شهردار، وظایف خود را زیر نظر شورای شهر انجام می دهد. امور شهر به ۹ شعبه اصلی تقسیم شده که عبارت اند از:

۱- واحد شهرسازی و برنامه ریزی شهر؛ ۲- واحد محیط زیست و اوقات فراغت؛ ۳- واحد امور مدارس و امور فرهنگی؛ ۴- واحد امور اجتماعی؛ ۵- واحد امور مالی؛ ۶- واحد بازار کار و آموزش؛ ۷- واحد املاک و ابنیه؛ ۸- واحد معابر و ترافیک؛ ۹- واحد اکولوژی.

در سالهای اخیر با هدایت شورای شهر و همت مسئولان شهرداری استکهلم، پیشرفتهای چشمگیری در بهبود وضعیت محیط زیست شهر به عمل آمده است. از جمله می توان به طرح پاکسازی آب کانالهای شهر - که فاضلاب صنایع را نیز شامل می شود - اشاره کرد. با اجرای این طرح، هم اکنون این کانالها دارای آبهای تمیز و شفاف شده اند. شهرداری استکهلم همه ساله با برگزاری «فستیوال آب استکهلم» این موفقیت را جشن می گیرد. افزون بر این، بهبود قابل توجهی در وضعیت ترافیک و حمل و نقل عمومی شهر به عمل آمده، که منجر به رفع مشکلات آلودگی هوا گردیده است. در زمینه جمع آوری و بازیافت زباله، بویژه از طریق مشارکت و همکاری شهروندان در امر جداسازی زباله از مبدأ تولید و تبدیل زباله به کمپوست، استکهلم پیشرفته ترین شهر اروپا به شمار می رود.

تشکیلات سازمانی شورای شهر و شهرداری استکهلم



پانویس

Information Stockholm
Stat. Statistiska 1997

نقش نور در زیباسازی فضاهاى شهری*

ترجمه فاطمه شاعری کوچکی
کارشناس مترجمی زبان آلمانی

تاریکی همیشه ایجاد رعب و وحشت می‌کند. برواضح است که بیشتر نیهکارها در تاریکی و در شب صورت می‌گیرد. اینها از دلایل عمده‌ای است که بشر را از دوران ماقبل تاریخ تاکنون همواره بران واداشته است. تا نور را به تاریکی بی‌آورد و شب را همچون روز روشن گرداند. بعدها بشر در این زمینه از تکنولوژی بهره‌گرفت و با دستیابی به نور حاصل از الکتریسیته، امکانات نامحدود بسیاری پدید آورد. در این بین، دنیای ما توسط همین نور، رفته‌رفته رنگین‌تر و نافذتر شد. و این رنگین‌شدن، قواعد و مقرراتی نیز با خود به‌همراه داشت.

«موتوکوایسهی» یکی از طراحان موفق اهل توکیو، عقیده دارد: «نور همیشه زیاست، اما روشنایی در عین زیبایی می‌تواند زشت هم باشد». برای مثال به عقیده بعضی افراد، نورپردازی بناهای تاریخی نه تنها باعث زیبایی بیشتر آنها نمی‌شود، بلکه سبب لکه‌دارشدن محدوده و حیطه هنر معماری نیز می‌شود. «هانریش کرامر» یکی از طراحان معروف نور، اهل کنن، نیز بشدت به این موضوع اعتراض دارد. وی عقیده دارد: «نباید بناهای تاریخی را با نورپردازی مزین کرد؛ چرا که به هنر معماری خدشه وارد می‌شود. درواقع باید همواره این موضوع را مدنظر قرارداد که چینی شهرى با نور و روشنایی شهرى تفاوت عمده و فاحشی دارد».

به‌کارگیری نور در شهر، اگر با آگاهی و درک لازم همراه نباشد، هرگز نتیجه‌بخش نخواهد بود. برای رسیدن به آگاهی مناسب و لازم باید بین کارشناسان، مهندسان، طراحان و سازندگان سیستم‌های نوری اتفاق نظر وجود داشته باشد و هماهنگی لازم به‌وجود آید؛ چرا که سازندگان این سیستمها، معمولاً، چارچوب تکنیکی را نادیده می‌گیرند. اولین سیستم نوری به‌کاررفته در شهر، به‌عنوان اولین آذین‌بندی، همان نور به‌کاررفته در سطح شهرها و پارکها از طریق چراغهای روشنایی است.

چنانچه بیشتر بیان کردیم، بشر از دیرباز و عصر حجر به‌فکر روشن‌کردن شبهای تاریک بوده است. انسانهای اولیه با کندن دیواره غارها، سعی در انتقال نور روز به‌داخل غارهای تاریک داشتند. به‌گفته مشولان «آکسفورد کامپاین اوگاردنر»، «نقوش و حکاکی روی سنگها و دیواره غارها، در عصر حجر در حدود ۳۰ هزار سال پیش، گویای توجه و علاقه بشر به سوسوی نور بوده است».

دوره باروک^۱ همواره یادآور به‌کارگیری نور و رنگهای سخوامیز در داستانها و افسانه‌های آن زمان است. چنانچه تأثیر این سبک از نظر لطافت و خیال‌انگیزی، در بوستانها و گردشگاه‌های آن دوره نیز مشهود بوده است. اما تسلط چراغهای روشنایی این مکانها، قلم اشرافی و دلپذیر آن را از دست داده است. برای مثال انعکاس آبوه

پانویس

* این مقاله توسط دکتر بلایس (Dietrich Blais) در مجله Garten + Landschaft شماره 4، 1993، به‌رژختن تحریر درآمده است.

- 1- MotoKo Mhi
- 2- Henrich Kramer
- 3- Oxford Companion of Gardens

۴- سبک خاص آبرو در عصر باروک به معنای متفاوت سبک ۱۷ و ۱۸ میلادی که اشراف و نجیب‌زادگان از عناصر آن است (مترجم)



چراغهای روشنایی کنار رودخانه زاین؛ چنین به نظر می‌رسد که این رودخانه در میان شعله‌های آتش است و این از حالت خیال‌انگیزی و اشراقی زاین می‌کاهد.

در آلمان نیز، نازیها اولین گروه و افرادی بودند که اهمیت نور را درک کردند و محور اثر مسحورکننده و اعجاب‌برانگیز آن شدند. آنها نور را برای تبلیغ آیین خود به خدمت گرفتند و در واقع از آن در جهت اهداف خود، استفاده کردند.

ستوایی که همواره مطرح است این است که چرا برای بسیاری از ما تا به امروز غیرممکن بوده است با تاریکی شب کنار بیاییم و همواره تلاش ما بر این بوده است با تاریکی مبارزه کنیم و هم‌جا را روشن گردانیم. اما بشر هنوز قادر نیست، آن‌طور که دلخواه اوست، نور را به محیط‌های باز و نامحدود^۵ انتقال دهد؛ چرا که تنها با نظری به مشکلات موجود در این امر، درمی‌یابیم که به‌کارگیری تجهیزات کامل نوری در فضاهای نامحدود و باز امری است پرهزینه و ناحدودی غیرممکن. چنین فضاهایی از بالا تا آسمان و از اطرف تا فرسنگها ادامه دارند و به اصطلاح انگلیسی‌ها Open Space (فضای باز) را در ذهن تداعی می‌کنند. این فضاها زنده هستند و از نور طبیعی بهره می‌گیرند. باد، فصلها و رشد درختان موانع پرقدرتی در برابر سیستم نوری آنها به‌شمار می‌روند. از دیگر مشکلات روشن‌کردن این فضاها، مسائل اقتصادی و هزینه بسیار بالاست؛ چرا که سرمایه‌گذاری در این امر به هیچ وجه مقرون به‌صرفه نیست و این یکی از دلایل مهم عدم توجه سرمایه‌گذاران به این مناطق است. از جمله این فضاهای باز و نامحدود، جاده‌های بین شهری است که به‌ندرت در تمام طول مسیر، از نور و روشنایی بهره می‌برند. اما همین جاده در مکانهایی که به فضاهای بسته مثل تونلها متصل می‌شوند، حتماً باید به تجهیزات نوری مجهز شوند. طراحانی چون «یوتا کپر»^۶ و «پترا ماگر»^۷ طی تحقیقاتشان در تونل هامبورگ، نظریات ظریف و جالب‌توجهی در زمینه نور ارائه کرده‌اند:

«نور حدس و گمان و فرضیه هر بیننده‌ای را به حقیقت بدل می‌کند. نور همه چیز را عینی و قابل رؤیت می‌نماید، بدون اینکه خود قابل رؤیت و عینی باشد و یا حتی فرم و شکل خاصی داشته باشد. در مقابل نور و روشنایی، تاریکی و سایه‌ها فرار دارند؛ اما این دو بدون یکدیگر قابل تصور نیستند. فرم عینی و قابل رؤیت یک مکان فقط به نسبت نور مشخص نمی‌شود، بلکه به فضای اطراف آن نیز بستگی دارد».

می‌بینیم که اگر طراحان و سازندگان، با رنگها و طرحهای خود به جنگ تاریکی نمی‌رفتند، حالا مطمئناً

۵- مسافتی مثل دشمن، بی‌شمار و جنگها (ترجمه)

6- Jutta Köpfer
7- Petra Maier

همگی ما در تاریکی کورمال راه می‌رفتیم.

به جرأت می‌توان گفت که هنر شب این است که نور روز در آن برگشت‌ناپذیر است. اشعه خورشید، طی روز در همه‌جا منعکس می‌شود و روز نیز روشنایی خود را از آسمان لاابتناهی به‌دست می‌آورد. اما در شب روشنایی به‌طور کل تغییر می‌کند. به‌همین دلیل شب را با الگوبرداری از نور روز، روشن می‌کنیم. پس برنامه نوری در شب قسمتی از برنامه‌ریزیهای شهری جهان کنونی به‌شمار می‌رود.

در طول دهه گذشته، عناصر سازنده شهری، رشد چشمگیری داشته‌اند. اکنون نیز طراحان فراوانی وجود دارند که طرحهای اولیه بسیاری در زمینه عناصر سازنده شهری ارائه می‌دهند. موج این طرحهای سازنده ایجاد تورم کرده است و طبعاً هر یک از این طرحها مدعی‌اند که بهترین راه‌حل هستند. برخی از این طرحها در موارد مختلف با یکدیگر تفاوت دارند و در بعضی موارد یکسان و با یکدیگر منطبق هستند. اما بسیاری از آنها فقط در مرحله طرح اولیه باقی می‌مانند و هرگز به اجرا در نمی‌آیند؛ چرا که سلیقه مردم و جامعه، مطابق روز است و همواره تغییر می‌کند.

آنچه در سطح شهرها کاملاً مشهود است، چیدن فضاهای شهری با وسایل کم و بیش بی‌فایده‌ای است که در جای‌جای فضاهای شهری قرار دارند. برای مثال چراغهای روشنایی خیابانها و بوستانها که باعث اشغال بخشی از این فضاها در روز است. در تاریکی مطمئناً و قطعاً اهمیت آنها در رأس قضیه قرار دارد و در شب معنا و نقش آنها مهمتر و پررنگتر می‌شود. اما در طول روز، فضایی بی‌هوده را اشغال می‌کنند، بدون اینکه استفاده‌ای خاص داشته باشند. «ویلم فلوسر»^۸ در این باره چنین می‌گوید:

«چراغهای روشنایی خیابانها و بوستانها در طول شب واقعاً مجتهد و باشکوه هستند؛ چرا که بر تاریکی شب غلبه می‌کنند. اما با فرارسیدن روز، آنها این شکوه و جلال خویش را از دست می‌دهند؛ چون این بار آنچه باعث روشنایی محیط می‌شود، نور سبدهدم و صبحگاهی است که بر سیاهی شب غلبه می‌کند».

صنعت نیز از این قافله جانمانده است و سعی کرده با ارائه یک سیستم نوری ثابت و مناسب، در شمار طراحان شهری قرار گیرد.

It's your choice! انتخاب با شماست! در صنعتی کردن نور، نور شدید و ملایم، تنوع رنگ و تراکم نور وجود دارد. نور به رنگهای مختلف مثل زرد، سبز و یا حتی بنفش عرضه می‌شود. بدین ترتیب به‌وسیله نورپراکنی می‌توان اطراف هر چیز را روشن و رنگین نمود. رنگ نور و جهت تابش آن بر سطوح مختلف اجسام، بدانها روح، شکل و فرم می‌دهد و تنها در شب می‌توان چنین هماهنگی بین نور و رنگ را به‌نمایش درآورد. به‌همین دلیل است که صنعت هر شمارهای تبلیغاتی خود، تأکید می‌کند که «انتخاب با شماست».

طراحان، غالباً افرادی طرفینگر و دقیق هستند و با دقت نظر بیشتری به اطراف خود می‌نگرند. با بهره‌گیری و الهام از طبیعت و عناصری مثل باد، آب، خاک و هر آنچه در آن است، می‌توان به رنگ و نور متناسبتری دست یافت. نور در نظر ما صرفاً امواجی است که وجود آن در شب ضروری است تا ما به اطمینان خاطر دهد. اما با نگاهی به عقاید چند تن از طراحان سیستمهای نوری، ظرفیت‌نگری این افراد برای ما قابل لمس‌تر می‌شود. «کلاوس وینترهاگر»^۹ عقیده دارد: «در زندگی شهری و شهرنشینی، رفته‌رفته، نقش ستارگان آسمان کم‌رنگتر می‌شود. در حالی که باید دوباره به آنها نظر بیفکنیم و با الهام از آنها، نور مناسب شب را به شهرها هدیه کنیم. باید چراغانی و آذین‌بندی را از تمدنها و فرهنگها بزداییم».

«لوسوس بورگ هارد»^{۱۰} نیز بر این موضوع تأکید دارد و می‌گوید: «باید از چراغانی شهرها اجتناب کنیم و از نوری ملایم بهره بگیریم». به‌عقیده او، نور اندک هنگام شفق و گداز و میش آسمان در کوچه‌ها و خیابانهای انان قدیم، بهتر، دلپذیر و زیباتر از وضعیت نور کنونی این خیابانها و کوچه‌هاست. وی در ادامه می‌افزاید: «در آن زمان چشمها قادر بودند خود را با تاریکی و نور اندک تطبیق دهند و خیابانها تنها با استفاده از نور ستارگان، عهتاب و کم‌وبیش فانوسهای تعبیه‌شده در بعضی قسمتها، روشن می‌شدند».

اما آیا به‌راستی طرحی وجود دارد که بتوان با به‌کارگیری و اجرای آن، یا نور کم و حداقل، دید خوب و بهینه داشت؟ و آیا امروزه طراحی وجود دارد که فلسفه او بر نور کم و مقرون به‌صرفه پایه‌گذاری شده باشد؟ «سوتوکوایسپی»^{۱۱} عقیده دارد: «ما در دنیای کنونی، همواره توسط اشعه و امواج نوری نافرمان می‌شویم.

باید دوباره به نوری مناسب کم‌رنگ و لطیف دست یابیم» ♦

8: Vilim Flusser
9: Klaus Winterhager
10: Lucius burckhardt

گزیده سخنان موسوی لاری، وزیر کشور، در چهارمین گردهمایی معاونان امور عمرانی استانداریهای سراسر کشور

در برگزاری همایش شوراهای با وجودی که فرصت بسیار کم بود، اما انصافاً کار ماندگاری صورت گرفت. در این مورد، چند نظریه مطرح بود. یک نظریه این بود که شورای شهر را دعوت کنیم، نظریه دیگر اینکه شوراهای بخش را نیز تشکیل بدهیم و شوراهای بخش و شهر با هم بیایند، نظریه دیگر این بود که فقط رؤسای شوراهای بیایند و بالاخره نظریه چهارم که می‌گفت همه اعضای شوراهای دعوت شوند. هر چه به تعداد جمعیت افزوده می‌شد، تعداد مخالفان هم بیشتر می‌شد؛ فرصت کم بود و امکانات محدود. احتمال بروز مشکلات و نارساییها با یک تجمع زیاد افزایش می‌یافت. سرانجام توافق شد که تعدادی به صورت سمبلک دعوت شوند؛ بنابراین، رؤسای شوراهای شهر دعوت شدند. برای بسیاری از افراد، پذیرش اینکه همه اعضای شورا در یک روز و یک مکان معین دعوت شوند - مانند اصل برگزاری انتخابات شوراهای - کاری دشوار بود. با دوستان مشورت کردیم. آقای خرم با تجربه‌ای که داشتند و توانایی دوستان را می‌دانستند مسئولیت کار را پذیرفتند. آقای رئیس جمهور هم نظرشان این بود که شوراهای به‌عنوان یک مسئله جدی در جامعه مطرح شود.

بنابراین، برگزاری همایش در جهت تثبیت جایگاه شوراهای و ماندگار شدن و اهمیت پیدا کردن آن در دستور کار قرار گرفت و خوشبختانه این آزمون نیز با موفقیت به انجام رسید. انعکاس داخلی و خارجی این قضیه شاهدهی است بر تواناییهای مدیریتی مجموعه وزارت کشور. گردهمایی نمایندگان مستقیم مردم، از سراسر کشور، پیام روشنی داشت و آن حضور و مشارکت مردم بود.

تکته‌ای که به‌نظر می‌آید قابل بحث است برمی‌گردد به همین مسئله شوراهای و تصمیمات منطقه‌ای و استانی. برگزاری انتخابات شوراهای و یگیری اختیارات بیشتر برای مناطق و توزیع قدرت

مدیریت، یکی از برنامه‌هایی است که بنده از همان اول دنبال می‌کردم. البته برنامه دولت بود و بنده به‌عنوان بخشی از دولت خودم را ملزم می‌دانستم که آن را به سرانجام برسانم. دو مرحله را پشت سر گذاشتیم؛ انتخابات شوراهای را برگزار کردیم، محسوبه شورای عالی اداری را هم که در ارتباط با اختیارات استانی و استانداریهاست، از شورای عالی گرفتیم. تلقی بنده این است که باید در راستای اختیارات استانی، به مسئله شوراهای به‌عنوان سرفصل جدیدی در مدیریت کشور نگاه شود. تلقی حقوقی ما این است که تمرکززدایی را باید جدی بگیریم. تمرکززدایی یعنی انتقال تصمیم‌گیری از مرکز به مناطق استانی؛ یعنی از رأس به قاعده و همه این حرکتها در حقیقت بیانی است از همین جهت‌گیری.

در عقول شوراهای این مطالب را عرض کنیم که ما شعاری و بدون توجه به‌میان، مسئله را دنبال نمی‌کنیم. نمی‌خواهیم رست مردم سالاری بگیریم و شعار بدهیم؛ می‌خواهیم بگویم به این مسئله معتقدیم. تصمیمات شوراهای هر چند با نظرات ما مغایر هم باشند، اولویت با رأی مردم است و شورای منتخب مردم برای ما عزیز و محترم است. البته معنی این حرف این نیست که رأی‌زنی و بحث و تبادل نظر هم وجود نخواهد داشت.

اما بحث در این است که وقتی شوراهای روی فردی به جمع‌بندی رسیدند، گرچه با نظر ما همخوانی نداشته باشد، نظر شورا در اولویت است. به‌عنوان مثال اگر آنها در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که A شهردار شود و ما نظرمان این بود که توانایی B از A بیشتر است یا امتیازات بیشتری دارد؛ بد نیست که در یک تعامل فکری مناسب، نظر خود را به شورا ارائه دهیم. اما اگر شورا بالاخره به جمع‌بندی رسید، ما تردید نکنیم و به نظر شورا عمل کنیم و دیگر پس از آن چانه‌زنی که نظر ما تحمیل شود.



در چارچوب ضوابط عمل کند. مطلب قابل به عرض دیگر اینکه اگر فردی انتخاب شد که مثلاً ۸۰ درصد شرایط را دارا بود و ۲۰ درصد دیگر را نداشت؛ در چنین مواردی که می‌شود در یک تبصره یا ماده قانونی به شوراها کمک کرد، توصیه بنده به همکاران این است که از اختیارتان استفاده کنید، نمی‌خواهم بگویم اینجا حق به جانب شوراهاست، اینجا حق به جانب شورا نیست، حق به جانب شماست و شما باید تصمیم بگیرید اما در عین حال این اختیاری است که قانون به شما داده است؛ اینکه به لحاظ قانون، هیچ مانعی برای حضور شوراها در عرصه مدیریت کشور به وجود نیاید و شوراها احساس نکنند که برای حضور و مشارکتشان از ناحیه دستگاه اجرایی، بخصوص دستگاهی که خودش آنرا به وجود آورده، مانع‌تراشی می‌شود، از هم مجموعه‌ای که با ایمن و اعتقاد به سمت تشکیل شوراها رفت و این طور نبود که کاری معمولی

در جریان آقای الویری، شهردار تهران، شورا بنا بنده، نه به عنوان وزیر کشور و نه به عنوان کسی که در مجموعه معادلات سیاسی حضور دارم، کوچکترین مشورتی نکرد. البته به صورت انفرادی صورت می‌گرفت و بنده نظرم را غیررسمی به آنها می‌گفتم ولی شورا به هیچ نحو حاضر نشد که نظر وزارت کشور را دریافت کند. فضای تلخ و ناخوشایندی به وجود آمده بود و بنده نگران شدم که این قضا روی اصل شورا سایه اندازد و جامعه بگوید شوراها یا توفقی برای دعوای سیاسی هستند و مردم فراموش می‌شوند، نامه شورا که به وزارتخانه رسید، حداکثر ظرف یکی دو ساعت حکم را امضا و ابلاغ کردیم و به رساته‌ها نیز دادیم. همه نظرها محترم بود، اما از همه مهمتر این بود که تصمیم شورا مبنای عمل قرارگیرد. ارزش تثبیت شورا و نهادمند شدن این فکر، به مراتب بیشتر است تا اینکه بنده بگویم این فرد مناسب هست یا نیست. البته شورا نیز باید با قانون هماهنگ باشد و

و اداری انجام داده باشد. تمام خواسته‌ها به طرف عدم برگزاری شوراها به این شکل بود. ما در حقیقت برخلاف مسیر آب شنا کردیم تا شورا شکل گرفت. تقریباً نظر همه مدیران این بود که کار بسیار مشکلی است و می‌بایست محدود، منطقی و نقطه‌ای عمل شود. دغدغه خاطر داشتند نه اینکه مخالف اصلی شورا باشند. اما سرانجام این کار انجام شد در حال حاضر ما به عنوان متولی قضیه باید یاسدار آن نیز باشیم و راه را باز کنیم تا آنها بتوانند اراده‌شان را بروز دهند.

منتظر نمی‌ماند کسی دنبالش راه بیفتد تا نیاز او را تأمین کند، بلکه او خودش راه می‌آید تا نیازها را بشناسد و به آنها پاسخ بگوید. تمام خوشی پدر در خانواده این است که برای بهتر زیستن اعضای خانواده امکانات فراهم کند. من گمان می‌کنم روش دوم کارسازتر است. به این معنا که مدیران فربخشی یا میان‌بخشی - که عائله‌ای فراتر از حوزه دفتر خودشان دارند - به آنها پدرا نه نگاه کنند؛ یعنی به دیدن آنها بروند، مشکلات را ببینند و رفع نیاز کنند. در چنین تشکیلاتی، این فرد در لحظه لحظه‌های کار به عنوان

باید از پتانسیل شوراها حداکثر استفاده برای اعمال مدیریت و توزیع مدیریت بشود. طبیعی است اگر شوراها بخواهند در تأمین مالی شهر و روستا فعال شوند نیاز به کمک ما دارند. بعضی‌ها هم ممکن است نیاز به آموزش داشته باشند که باید آن را تأمین کرد.

بخش دوم عرض من این است که باید از پتانسیل شوراها حداکثر استفاده برای اعمال مدیریت و توزیع مدیریت بشود. طبیعی است اگر شوراها بخواهند در تأمین مالی شهر و روستا فعال شوند نیاز به کمک ما دارند. بعضی‌ها هم ممکن است نیاز به آموزش داشته باشند که باید آن را تأمین کرد. البته طرح جامع عوارض - که در قانون هم آمده است - کمک بسیار خوبی برای شوراها خواهد بود. وگرنه شوراها برای تأمین مالی شهرداریها یا دهیارها نمی‌توانند هم‌منطور از پیش خودشان تصمیم بگیرند؛ آنها باید در چارچوب ابلاغ شده توسط دولت، اعمال نظر بکنند. اما با همه اینها کار توجیهی و گرفتن دست آنها تا به نقطه‌ای برسند که کار روال عادی پیدا کند و وظیفه ماست.

نکته دیگری که می‌خواستم عرض کنم این است که وزارت کشور، وزارتخانه‌ای بخشی نیست؛ وزارتخانه‌ای ستادی، میان بخشی و یا فربخشی است. وقتی می‌گوییم استاندار، رئیس شورای عالی اداری و رئیس شورای تأمین استان است، یعنی اینکه مجموعه تشکیلات استان، چشمشان به اینجا است.

ما دو سیستم مدیریتی داریم. در یک سیستم همه چیز به یک نفر وابسته است. مدیری که در این سیستم در رأس قرار می‌گیرد انتظار دارد همه دنبالش راه بیفتند. سیستم دیگر، مدیریت پدرا نه است؛ هرگز

پشتوانه وجود خواهد داشت، اما نه به عنوان نقیض، مستقد و مع‌گیر. حضور از موضع مع‌گیری چیز خوبی نیست؛ از موضع کمک و باری رساندن، پدرا نه است. معاونان عمرانی در استانها بیشترین نقش را در نشان دادن حضور نظام در مناطق به عهده دارند. طبیعی است که معاونت‌های سیاسی - امنیتی، امنیت جامعه را تعقیب بکنند چرا که دبیر شورای تأمین استانها هستند. اما چیزی که با زندگی روزمره مردم سروکار پیدا می‌کند؛ یعنی آب، برق و مسائل زندگی آنها، باید در این مجموعه تعریف و پیگیری شود.

من مدیریت ساکن را برای معاونان عمرانی مطلوب نمی‌دانم؛ یعنی اینکه معاون عمرانی در دفتر کارش بنشیند تا شهردار دنبال او بدود و یا مدیرکل مسکن و شهرسازی پس از دو هفته بالاخره بتواند از او وقت ملاقات بگیرد. این را برخلاف شی مدیریت از نوع دوم می‌دانم و معتقد نیستم که این کار جواب بدهد. اعتقاد بنده این است که فعالیت و تحرک در این بخش، از بخشهای دیگر ضرورتر است.

اینکه من عرض می‌کنم مدیریت ساکن مدیریت مطلوبی نیست به این معنا نیست که همه در شرایط زمانی معینی می‌توانند به اینجا و آنجا سر بزنند. من واقعاً قبول ندارم که معاون استاندار، فرماندار و یا مدیران منطقه‌ای منتظر باشند تا دیگران به آنها مراجعه کنند. بخش جدی کار معاونان عمرانی، حتماً

باید دیدن مسائل در خود محل باشد خود نفس بازدید و دیدن کارها، دیدن معاونان را بازتر می‌کند. دیگر اینکه رابطه‌ای منطقی با مدیرانی که با شما سروکار دارند برقرار خواهد شد. مدیرانی که با شما سروکار دارند باید احساس کنند که، به صورت آسان، امکان دسترسی به شما را دارند و شما هم به عنوان پشتیبان و کمک به آنها وقت می‌گذارید.

ما در زمینه مسائل شهرها و شهرداریها به این دلیل می‌گوییم، وزارت کشور باید حضور داشته باشد که یک بخش نیست تا در نظرگیرنده مسائل بخشی باشد به همان نسبتی که معماری را در نظر می‌گیرد ترافیک، حمل و نقل، مسائل اجتماعی و امنیتی را نیز در نظر می‌گیرد. در اداره و ساختن یک شهر اگر این مسائل دیده شود می‌توانیم بگوییم در انجام رسالتمان موفق بوده‌ایم. باید مسائل دسترسیها، دستیابیها، فضاهای مورد نیاز و دهها مسئله دیگر دیده شود. شهرداریها به همین دلیل به وزارت کشور مربوط هستند و به همین دلیل وزارت کشور در شورای عالی شهرسازی و معماری کشور در کمیسیون ماده ۵۰ در طرحهای هادی و جامع و غیره حضور دارد. من فکر می‌کنم در شهرهای بزرگ، شهرداران و

تصمیم‌گیرندگان باید روی این مسئله توجه شوند. شاید ده سال پیش، وضعیت امروز این شهرها برای خیلیها قابل هضم نبود؛ اینکه مثلاً اسقفان، کرج و شیراز این قدر گسترده می‌شوند تجربه تلخ نادیده گرفتن جهات مختلف در شهرها برای خیلی از دست‌اندرکاران روشن شده است.

اگر می‌خواهید کسب‌خدايي وزارت کشور محفوظ بماند و این جایگاهی که هم به وزارت کشور تعلق دارد و هم به معاونتها و شهرداریها و مجموعه‌هایی که اینجا مسئول هستند، حفظ شود؛ حتماً باید در برنامه‌ها همه جهات یک موضوع، اعم از مسائل امنیتی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و غیره دیده شوند. در معماری و شهرسازی نیز قضیه از همین قرار است. رعایت همه جوانب امر ضروری است و معمارهای ما باید نسبت به جهات مختلف این امور توجه بشوند و این جهات را خودبه‌خود رعایت کنند ولو اینکه مقررات حضور نداشته باشد.

انشاءالله با امکانات محدودی که در اختیارمان هست بهره جامع و کاملی ببریم. از همت شما در همه زمینه‌ها تشکر می‌کنم ♦

بررسی روند فعالیت کمیته‌های تخصصی سه‌گانه در آخرین نشست معاونان امور عمرانی استانداریها

با حضور مدیران ستادی وزارت کشور و معاونان امور عمرانی استانداریها تشکیل شده و طبقه برنامه‌ریزی حول محورهای تأییدیه را به عهده دارد.

در ادامه جلسه، مسئول کمیته عوارض و تأمین منابع جدید درآمدی با اعلام اتمام فعالیت کمیته در خصوص تهیه و تدوین آیین‌نامه نحوه وصول عوارض توسعه شورای اسلامی شهر و بخش گفت: در طرح «جامع عوارض» که آماده ارائه به هیئت دولت است، سعی شد با عطف‌الکلیه عوارضی که از تشکیل اولین شهرداریها (حدود ۹۰ سال پیش) تاکنون وضع شده، بخشهایی که امروزه قابل استفاده است استخراج و با انجام اصلاحات لازم مورد استفاده قرارگیرد.

سپس مسئول کمیته بازنگری در شرح وظایف

چهارمین گروه‌هایی معاونان امور عمرانی استانداریهای سراسر کشور در ۱۹ خرداد ماه سال جاری با حضور وزیر کشور، معاون هماهنگی امور عمرانی و معاونان امور عمرانی استانداریهای سراسر کشور در محل وزارت کشور برگزار شد.

در ابتدا مسئولان کمیته‌های سه‌گانه (که تشکیل آن در آخرین جلسه معاونان امور عمرانی در بهمن ماه سال گذشته به تصویب رسیده بود) با ارائه توضیحات لازم، روند فعالیتهای عزیزور را تشریح کردند.

کمیته‌های تخصصی فوق شامل: ۱- کمیته عوارض و تأمین منابع جدید درآمدی؛ ۲- کمیته بازنگری در شرح وظایف و تشکیلات حوزه معاونت امور عمرانی استانداریها و حوزه معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور؛ ۳- کمیته شوراهای و آموزش،

تشکیلات حوزه معاونت عمرانی استانداریها و وزارت کشور در خصوص اقدامات انجام شده توسط این کمیته گفت:

در ابتدا جایگاه وزارت کشور در امور شهرها را پس از تشکیل شوراهای اسلامی شهر بررسی نمودیم و سپس با بررسی و مطالعه شرح وظایف جدید استانداریها و نیز شرح وظایف حوزه معاونت عمرانی در قیل از انقلاب و در زمان وجود انجمنهای شهر و ده پرداختیم و به دنبال آن با مطالعه شرح وظایفی که در سال ۱۳۶۲ توسط سازمان امور اداری و استخدامی تنظیم شده بود به استخراج مجموعه وظایف حوزه معاونت عمرانی پرداخته و آنرا تحت عنوان وظایف زیرمجموعه معاونت عمرانی تهیه کردیم. در این مجموعه، استنادات قانونی هر وظیفه دقیقاً ذکر شده است.

وی سپس درخصوص پیشنهادهای مطرح شده توسط اعضای حاضر در جلسه درخصوص طرح فوق توضیحات لازم را ارائه کرد.

در ادامه جلسه، مسئول کمیته شوراها و آموزش فعالیتهای انجام شده در کمیته فوق را بدین شرح توضیح داد:

کارهای اصلی ما در کمیته تعیین مخاطبان آموزشی بود. مخاطبان را اعضای شوراهای اسلامی شهرها و روستاها، دهیار، شهردار، کارکنان شهرداری،

کارکنان وزارت کشور و کارکنان فرمانداریها و استانداریها تشکیل می دهند. این کمیته با توجه به نوع مخاطبان خود، با استفاده از رسانهها، مطبوعات، جزوات آموزشی، بازدیدهای علمی، کارگاههای آموزشی، همایشها و آموزشهای ضمن خدمت کوتاه مدت و بلندمدت این آموزشها را برنامه ریزی کرده است.

وی در ادامه اضافه نمود: در مجموع ۴۶۲ سیلابس درسی در قالب ۳۳ دوره آموزشی برای آموزش کارکنان شهرداریها و اعضای شوراها در نظر گرفته شده است.

در ادامه جلسه احمد خرم، معاون هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، با توجه به بحث نظام مهندسی و فعالیتهای انجام شده در این حوزه - که بعضاً با حوزههای عمرانی هماهنگی نداشته - بر ضرورت ایجاد ارتباط تنگاتنگ با سازمان نظام مهندسی کشور تأکید کرد. علاوه بر آن، موارد دیگری نظیر عملیاتی کردن وظایف شوراهای اسلامی، نحوه همکاری شهرداریها در ساخت مسکن استیجاری (اجاره به شرط تملیک)، بررسی عوامل عدم اجرای کامل طرحهای جامع و تفصیلی، کاستن از هزینههای اجرایی شهرداریها و بررسی مسئله تبدیل طرحهای ملی با ماهیت استانی به طرحهای استانی از جمله مواردی بود که مورد تأکید وی قرار گرفت. ♦

گردهمایی مدیران آتش نشانی شهرهای بزرگ کشور؛

بررسی وضعیت موجود، مشکلات و راهکارهای بهبود سامانه آتش نشانی

چهارمین گردهمایی مدیران آتش نشانی شهرهای بزرگ کشور به منظور شناخت مشکلات و دستیابی به راهحلهایی برای نیل به وضع مطلوب سامانه آتش نشانی در پنج محور سازمان و تشکیلات، معیارها و ضوابط ایمنی، آموزش و پیشگیری، منابع درآمدی، لوازم و تجهیزات در یکم تیرماه ۱۳۷۸ به همت دبیرخانه ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش نشانی کشور برگزار گردید. اولین سخنران این گردهمایی علی نوذریور، مدیرکل دفتر برنامه ریزی

عمرانی، بود که به بررسی جایگاه آتش نشانیها در برنامههای پنجساله دوم و سوم توسعه کشور پرداخت. وی همچنین عمدهترین مشکلات این سازمانهای خدماتی را عدم وجود قانون آتش نشانی و ایمنی، نبود سازمان مرکزی آتش نشانی و خدمات ایمنی، نبود نظام آموزشی در این زمینه، نبود تجهیزات کافی و یکسان، فقدان معیارها، ضوابط و نقشههای فنی، نبود پوشش ایمنی کافی برای مناطق روستایی، عدم تدوین نظام پژوهشی در زمینه مسائل ایمنی و



حاصله در قطعنامه‌ای منعکس گردید.

در انتهای گردهمایی نیز احمد خزیم، معاونت هماهنگی امور عمرانی، به ایراد سخن پرداخت. وی با تأکید بر تلاش برای بهبود بهره‌وری مدیریت، از مدیران آتش‌نشانی خواست از منابع به نحو مطلوب استفاده کنند. فاصله سازمان خود با استانداردها را بستند و میزان تحقق اهداف سازمان را برنامه‌ریزی نمایند. وی بر استقلال مالی آتش‌نشانیها و دریافت سهم قانونی آتش‌نشانیها از درآمد مؤسسات دیگر و از جمله بیمه تأکید نمود. در ادامه اعلام کرد که به موجب بند ج تبصره ۱۹ قانون بودجه در سال جاری ۱۰۰ دستگاه خودرو و ۲ هزار دستگاه شیر آتش‌نشانی بین آتش‌نشانیهای کشور، توزیع خواهد شد و همچنین از محل اعتبار طرح عمرانی ملی احداث و تجهیز ایستگاه‌های آتش‌نشانی، ۷۰۰ میلیون تومان هزینه خواهد شد. علاوه بر این، مواردی چون تهیه و تصویب اساسنامه سازمانهای آتش‌نشانی شهرهای با جمعیت ۱۰۰ هزار نفر، اهتمام به امر آموزش تخصصی و عمومی، توجه به معیارهای طراحی شهرها در جهت کاهش آسیب‌پذیری آنها در برابر حریق و فعالیت شدن سازمانهای آتش‌نشانی در زمینه ارتباط با وزارت کشور از دیگر نکات مورد اشاره معاون هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور بود. ♦

آتش‌نشانی، کمیبود اعتبارات ملی آتش‌نشانی و بالاخره عدم بهره‌برداری مناسب از نیروهای داوطلب مسرومی و ناشناخته بودن خدمات آتش‌نشانی در جامعه دانست. در ادامه گردهمایی حسین ایمانی جاجرمی، رئیس مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، با اشاره به بحران مدارس بودن فعالیت آتش‌نشانی، لزوم پرداختن به اصلاح سازمان و تشکیلات آتش‌نشانی و از جمله ایجاد هماهنگی بین پستهای کارگری و کارمندی و استفاده از نیروهای دارطلب و مشمولان وظیفه عمومی را خاطر نشان ساخت.

سخنران بعدی، عین‌دی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی مشهد بود که یکسان نبودن حوزه‌های آتش‌نشانی، کمیبود ماشین‌آلاتی مانند اسنوکر - در اقلای حریق ساختمانهای بلند کاربرد دارد و کمیبود لوازمی نظیر دستگاه‌های تنفسی را از جمله مهمترین مشکلات آتش‌نشانیها در زمینه لوازم و تجهیزات دانست.

بعد از این سخنرانی مدیران سازمانهای آتش‌نشانی و خدمات ایمنی اصفهان، تبریز و شیراز در زمینه سایر محورهای گردهمایی به ایراد سخن پرداختند. سپس کمیته‌های تخصصی با حضور کارشناسان مربوطه به بحث و تبادل نظر برارمون محورهای پنجگانه گردهمایی پرداختند که نتایج

شهر فاس

♦ غلامرضا طالبی

نوبت سخن از ویژگیها گذشت؛ هر چند به شتاب. تأمل در ویژگیها و پشتوانه‌های اسلامی آن، مجال و دماغی باید سرشار از حوصنه، که البته در پیش‌اش هستیم. اکنون سخن از مصداق است: نمونه‌ای آرایش‌یافته از باورهای اسلامی؛ جناب؛ مخیله؛ یا در خاک، سر در آسمان. «فاس» را می‌گوییم؛ همان‌که «ویژگیهای شهر اسلامی را به کمال دارد: نظم - تقارن - وحدت - هماهنگی - نسبت و تناسب». همان‌که نمونه‌گویایی است از توانایی انسان در آفرینشی دوباره و مدیریت و تلاشی تحسین‌برانگیز، روی زمین، برای کاستن درد غربت خویش!

فاس از همان ابتدای بنا، با وقف شهر به «مولا ادریس» حالتی عقیس به‌خود گرفت. ادریس دوم - که بانی شهر است - از خداوند چنین می‌خواهد: «پروردگارا، کاری کن که این شهر خانه علم و حقوق باشد، که کتاب مقدس تو (قرآن) در آن خوانده شود و قوانین در آنجا محترم باشد و ساکنان آن، همان راهی را دنبال کنند که پیامبر اسلام (ص) آن را ترسیم کرده است».

بدینگونه فاس از دل خاک سربرمی‌آورد و در نگاه احمد سیفریویی، این شهر از میان همه شهرهای مسلمان‌نشین، به انعکاس مفهوم مابعدالطبیعی خاص اسلام نزدیکتر جلوه می‌نماید.^۱



یادداشت

- ۱- محمد زناداق و فرهاد ایزدیه، پژوهش‌های الفیای کاتبخانه سنتی یزد و وزارت برنامه و بودجه، سفارت ۱۳۸۴، چاپ اول، ص ۱۱.
- ۲- محمدابن یحیی، شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حکیم و عزیزه استشارت‌های سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۵۲.
- ۳- همان، ص ۱۵۲.

شمال غربی آفریقا، مراکش. سال ۸۰۸ میلادی؛ تأسیس شهر فاس؛ پایتخت کشور در دوره‌های مختلف. ساکنان نخستین: بربرها و بناهندگان اندلسی. نژاد: عرب و بربر. زبان: عربی.^۵

فاس دیگر، اما، در فاس وجود ندارد. شهری که به قول ابن خلیب «کبوتر، طوقش را به او امانت داده بود و طاووس با پرهایش آن را تزیین کرده بود و آب نهرهایش به شراب مانند بود و سنگفرشهای خانه‌هایش به جام» اکنون دچار تغییرات تأشفیاری شده که «لیونوی» به این مرزوبوم تزریق کرده است. شهر قدیمی، سرپا ماند و شکل سنتی خود را نیز حفظ کرد؛ اما شهر جدید - که به سبک اروپایی ساخته شده بود - چون مکنده‌ای برفدوت، شهروندان قدیمی را بلعید! شهر مدرن - گرچه از یک معماری بی‌هویت برخوردار بود - اکنون به صورت یک مرکز تفریحی درآمده بود. جوانان، پیش‌قراولانی بودند که با سرعت جذب شهر مدرن شدند و فریفته تازگیهایش. موج جدید به شهر قدیمی خزید و تقریباً سه چهارم آن را تخریب نمود.

همزمان با مهاجرت شهری، کوه‌ها نیز در شهر واژگون شدند. خانه‌های نجیب و اشراف تکه‌تکه شدند. به جای خانه اصلی و قسمتهای مختلف آن، ساختمانها تقسیم و یا به عبارت دیگر، قطعه قطعه گردیدند و به آبارتعمان تبدیل شدند و به منزله مسکن موقتی برای مهاجرانی درآمدند که از قبایل مختلف - که یکدیگر را نمی‌شناختند - آمده بودند. نحوه مالکیت نیز تغییر کرد. ساختمانهای ممتاز و خاص، به علت بی‌توجهی و نبود آمد و شد به صورت خانه‌های محقر درآمد. اکنون دو فرهنگ، رودرروی هم، صف‌آرایی کرده بودند. مدیران هر یک از این دو تمدن، با نهایت سماجت، به حفظ و صیانت محدوده خویش همت گماردند. «تناقض» از راه رسیده بود. جغرافیا و ترکیب شهر به هم ریخته بود؛ تهدیدی آشکار. شهروندان قدیمی، سوار بر پاندولی سرگردان، در جستجوی منافع اقتصادی بیشتر، راهی اینجا و آنجا شدند! آواره. هنوز مشاغل کوچک و صنعتگران ارج و احترام داشتند، اما بازار مورد تهدید قرار گرفت. صبر و حوصله‌ای نبود تا تکنیکهای سخت را بیاموزد و دانش و تجربه استادکار را بیاندوزد. کارآموزان، تعبیر ذایقه داده و از حرفه پیشینیان ناراضی بودند. افراد با سابقه حتی - که در زمینه چرم، فلز و پارچه تخصص داشتند - به جای تولید، به کار خرید و فروش پرداختند. مهارت و تبحر صنعتگر هنرمند، جای خود را به صادرات و وارداتی داد که در حد کالاهایی جزئی و فنی تنزل یافته بود؛ فروش کالاهایی ثابت و یک‌شکل به توریستها - که در نقطه و یا نقاطی بسیار دورتر از این شهر ساخته می‌شوند.

سازمان یونسکو، فاس را از مفاخر جهانی می‌داند و به حفظ و صیانت آن همت گمارده است. فعالیت یونسکو فقط وجه معماری یا شهرسازی را دربرنمی‌گیرد. این سازمان می‌داند که مشکل فاس فقط «مادی» نیست، بلکه بیشتر اجتماعی و شاید در یک محاسبه دقیقتر «اخلاقی» باشد. اجازه کار باید از درون برخیزد. دغدغه یونسکو فقط حفظ ساختمانها نیست. مسئله این است که فرهنگ فاس، با همه ویژگیهایش، باید زنده بماند. به قول ژاک پرک، عارف آگاه نسبت به شهر و تمدن اسلامی، برای مقابله با نابودی هویت فرهنگی، توجه به عظمت و قدرت سنت، نقش بسزایی دارد.^۶

سخن در این است که عظمت و قدرت فاس در چه بوده که اکنون چنین تأسفبار شده است؟ در پی پاسخ، باید به گذشته‌های فاس برگشت و آنها را به دقت کاوید.

کسی که از فاس دیدن می‌کند، از طریق کتابها و راهنماها، به صورت آستره (انتزاعی) از تراکم انسانی و کوجهایی که انسان در آن گم می‌شود، با خبر شده است. او اکنون آن را در وجود خود احساس و تجربه می‌کند. فرصت را از دست نمی‌دهیم و با سرعت از ارتفاعات مشرف به شهر بالا می‌رویم. از اینجا است که فاصله و جدایی بین شهر و زمینهای اطراف به وضوح دیده می‌شود. در اطراف شهر، حومه زیادی وجود ندارد. سبزی سرامیکهای باغها در نور خورشید می‌درخشند و در تضاد با سبزی خاکستری درختان زیتون قرار می‌گیرد. شهر از روی این تپه، آنچنان که هانری بوسکو توصیف کرده، پیش‌روی ماست؛ شهری جین خورده و پیچیده که همه آنچه در آن است - از در و دیوار، کوجه و سایه انسان حتی - اغواکننده است و گاه انسان را با بیخ و خمهای سردرگم و مسیرهای بی‌پایان، نگران و وحشت‌زده نیز می‌نماید؛ دیوارهایی بیخ‌دوربیخ و لایرستی (نودرتو) که در آن گم می‌شوی و همواره باید با چشم تحسین‌نمایی، شهری مرموز، فرورفته در سکوتی خاص که هرچه در آن پنهان،

۱- عبدالعزیز سعیدیان، شهرهای

جهان، انتشارات هنر و زندگی، تهران،

۱۳۷۷، چاپ هشتم، ص ۲۷۶.

۲- عبدالعزیز سعیدیان،

شهرهای جهان، انتشارات هنر و

زندگی، تهران، ۱۳۷۱، چاپ سوم، ص

۳۳۹.

۳- محمدعلی بخت، همان، ص ۱۲۰.

۴- همان، ص ۳۶۱.

بازهم خود را در پردهای از ایهام پوشیده است. در عین حال، شهر زنده است و ازدحام جمعیت را از درون خود عبور می‌دهد، بدون آنکه مواجهه نامنظمی ایجاد کند. دارای مرکزیت و ایست تاریخی است و اماکن مقدس، کیفیتی مذهبی به آن داده است. تجارت، رونق دارد و شهر، به‌واقع، حافظ و امین خطبه و نماز و موسیقی است.^{۱۰}

فاس - شهری که به دست اعراب مسلمان پی‌ریزی شد و نه بازسازی^{۱۱} - نمونه کاملی است که با تمدن اسلامی هماهنگی دارد و تمام ویژگیهای شهر اسلامی را در خود جای داده است. ژاک پیرک، جامعه‌شناس فرانسوی، فاس را معرّف کلاسیسیسم (دوره معارف) شهری و مدینه به معنی واقعی کلمه می‌داند.^{۱۲}

اکنون با قدم زدن و گردش کردن در فاس قدیم به رازگشایی تأسف و اندوهی که از تولد فاس جدید به سراغمان آمده بود، می‌پردازیم. در این شهر همه چیز با سردرگمی شروع می‌شود. لایبرنت همین‌جاست و گردش‌کننده را در خود می‌بچشد. (طرح و نقشه) شهر به صورت دوایر متحدالمرکز است و مشاغل از مجاور مسجد قدیمی «قرویین» یعنی از کتابفروشیها آغاز می‌شود و در خارج شهر به کار ساختها، دباغها و رنگرزیهای پوست ختم می‌گردد. احمد بفریوی می‌گوید: «شهر، پیرامون کانونی از زندگی مذهبی و اجتماعی برپا شده است؛ در اینجا مسجد، حمام، مکتب‌خانه و محکمه قاضی قرار دارد. سپس نوبت به راسته‌بازارهای مربوط به مشاغل باارزش می‌رسد؛ قیصریه برای فروش ابریشمهای زیباست، در راسته بازار ریسالات، طلا و نقره را خرید و فروش می‌کنند و راسته بازارهای دیگر نیز به اینها می‌پیوندد... فاس با شهرهای بزرگ اسلام خصوصیات مشترکی نیز دارد؛ هسته اقتصادی و مذهبی، خانه‌های سنگفرش شده، کوچه‌های باریک که به نظر می‌رسد مسیر معینی ندارند»^{۱۳}.

اگر زیبایی و عمق نگاه و توصیف پی‌بر لوتی، نویسنده اروپایی، را به گفته‌های این نویسنده مغربی اضافه کنیم؛ فاس بیشتر چهره خواهد نمود. او می‌گوید: «در آنجا، ناگهان خیابان تنگ و تاریک به شکل بادبزن گشاده می‌شود؛ میدان مثلث شکلی به وجود می‌آورد که شعاعی از خورشید از گوشه آسمان آبی‌رنگ بر آن می‌افتد. این میدان کوچک با چشمه‌ای که در وسط آن قرار دارد تزئین شده است. از طاق کوچک کاشی‌کاری شده‌ای که آن را روی دیوار خانه‌ای قرار داده‌اند و یکباره به جلو آمده است، دو فواره خارج می‌شود که در حوضی از مرمر فرومی‌ریزد. در طرف چپ، دروازه بی‌نظیر و باشکوهی، زیباتر از هر در دیگری در شهر قرار دارد که به جایی راه ندارد و تنها به درون حیاطی عمیق باز می‌شود»^{۱۴}.

یکی از خصوصیات بناهای شهر فاس، اهمیت مدرسه‌هایی است که برای دانشجویان شبانه‌روزی در دوره مرینیان ساخته شده است و از همه زیباتر شاید «مدرسه «عطارین» باشد. جنوب سدره‌رنگ در کنار سفیدی شیرین‌رنگ گچکاری (استوک) قرار گرفته و در حالی که تالافو چینی به خود گرفته، شدت خودنمایی می‌کند.

فاس مرکز دارالخلافت و نیز شهر علم و محل تجمع اساتید بوده است. امتیاز این شهر به خاطر حقوقدانان، علمای بزرگ علمی، مذهبی و اساتیدی بوده که در دانشگاه قرویین - یکی از قدیمترین دانشگاه‌ها در جهان اسلام - گردآمده بودند. محمدالفاسی که عضو یکی از قدیمترین خانواده‌های شهر فاس است و نقش فرهنگی مهمی در اثر همکاری با مجمع دانشگاه‌های اسلامی داشته، می‌گوید: «فاس، شهری نیست که در حد مجموعه‌ای از خانه‌ها و مغازه‌ها و... خدمات و ساختمان‌سازی تنزل یابد، بلکه شهری است ریشه‌دار و از شخصیتی برخوردار است که آن را از سایر شهرها متمایز می‌سازد. مسجد القرویین سند محکمی است برای سنجیدن این شهر، در حالی که سایر بناهای آموزشی نیز آن را تکمیل می‌کنند»^{۱۵}.

درواقع، بین دانشمندان علوم مذهبی و هنر هنرمندان صنایع دستی - که به شکل اصناف گرد آمده بودند - ارتباط نزدیکی وجود دارد و همه با هم، حرکت بزرگ دورانی و هماهنگ اسیرال خود را در فاس رسم می‌کنند. کمی پس از تأسیس فاس، پناهندگانی از اندلس و قیروان به آنجا آمدند. آنها نام خود را به محلات دادند و

کیفیت صنایع دستی و هنر زندگی کردن را بالا بردند. به این ترتیب، فاس خیلی زود تبدیل به شهری جهان شمول گردید و فراتر از ملتها، قبایل و نژادها - مانند شهرهای دیگر در قلمرو سرزمین اسلام - درآمد. در قرن دوازدهم بود که توسط المروریدها، شهرهای قدیمی فاس با هم متحد شدند و به وسیله دیواری، بخشهای مختلف را به هم ربط دادند.

مشخصه دیگر این شهر این است که برای همیشه در خاطره‌ها به صورت مرکز و پایتخت، باقی خواهد ماند و

۱۰- همان، ص ۱۲۹.

۱۱- لوتی، در همه روزه تاریخ شهر
شهرهای اسلامی و اروپایی در
فون وسطا، ترجمه پروانه مریح،
مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۳۸.

۱۲- همان، ص ۱۳۰.

۱۳- همان، ص ۱۲۹.

۱۴- همان، ص ۱۳۱.

۱۵- همان، ص ۱۳۱.

۱۶- همان، ص ۱۳۰.

۱۷- همان، ص ۱۳۰.

۱۸- همان، ص ۱۳۰.

۱۹- همان، ص ۱۳۰.

۲۰- همان، ص ۱۳۰.

۲۱- همان، ص ۱۳۰.

۲۲- همان، ص ۱۳۰.

۲۳- همان، ص ۱۳۰.

۲۴- همان، ص ۱۳۰.

۲۵- همان، ص ۱۳۰.



این، نه به خاطر نقش سیاسی اوست - که در حال حاضر کم‌رنگ شده و نه به دلیل وسعت و توسعه و گسترش آن (زیرا یک بحران اقتصادی را پشت سر گذاشته است) - بلکه به خاطر ابعاد بااهمیت دیگری است، از جمله اینکه سالها مقر سلسله‌های حکومتی بیانی، به‌عنوان مثال ادریسیان تا مرینیان و سعدیان تا علویان، بوده است. آرامگاه قدیمیترین حکمرانان فاس (ادریس پدر و ادریس پسر) همچنان روی شهر - که در قرن دوم هجری (سال هشتصد میلادی) ساخته شده - پابرجاست و خاک نیز بر این تقدس صخه می‌گذارد.

وجود آب فراوان، یکی از اصول مهم بنای شهر بوده است. یکی از مواهب این شهر، برآب‌بودن منابع آبی آن است. رودخانه فاس، مجرای مرواریدگونه‌ای است که به منزله منابع حیاتی و جواهرمانند در دل شهر جاری است. آب از همه‌جا می‌تراود؛ در عساجد به‌صورت آینه‌هایی زلال و شفاف برای وضوگرفتن و در کانه‌ها برای کشاورزی و به‌صورت چشمه‌ها و بناهای یادبودی (مونومنتال) که بر روی دیوارها ساخته شده و با کاشی‌کاریهای مزین به آرابسک شکل یافته‌اند. زلیجی‌ها (مجراهایی که آب را هدایت می‌کنند) امروز به‌صورت خط خاکستری ضخیمی طرحهای رنگی آرابسک را سد می‌کنند. لذا این خط به‌صورت جزء لاینفک مجموعه‌ای از چشمه و کویچه‌های اطراف و خانه‌های قدیمی تشکیل شده است.

قبل از اینکه از شهر خارج شویم، به‌قصد تیمن و تیزک به زیارت مولا ادریس می‌رویم. خلوت مولا، قداستی به جانمان می‌بخشد و روح تشنه‌مان را سیراب می‌کند. ارتفاعات شهر، ما را به‌خود می‌خواند، لختی درنگ می‌کنیم؛ شهر لیوتوی یش روی ماست. اما فرهنگ و تمدن «فاس البلیه» جهت نگاهمان را تنظیم کرده است؛ کنشش در خود نسبت به شهر لیوتوی نمی‌یابیم. بنابراین، از درنگ در «فاس الجدیدة» دریغ می‌کنیم و به ارتفاعات فراز می‌شویم. رودخانه‌ای رخ می‌نماید که میان این دو شهر قرار گرفته؛ شاهی بر جاری بودن هر دو؛ دو شهر قدیمی، پهلو به‌پهلوی یکدیگر؛ هر دو با امید روبه آینده، در حال ناخت؛ هر یک با ویژگیهای خود؛ نماد رودرویی دو فرهنگ و تمدن.

شهر سنتی اسلامی گرچه از قاعده و نظم شهرهای هلنی و رومی بی‌روی نگرفته است و فاقد فارومها^{۱۴}، آگوارها^{۱۵}، تالارهای دادرسی، تئاترها، آمفی‌تئاترها، استودیومها و ورزشگاههای «سربوشیده» بوده است و از خیابانهای وسیع و سربوشیده شهرهای هلنی در آن اثری نیست؛ اما فرهنگ و تمدنی منحصر به‌فرد عرضه کرده است، با ویژگیهایی که موجب تحسین شده و منبعی برای داستانهای بی‌پایان^{۱۶} شهرهای اسلامی در فراز و فرود آکلتنگ تاریخ، هنوز سربلند و پرافتخار در کفه فراز است و شهر اسلامی فاس، سمفونی وجدانهای «خدا» حوی است، شاید، در لایبرنت هزاربج و هزار توی خاک ♦

تازه‌های نشر

♦ گروه اطلاع‌رسانی مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور



شهر / ژان باستیه - برناردزور / مترجم:
علی اشرفی / دانشگاه هنر / تهران ۱۳۷۷
۴۵۹ / صفحه

شهرنشینی و توسعه شهری یکی از پدیده‌های عمده دوران معاصر است. قرن حاضر را قرن انقلاب شهرها نامیده‌اند. رشد شهرنشینی، به مفهوم امروزی آن، از کشورهای صنعتی آغاز شد و در نیمه دوم قرن بیستم به صورت پدیده‌ای جهانی شمول درآمد. از آنجا که صنعتی شدن از اولویتهای کشورهای اروپای غربی محسوب می‌شد، شهرهای بزرگ آنها به زودی با انبوهی از مشکلاتی همچون مسائل زیست‌محیطی، بحران مسکن، شرایط نامطلوب کار، افت کیفیت زندگی و غیره روبرو شدند. اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، پزشکان، سیاستمداران و هنرمندان با گفتار و نوشتار خود به نكوهش شهرهای صنعتی پرداختند و با تشریح شهرهای آرمانی خود بتدریج شهرسازی را با محتوای جدید بنا نهادند.

کتاب حاضر که تألیف ژان باستیه و برناردزور، استادان رشته آمایش و شهرسازی دانشگاه پاریس - سوربن و مرکز مطالعات و تحقیقات پاریس وایل دو فرانس است؛ در نوع خود کتابی جامع به شمار می‌رود و با نگرش همه‌جانبه‌اش به شهر، علت وجودی، شیوه رشد، شکل تکامل و بیماریهای این موجود زنده را مورد مطالعه قرار می‌دهد و بازنتاب سیاستها و تصمیم‌گیریهایی مختلف را در مرفولوژی آن نمایان می‌سازد. کتاب در چهارفصل به ترتیب زیر به رشته تحریر درآمده است:

- ۱- منظر کلی و مرفولوژی
- ۲- فعالیتها و عملکردها
- ۳- سازماندهی و مدیریت
- ۴- آمایش و شهرسازی.

چکیده طرح جامع جدید تهران (طرح حفظ و ساماندهی تهران): مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری سال ۱۳۷۱ / جمع‌آوری و تدوین: صمد ذواستباق (با همکاری حوزه معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران) / شرکت پردازش و برنامه‌ریزی (وابسته به شهرداری تهران) ۱۳۷۷ / ۲۰۱ صفحه

با وجود نشر متونی در زمینه طرحهای جامع شهری، به نظر می‌رسد که جزئیات مربوط به طرح جامع شهر تهران، هنوز بر بسیاری از پژوهشگران و مهندسان شهرساز و شهروندان تهرانی پوشیده است. براین اساس، گردآورنده کتاب مباحثی را که برای تدوین طرح جامع تهران مفید به نظر می‌رسیده، در مجموعه‌ای مختصر و مفید گردآورده است.

مطالعات طرح ساماندهی تهران (طرح جامع جدید) توسط مهندسان مشاور آتک از اواخر سال ۱۳۶۵ آغاز گردید. حاصل مطالعات این طرح در بیش از ۲۰ سرفصل اصلی و ۵۰ سرفصل فرعی، در ۴۰ مجلد، دارای بیش از ۴۰۰۰ برگ گزارش و ۲۰۰ برگ نقشه و حدود ۳۰ مورد مطالعات تحقیقی شهرسازی از منابع خارجی، مطالعه، گردآوری و تدوین شد. اصل این طرح در کتابخانه حوزه معماری و شهرسازی شهرداری تهران موجود است.

باتوجه به عدم دسترسی همگان بخصوص کارشناسان به مجندات طرح، به علت انتشار محدود آن، توسط مهندسان مشاور آتک در سالهای گذشته این کتاب به صورت چکیده در چهارفصل به شرح زیر به رشته تحریر درآمده است:



توانست راه‌هایی برای تعمق بیشتر در مسائل و پدیده‌های شهری باز نماید؛ بویژه اینکه با گسترش شهرها خصوصیات قومی و فرهنگی تأثیر چشمگیری بر کالبد شهری خواهد گذاشت. تجزیه و تحلیل این خصوصیات با مطالب مندرج در این کتاب ارتباط زیادی دارد و تأکید نهایی کتاب بر تلفیق علوم اجتماعی با علوم طبیعی است و این تلفیق در نگرش جدید جامعه‌شناسی شهری مورد توجه قرار گرفته است. کتاب در هفت فصل نگارش یافته که عبارت‌اند از:

- ۱- تجزیه اجتماع محلی ۲- بازسازی جامعه‌شناسی شهری ۳- طبقات اجتماعات محلی و مراتب ارتقای اخلاقی ۴- جامعه مدنی، تلاش‌های گریز و خوددقرفتمانی ۵- جامعه، عواطف و دولت ملی ۶- امکان محلی یا طرح روابط اجتماعی ۷- جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسانی.

اداره امور شهرداریها / ابوالقاسم طاهری
نشر قومس / تهران ۱۳۷۷ / ۳۱۴ صفحه
 شهرداری یکی از تأسیسات محلی غیرمتمرکز است. شهرداری سازمانی است که در محدوده شهر برای رفع آن دسته از نیازهای عمرانی و رفاهی مردم که جنبه محلی دارند و نیز برای ایجاد و اداره پارهای تأسیسات شهری که مربوط به نیازهای مردم همان محل است تشکیل می‌شود. امور شهر بایستی با مشارکت مردم محل اداره شوند و این اصل مورد نظر است که مردم محل می‌توانند احتیاجات خود را بهتر از یک مرکز دور تشخیص داده، اولویتها را تعیین کنند و برای رفع آن اقدام نمایند و اصلاحات لازم را عملی سازند. دخالت دولت تا آنجا که ممکن است باید محدود شود.

تحولات اقتصادی، گسترش مراکز صنعتی و بازرگانی و پدیده‌های ناشی از پیشرفت تکنولوژی در شهرها، مسائل و مشکلات متعددی برای زندگی شهر و اداره امور شهرها به وجود آورده که قسمت اعظم توجه شهرنشینان و همچنین کارشناسان و مسئولان امور را به خود جلب نموده است.

انتقال تکنولوژی، توسعه صنایع بزرگ، گسترش راه‌های ارتباطی و پیشرفت امکانات سایر جاذبه‌ها در شهرهای بزرگ، مهاجرتها را به دنبال داشته و این مسئله نیز بر مشکلات شهری افزوده است. نگارنده کتاب با آگاهی از وجود چنین مسائل و مشکلاتی،

- موقعیت جغرافیایی و تاریخی تهران -
 - نگاهی به طرح جامع قدیم تهران (مصوب سال ۱۳۳۷)

- ویژگیها و مشخصات طرح حفظ و ساماندهی تهران (طرح جامع جدید)
 - مقررات ویژه و اختصاصی تهران.
 امید است این کتاب بتواند اطلاعات لازم درباره اصول، مسائلی و مشخصات طرح را در دسترس کارشناسان و پژوهشگران حوزه‌های شهری و شهروندان تهرانی قرار دهد.

جامعه‌شناسی شهری (جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسانی) / پیتر دیکنز / مترجم: حسین بهروان / آستان قدس رضوی (با همکاری شرکت به نشر) / مشهد ۱۳۷۷ / ۲۴۶ صفحه

در حال حاضر یکی از مشغله‌های فکری جغرافیدانان و جامعه‌شناسان این است که تفسیر مردم از محیط اجتماعی و فیزیکی پیرامون خود بایستی در نظریه اجتماعی ملحوظ گردد. جامعه‌شناسی شهری برای شناخت روابط و فرآیندهای ساختاری گسترده‌ای که بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد، تلاش زیادی به عمل آورده است، اما هنوز از اینکه چگونه مردمی که فعالانه ناظر بر شرایط زندگی خود هستند، درون این شرایط گرفتار می‌شوند و چگونه بر آن تأثیر می‌گذارند؛ شناخت درستی به دست نیامده است.

کتاب جامعه‌شناسی شهری تألیف پیتر دیکنز نگاهی تازه به مباحث جامعه‌شناسی شهری است. اگرچه آثار فارسی با عنوان یادشده اندک است ولی این آثار عمدتاً مباحثی ارائه نموده‌اند که بیشتر به قلمرو محیط‌شناسی انسانی و جغرافیای شهری نزدیک است. کتاب حاضر بنیادهای روان‌شناختی و رفتارشناسی جامعه شهری را با نظریه‌های اخیر جامعه‌شناسی بهم آمیخته است و با مثالهای روشن و جالبی همراه شده که خواننده را با نکته‌های تازه آشنا می‌سازد. نکته دیگر اینکه بُعد انسانی در این کتاب به ابعاد کالبدی، برنامه‌ریزی شهری، جغرافیای و تاریخ شهرها غلبه دارد.

با عنایت به اینکه جامعه ما به تازگی قدم در مسیر شهری‌شدن نهاده است، مسائل و مشکلات اجتماعی، قومی و فرهنگی شهرها روز به روز اهمیت بیشتری خواهد یافت و طرح مطالب این کتاب خواهد



اقدام به چاپ این اثر در چهار فصل، به شرح زیر نموده است:

- آشنایی با انواع مسائل شهری
- سابقه شهرداریها در ایران و رشد تحولی آن
- مسائل پرسنل شهرداریها
- طرح و برنامه‌ریزی و سیاستهای توسعه شهری.

اکسپرسیونیسم (از نقاشی تا معماری و شهرسازی) / حمیده محمدزاده تینکانلو / مولیان جم / تهران ۱۳۷۸ / ۸۰ صفحه

سالیان متمادی است که بسیاری از صاحب‌نظران هنری، اکسپرسیونیسم را به‌عنوان یکی از سبکهای هنری، بویژه در نقاشی و مجسمه‌سازی، می‌شناسند، اما از اکسپرسیونیسم در معماری و شهرسازی کمتر سخنی به میان آمده است.

«برونوتات» یکی از نظریه‌پردازان آلمانی است که آثار، فعالیتها و آرای او در بین نظریه‌پردازانی که در تاریخ عقاید شهرسازی مطرح‌اند، ناشناخته مانده است و ضرورت دارد همانگونه که در سیر اندیشه‌های شهرسازی به «شهر گارانتی» فوریه؛ «ایکاری» کابه؛ «باغشهر» هوارد؛ «شهر خطی» سوریا ای ماتا؛ «مدینه عادل» این سینا؛ «شهر زیبایی» نظامی گنجوی؛ «شهر انسان» و «انتویایی» دوکسیادیس توجه شده، از اندیشه‌های شهرسازی برونوتات و بویژه «اشات کرونه» نیز سخن به میان آید.

مؤلف کتاب، محور بیان مورد نظر را از نقاشی تا عرصه شهرسازی دنبال نموده و به دلایلی بر عقاید برونوتات تأکید خاصی به عمل آورده است و ضمن بررسی تعاریف، مفاهیم و تاریخچه اکسپرسیونیسم و

عوامل و آرای تأثیرگذار بر طرحها و آثار هنرمندان این شیوه، به ویژگیهای کلی این سبک در هنر، معماری و شهرسازی و بالاخره (برای نخستین بار) طرح فرضیه «شهر اکسپرسیونیستی» و خصوصیات کلی آن پرداخته است.

Town Planning into the 21st Century / Andrew Blowers and Bob Evans / Newyork / 1997 / Routledge 188 Pages

اکنون که به قرن بیستویکم نزدیک می‌شویم، به‌عنوان یک فرآیند در حال رشد سریع، اینجا و آنجا



سخن از برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان یک مکانیسم سیاسی خاص برای حل مسائل کاربری زمین و توسعه محیط زیست و کیفیت زندگی شهری به‌وجود آمده است در پاسخ به دستور کار توسعه پایدار در اجلاس «ریو» برخوردارها و دیدگاه‌های تازه‌ای ضرورت یافته و برنامه‌ریزی شهری در آستانه قرن بیستویکم، در فرآیند خود با زوایای جدیدی روبرو گردیده است. این کتاب با هدف شناخت مباحث کلیدی که برنامه‌ریزی معاصر با آن درگیر است و همچنین نحوه برخورد با آنها، تدوین یافته است و دیدگاه‌های مطرح شده در آن در راستای دستور کار ۲۱ اجلاس ریو ارائه گردیده است.

از جمله مسائلی که در متن یاد شده مورد تأکید نویسندگان قرار گرفته، بررسی تحولات در عرصه برنامه‌ریزی و بحث درباره علل و عوامل مؤثر در آن است. در فصول اول، چهارم و هفتم کتاب نقطه نظرات تازه‌ای در مورد نحوه پاسخ برنامه‌ریزی به چالشهای جدید در ارتباط با توسعه پایدار مطرح شده است و در فصل دوم، دیدگاهی عملکردی در زمینه اثر محدودیتها بر ویژگیهای برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم، به بررسی نقش مرکزی و محوری برنامه‌ریزی شهری در مدیریت محیط‌زیست اختصاص دارد و در فصول پنجم و شانزدهم، ارتباط برنامه‌ریزی با عدالت و توسعه اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. در فصل هشتم، نقد و بررسی برنامه‌ریزی، به‌مفهوم وسیع آن در انگلستان (همراه با مقایسه‌های بین‌المللی) انجام گردیده و در زمینه رابطه بین محیط‌زیست و جامعه، از زوایای دیگر، در فصل نهم بحث شده است.

دانش ارزش اجتماعی به ساختمان و زمین، فعالیت برای منافع مردم (و نه فقط بازار) و تشویق وضعیتهای متعادل زیست‌محیطی از موارد دیگری هستند که به‌همراه دیدگاه‌های نو مورد تأکید نویسندگان قرار گرفته‌اند.

در مجموع، کتاب فوق شامل گفتگوها و مباحثاتی است که نقش و اهداف برنامه‌ریزی شهری را در آستانه قرن بیستویکم مورد تحلیل قرار داده و ملاحظات جدید را مطرح نموده است.

Urban Public Finance in Developing Countries / Johannes Linn - Roy Bahl 1998 / London / Oxford Pub./

قسمت سوم در مورد پرداختهای استفاده کنندگان، به واسطه استفاده از سرویسهای شهری، بحث و صحت می کند. در بخش نهم به بررسی مهمترین قسمت موضوع، یعنی قیمت گذاری در سرویسهای شهری، می پردازد! سوال مهمی که می توان براساس پاسخ آن جهت سرویس دهی به شهروندان مطابق استانداردهای موجود نیازهای قیمت گذاری را مورد بررسی قرار داد. بخش دهم به بحث عملی در مورد قیمت گذاری سرویسهای عمومی اختصاص دارد. بحث ارزش گذاری سرویسهای عمومی به واسطه توجه به شبکه های آبرسانی و فاضلاب شهری، از جهت درآمدهای این بخش و تأثیر آن در بودجه محلی و همچنین بالا بردن سطح کیفیت زندگی شهری نیز در این بخش مورد بررسی قرار می گیرد. بخش یازدهم به بیان روشهای عملی به جهت بالا بردن سطح کیفیت سرویسهای شهری می پردازد.

قسمت چهارم به بررسی روابط مالی درون دولتی، ارتباطات میان بخشهای عالی و توزیع سرمایه و مسئولیتهای بین قسمتهای مرکزی و حومه های دولتی می پردازد. در بخش دوازدهم ساختار دولت محلی در بُعد ملی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. بخش سیزدهم به این سوال که مرکزیت تا چه اندازه به دولتها اجازه می دهد تا وضعیت را به طور عملی بررسی کنند، پاسخ داده و روشهای مناسبی جهت برنامه ریزی در این امر ارائه می دهد و سرانجام بخش چهاردهم به نتیجه گیری و بیان درسهایی در مورد این سیاست گذاری اختصاص یافته است.

هدف نهایی کتاب این است که بتواند راجع به منطقی برای اقتصاد شهری دولتهای کشورهای در حال توسعه ارائه کند و گامهای مؤثری در حل مشکلات اقتصاد شهری بردارد. ♦

شهرهای صنعتی دنیا به علت انفجار جمعیت از فقر، ازدحام جمعیت و تخریب زیربنایی رنج می برند. کتاب حاضر، ریشه بحرانهای مناطق شهری را مشکلات مالی می داند و برنامه سیاسی و اقتصادی مناسبتری ارائه می دهد، که براساس تحقیقات بیست ساله به دست آمده است و می تواند راهنمای مفیدی برای سیستمهای شهرسازی محسوب شود. این کتاب در چهار قسمت تهیه شده است:

قسمت اول حاوی دو بخش از کتاب است. در بخش اول، ایجاد سیستمی برای بررسیهای اقتصاد شهری بیان شده و ساختار توسعه دولت از نقطه نظر شهری و مالی مورد بررسی قرار گرفته است. بخش دوم به بحث در مورد سیاست عمومی و تأثیر اتفاقات بیرونی بر مسائل مالی دولتهای محلی در کشورهای در حال توسعه می پردازد و به کشف ارتباطات میان امور سنتی توسعه و به سقوط رشد در کشورهای در حال توسعه می پردازد.

قسمت دوم در مورد مالیات گذاری دولتهای محلی است. از آنجا که مالیات یکی از راهها و یا اصلی ترین روش برای ایجاد سرمایه در بسیاری از شهرهاست، به عنوان موضوع اصلی بخش سوم در نظر گرفته شده است. در بخش چهارم به توضیح بیشترین عملکردها و میزان موفقیت و یا عدم موفقیت سیستم مالیاتی در کشورهای در حال توسعه می پردازد. بخش پنجم و ششم میزان و تأثیر مالیات مخصوص زمین و اصلاحات آنرا بررسی می کند. مالیات مربوط به اتوموبیلها در بخش هفتم بررسی می شود؛ اهمیت رشد و تولید مالی و همچنین مشکلات آنان از ا مور مهم در این امر است و بالاخره در بخش هشتم به بررسی، استفاده، مزایا و مضرات مالیتهای مربوط به فروش و درآمدها و سایر موارد



ماهنامه شهرداریها

آگهی می پذیرد



با مخاطب (مشکلات شهری ساوه)

♦ امیرحسین خلیج مهری
دانشجوی کارشناسی ارشد معماری

ساوه قدیمیترین شهر استان مرکزی و دومین شهر بزرگ (بعد از اراک) این استان است. رشد سرسام‌آور جمعیت شهر و ناتوانی مسئولان مربوطه در کنترل آن، مشکلات جانبی زیادی به وجود آورده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- توزیع نامتناسب کاربریها

۱-۱- تمرکز مراکز تجاری در مرکز شهر که افزایش سفرهای درون شهری و ترافیک را در پی دارد.
۲-۱- تمرکز مراکز آموزشی بویژه مراکز آموزشی پیش‌دانشگاهی در مناطق خاص و عدم توزیع متناسب سایر مراکز آموزشی

۳-۱- تمرکز فضاهای ورزشی در چند منطقه محدود

۴-۱- توزیع نامتناسب تأسیسات و تجهیزات شهری و کمبود آن در بافت‌های تازه توسعه‌یافته شهری

۲- ناسازگاری کاربریها

۱-۲- پراکندگی کارگاه‌های صنعتی مزاحم در سطح شهر

۲-۲- ناسازگاری کاربری قبرستان که در داخل شهر قرار دارد با بافت مسکونی همجوار

۳-۲- ناسازگاری کاربری غسلخانه با زمینهای مزروعی و باغهای همجوار، به دلیل احتمال آلودگی آب

۴-۲- ناسازگاری میدان دام و کشتارگاه با بافت همجوار

۵-۲- ناسازگاری مکان دیوی زباله با بافت همجوار

۳- مشکلات ترافیکی

۱-۳- دشواری تردد و مسائل نقلیه در بافت قدیمی شهر

۲-۳- وجود ترافیک نسبتاً سنگین در مرکز شهر بویژه پیرامون بازار و میادین اصلی شهر (شهید، انقلاب و مخابرات)

۳-۳- وجود گره ترافیکی پیرامون قبرستان و مقبره امامزاده سیدعلی اصغر و ایجاد ترافیک موضعی توسط پمپ بنزین درون شهری

۴-۳- پهنای بیش از حد لازم خیابانهای محلی که موجب سرعت زیاد و مسائل نقلیه در آنها و کاهش امنیت عابر پیاده، بویژه کودکان می‌گردد. (ایجاد دست‌اندازهای غیراستاندارد در برخی از این خیابانها مشکلات دیگری را به وجود آورده است و متأسفانه با وجود پیشنهاد راه‌حلهای مناسب، از جمله طراحی خیابان به شیوه و نرفه از این تدابیر بهره‌گیری نشد است.)

۵-۳- کمبود پارکینگ عمومی درون شهری برای وسایل نقلیه سبک

۶-۳- کمبود پارکینگهای حاشیه‌ای پیرامون شهر برای توقف و سرویسهای اولیه وسایل نقلیه سنگین

۴- کمبود عناصر عملکردی نظیر آبریزگاه، صندلی، آشوری و تابلوهای راهنما و اطلاع‌رسان

۵- کمبود مراکز فرهنگی، تفریحی، پذیرایی و اقامتی

۶- کم‌توجهی به بافت تاریخی شهر و عدم بهره‌گیری از توانهای بالقوه گردشگری - فرهنگی و اشتغال‌زای آن

۷- رواج مسکن غیراستاندارد؛ بروز پدیده بدمسکینی

آنچه گفته شد تنها بخش کوچکی از مشکلات شهری ساوه است که البته در طرح جامع برای رفع پاره‌ای از آنها چاره‌اندیشی شده و مسئولان ملی و محلی نیز در صدد اجرای برنامه‌های راهگشا هستند، اما بدیهی است که رفع مشکلات از این شهر تاریخی به مشارکت همگان نیازمند است ♦



○ ABSTRACTS

Plural Planning and Advocay Planning Paul Davidoff's Ideas: A Criticism

By: Manoochehr Mozaiyeni

Failure in urban planning due to the urbans' difficulties and dissatisfaction of citizens has lead to presentation of a series of new theories in order to reform the structure or process of these plans.

Davidoff suggests that the planning procedure should be transformed overally, and those who are against the current planning procedure present the new ones. According to Davidoff, the opposed will suggest different proposals - instead of mere opposition or

criticism - which are usually accompanied by the urban planners' ideas. Therefore, the plans will be strictly applicable.

If afore - mentioned theory is accepted, how it would be applied. As there are various interests relating to urban difficulties, lots of plans may be presented in this field. Of course, it does not reject Davidoff's idea, but it seeks to eliminate the difficulties of applying this theory critically.

Historical (Ancient) Bridges in Isfahan

By: Vahid Qobadian

Isfahan is one of the Iranian cities which enjoys a number of historical (ancient) memorabilia from urban planning and architecture viewpoints.

Historical bridges of Zayandeh-Rood constitute a part of these ancient works which are extended from the source in Zard-Koch to the mout of the river in Gavkhooni swamp.

Historical bridges in Isfahan such as Marnan, Allahverdikhan, Djwil, Khadjoo and Shahrestan were

multipurpose unlike the modern bridges which are usually unifunctional. For instance, consider the roles of Khadjoo bridge:

- a) recreation activities
- b) reserving waters
- c) duane zoll (the gate of the city)
- d) military headquarters.

The writer beilves that the afore-mentioned historical characteristics will lead to better urban design.



ماشین آلات صنعتی

تراکتورسازی ایران

ITIM CO.



با لابر هیدرولیکی با ارتفاع کاری ۸ و ۱۰ متری

قابل نصب بر روی انواع تراکتور با دارا بودن:

خدمات بعد از فروش

گارانتی شش ماهه

و ارائه خدمات مورد نیاز در سرتاسر کشور توسط نمایندگان مجاز

آماده واگذاری به شهر داریهای محترم می باشد.



MAN LIFE (TOPPER)

با کاربرد وسیع در زمینه های نوسازی و توسعه شهر داریها جهت:

نصب چراغهای معابر

نصب تصاویر و پرچمها و تجهیزات مراسم و جشنها

استفاده گسترده در نما سازی ساختمانها

سمپاشی درختان حاشیه خیابانها و معابر

و امور کشاورزی و عمرانی و ...

تلفن کارخانه: ۷۳ و ۲۲۵۸۷۰ - ۲۱ فاکس: ۲۲۵۸۷۱ - ۴۱

تلفن دفتر مرکزی: ۸۵ - ۸۸۴۲۲۸۳ فاکس: ۸۸۴۱۹۷۸ - ۲۱

E.mail I.T.I.M.CO@neda.net

shahrdariba

- Duties of municipalities in Iran, from imagination to reality
- Advocacy and pluralism planning
- Estokholm's municipality and city council
- Legal challenges of urban management system in Iran
 - The role of lamp light in beautification of the urban spaces
- The role of voluntary forces in safety and fire extinguishing affairs

